



بوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قنون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

شیطان اهداف و نقشه هایش در قرآن (رساله ماستری)

محصل: احمد فواد "رادمنش"

استاد رهنما: دوکتور فصیح الله "عبدالباقی"

سال: ۱۳۹۸ هـ. ش - ۱۴۴۱ هـ. ق



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

شیطان اهداف و نقشه هایش در قرآن

(رساله ماستری)

محصل: احمد فواد "رادمنش"

استاد رهنما: دوکتور فصیح الله "عبدالباقي"

سال: ۱۳۹۸ هـ. ش - ۱۴۴۱ هـ. ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترمه احمد فواد ولد اکرام الدین ID: نمبر SH-MST-96-310 محصل دور سوم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: شیطان اهداف و نقشه هایش در قرآن به روز چهارم سنه تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۸ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۴ (نمره به عدد) هشتاد و چهار (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد محمد نعیم جلیلی	عضو هیات	
۲	دکتور عبدالصبور فخری	عضو هیات	
۳	دکتور فصیح الله عبدالباقی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

معاون علمی

آمر بورده ماستری

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ)

(البقرة : ۱۶۸)

ترجمه: ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است (و خدا آن را تحریم نکرده و نفس انسان گوارا و خوشایندش می‌داند) بخورید، و پا به پای اهریمن راه نیفتید (و به دنبال شیطان روان نشوید). بی‌گمان او دشمن آشکار شما است.

(إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ) (فاطر: ۶)

ترجمه: بی‌گمان اهریمن دشمن شما است، پس شما هم او را دشمن بدانید (و از مکر و کید او یک لحظه غافل نمانید و از وسوسه‌های او پیروی نکنید). او پیروان خود را فرا می‌خواند تا از ساکنان آتش سوزان جهنم شوند.

(وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) (سبأ : ۲۰)

ترجمه: واقعاً ابلیس پندار خود را درباره آنان راست گرداند (و به کرسی نشاند). چرا که همگی از او پیروی کردند مگر گروه اندکی از مؤمنان.

اهداء

این تلاش فروتنانه را به والدین عزیزم، همسرم، خانواده و به برادران ایمانی ام به ویژه به محققان و واعظان که پرچم داران دین مقدس اسلام بوده و با تمام قوت با شیطان در ستیز اند، و صابرین بر اذیت شیطان و اولیایش اند و خواهش ایشان نجات از شیطان است، اهدا می کنم.

سپاس‌گزاری

الله تعالی میفرماید: **وَلَيْنُ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ...**^۱

همچنان جناب رسول الله (صلی الله علیه سلم) میفرماید: **"لَا يَشْكُرُ اللَّهُ مَنْ لَا يَشْكُرُ النَّاسَ"**^۲

از خداوند متعال سپاسگزارم که به لطف، عنایت و مرحمت خویش مرا هدایت نمود تا موضوع هذا را، که برای اکثریت کسانی که از راه مستقیم منحرف گردیده اند، اهمیت بزرگ دارد، بنویسم.

و همچنین از دانشگاه سلام، دانشکده شرعیات بخش تفسیر و حدیث خصوصا از اعضای هیئت علمی و بوردا ماستری و مدیران بخش ماستری که با ارشادات و رهنمائی های نیک خود زمینه دسترسی به کتب تفسیر و سایر کتب را، چه از طریق کتابخانه و چه از طریق اینترنت و مکتبه شامله فراهم ساختند، از عمق قلب سپاسگزارم.

و از لطف صادقانه استاد محترم دکتور فصیح الله "عبدالباقی"، که از هیچ تلاشی در جهت مشاوره و ارزیابی تحقیقات من در طول دوره نظارت آن دریغ نداشته اند، تشکر می‌کنم.

و از همه کسانی که با من در نوشتن این تحقیق کمک کرده اند تشکر می‌نمایم و از این طریق از پدر و مادر عزیزم نیز قدردانی می‌کنم که حتی برای یک لحظه هم از کمک با من دریغ نکردند، از تمام زحمات شان که در راستای آموزش و پرورش من متحمل شده اند، تشکر می‌کنم. و سپاسگزاری ویژه دارم.

از همسر عزیزم که شب و روز در نوشتن این تحقیق در کنارم بود و همراهی ام کرد، بخاطر معاونت و همه حمایت هایش واقعا اظهار امتنان می‌نمایم.

در پایان می‌خواهم از برادر فرهیخته و گرامی ام توحید ابرار که در حل مشکلاتی که در بررسی این تحقیق موجود بود کمک نموده، سپاس و تشکر کنم.

^۱: سوره ابراهیم آیه ۷

^۲: الترمذی - محمد بن عیسی بن سوّرة بن موسی بن الضحاک، سنن الترمذی، أبو عیسی (المتوفی: ۲۷۹هـ) المحقق: بشار عواد معروف - الناشر: دار الغرب الإسلامی - بیروت - سنة النشر: ۱۹۹۸ م الجامع الکبیر - سنن الترمذی شماره حدیث (۱۹۵۴) ترمذی می‌گوید: [این حدیث حسن صحیح است].

باز هم به تکرار یاد آور می شوم که من از همهء شما خوبان سپاسگزارم بابت تمام همکاری های معنوی که در این تحقیق با من داشته اید، سهم هر کدام شما در این کار علمی برای من پر ارزش و ستودنی است.

خلاصه بحث

عنوان تحقیق هذا شیطان اهداف و نقشه هایش در روشنی قرآن می باشد که دارای اهمیت قابل توجه است زیرا انسان همواره در مقابله و مبارزه به انواع شیطان که در پی گمراه سازی وی آستین بر زده اند می باشد.

این پژوهش متشکل از پنج فصل و چندین مبحث و مطلب بوده که هر کدام موارد خاصی را در ارتباط شیطان از دیدگاه قرآن بحث می کند.

تعریف لفظ شیطان و نظائر آن و شیطان در سیاق قرآنی و در مورد اصناف، صفات و جوهر شیطان نیز بصورت تفصیلی پرداخته شده است .

روی موضوعاتی چون: اساسات دشمنی ابلیس و اتباعش و شدت دشمنی آنها ، و اینکه چگونه ولایت شیطان و عبادت او حاصل می شود، و هم چنان در مورد اینکه کی ها دوستان و اولیاء شیطان اند، بحث صورت گرفته است.

در باره اهدافی که شیطان در برابر انسان دارد پرداخته شده و در ارتباط تعبیر قرآنی "خطوات شیطان" به شکل دقیق از لحاظ لغوی و بلاغی مناقشه صورت گرفته بعدا به شیوه داخل شدن شیطان و یا مخاطب قرار دادن انسان و نقشه ها و دام های شیطان را که قرآن برای ما و شما بیان نموده، پرداخته شده است.

در اخیر عواقب پیروی و متابعت شیطان در دنیا و آخرت مانند سایر مباحث با استدلال بر آیات قرآنی، احادیث نبوی، برداشت مفسرین اعم از خلف و سلف با ذکر منابع و مراجع معتبر و معتمد بحث و کاوش صورت گرفته است، بصورت مختصر می توان گفت که شیطان به عنوان دشمن دیرین انسان هر لحظه در کمینگاه نشسته تا انسان را از راه رحمن منحرف و در دنیا و آخرت به منجلاب ذلت فرو برد از اینرو شناخت دسیسه های شیطان و ودرمقابل عمل به رهنمود های الهی و نبوی به مثابه ریسمان نجات از فلاکت و گمراهی می باشد که ما بصورت مفصل به آن پرداخته ایم .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۳	طرح مسئله :
۳	اهمیت موضوع :
۴	اسباب اختیار موضوع:
۴	سوالهای اصلی تحقیق :
۵	اهداف تحقیق :
۵	پیشینه ای تحقیق:
۷	روش تحقیق:
۸	مشکلات تحقیق(محدودیت های تحقیق):
۸	پلان تحقیق :
۱۲	فصل اول: معرفی شیطان و الفاظ مترادف آن
۱۳	مبحث اول: شیطان.....
۱۳	مطلب اول : تعریف لفظ شیطان
۱۳	۱: جذر اول (شَطَنَ):
۱۴	۲: جذر دوم (شَيْطَ):
۱۴	ب: تعریف لفظ شیطان از دیدگاه شرع :
۱۵	مطلب دوم: تعریف کلمات مترادف شیطان:
۱۵	اول : ابلیس :
۱۸	مبحث دوم.....
۱۸	لفظ شیطان و نظائر آن در سیاق قرآنی.....
۱۸	مطلب اول :لفظ شیطان :
۲۰	انواع و صفات شیطان
۲۰	مطلب اول:انواع شیطان
۲۷	مطلب دوم :صفات شیاطین.....
۲۹	ب : صفات عرضی/معنوی
۳۷	دشمنی و دوستی شیطان
۳۷	مبحث اول
۳۷	دشمنی شیطان با انسان.....
۴۴	مبحث دوم.....
۴۴	دوستان شیطان
۶۰	اهداف شیطان.....
۶۰	مبحث اول
۶۰	تهدید های ظاهری
۶۱	مطلب اول : کفر و ناسپاسی.....
۶۱	مطلب دوم : براندازی (نابودی).....

۶۱	مطلب سوم : ترویج فحشا و منکرات
۶۳	مبحث دوم
۶۳	ابعاد تهدید پنهان شیطان
۶۳	مطلب اول : مؤلفه‌های تهدید شیطان در ابعاد نظری و عملی
۶۳	الف: هواپرستی
۶۴	ب: گشائیدن مردم به کفر
۶۶	ج: منحرف ساختن از راه الله
۶۹	د: دورساختن از بهشت
۷۳	ه: سخن بالای الله بدون علم
۷۵	و: استقسام بالازلام (تنجیم)
۷۶	ز: باز داشتن از ذکر الله
۷۷	ح: قتل ناحق
۷۹	ط: گریز از میدان جنگ
۸۱	ی: حرام خوری
۸۴	ک: تبذیر و اسراف
۹۱	مبحث سوم
۹۱	متلاشی کردن جامعه
۹۱	الف : حيله و مکر و انداختن دشمنی بین مردم
۹۳	ب : شراب نوشی
۹۶	ج : قمار بازی
۹۶	د : کشف عورت
۹۸	ه : زنا و جرایم اخلاقی
۱۰۱	و : استهزاء مومنین
۱۰۴	خطوات (نقشه‌ها) شیطان
۱۰۵	مبحث اول
۱۰۵	ابزارهای شیطان و راه‌های نفوذ او به نفس
۱۰۵	مطلب اول: ابزارهای شیطان در اغوا انسان
۱۰۵	اول : وسوسه
۱۰۶	دوم: خطاب صریح
۱۰۷	مطلب دوم : راه‌های نفوذ شیطان در نفس
۱۱۱	مبحث دوم
۱۱۱	روش‌های شیطان
۱۱۱	مطلب اول: تزئین و تسویل (آسان‌سازی) باطل

۱۱۶	مطلب دوم: فراموش گرانیدن ذکر الله
۱۱۶	مطلب سوم: آرزو و طول امید
۱۱۸	مطلب چهارم: ترسانیدن از فقر و مرگ
۱۲۰	مطلب پنجم: نزغ و مس
۱۲۵	مس و خطوات
۱۲۷	فصل پنجم
۱۲۷	پیامدهای پیروی شیطان و وسایل مبارزه با آن
۱۲۷	مبحث اول
۱۲۷	پیامدهای پیروی شیطان
۱۲۷	مطلب اول : پیامدهای شیطان و پیروان آن در دنیا
۱۳۲	مطلب دوم : خسارات اخروی
۱۳۶	مبحث دوم
۱۳۶	وسایل مبارزه با شیطان
۱۳۶	مطلب اول : وسایل وقایوی از دام های شیطان
۱۴۴	مطلب دوم : وسایل مبارزه با شیطان
۱۵۱	پیشنهادات باحث
۱۵۲	فهرست آیات قرآنی
۱۶۵	فهرست احادیث نبوی
۱۶۶	فهرست اعلام
۱۶۷	فهرست مصادر و مراجع
۱۷۷	The Summary

مقدمه

الحمد لله الذي شرفنا بالإسلام نور دربنا بالإيمان أيدنا بالقرآن هدانا إلى صراطه المستقيم أعزنا باتباع منهجه القويم أظهر لنا طريق الحق بينه حذرنا من خطوات الشيطان وطرقه و لم يترك صراط الإيمان لكل مدع يلجه دونما امتحان، فأرسل الشياطين مزينين، مسولين، ليميز الخبيثاء من الطيبين والصلاة والسلام على خير ولد آدم، النبي العربي الأُمى الأمين، خاتم الأنبياء والمرسلين، محمد بن عبد الله، الذي أمضى عمره في سبيل إعلاء الحق والتحذير من الباطل، حول الله السماء لمقدمه رجوماً لألد أعدائه، شياطين الجن المسترقين السمع، بل هدى على يديه نفرأ منهم إلى الحق ليكونوا إلى قومهم منذرين. أما بعد :

متأسفانه قرآن در بين مردم در قضاوت در باره مسائل و مسير آنها، ناپديد شده است. برای مردم سردرگمی پیدا شده و چشم انداز و برنامه مشخص وجود ندارد. مردم دشمن خود را نا شناخته اعم از شياطين جنی و انسی متابعت می کنند و آنها را در اهدافی که دارند به مقصد می رسانند. شيطان و نقشه های او را نادیده می گیرند، اهداف و نقشه های او را نمی شناسند که ان شاء الله در لابلاي اين بحث تشریح خواهد شد.

ابليس همانا در تاریکی جهل است که توانایی دزدی عقیده و به یغما بردن ایمان بنده های مومن را دارد و اگر صبح تابناک دانش و علم بتابد ابليس را از رسوایی گریزی نیست.

پس بر آن شدم که مردم را از حيله های ابليس بر حذر دارم و کمینگاه هایش را نشان دهم زیرا در شناسانیدن شر اعلام خطری است جهت خودداری از افتادن در آن. توفیق خداوند موضوع هذا را تحت عنوان (شيطان اهداف و نقشه هایش - در روشنی قران) به روش تفسیر موضوعی انتخاب نمودم امید وارم میوه های معنوی را از خلال این بحث به شما تقدیم دارم که ارزش تناول را داشته باشد و امید می برم استفاده اش برای شما مفید تمام شود .

در این پژوهش به شکل عموم قران مجید را برای پرداختن به این موضوع انتخاب کرده ام، زیرا قرآن کریم به عنوان وحی الهی در مورد ابليس به شکل اساسی بحث

نموده است چنانچه می بینیم واژه های مانند (شیطان، شیاطین، ابلیس، طاغوت) نزدیک به صد و هشت بار، درین کتاب عظیم ذکر گردیده است.

برعلاوه آیات بسیاری که به این کلمات با ضمائر واضح و یا مضمرا اشاره می کند که درباره محتوای این کلمات صحبت می شود نیز موجود است. توضیح این کلمات در آینده در متن رساله خواهد آمد.

از خداوند متعال التجا دارم تا در انتخابم به طریق مستقیم هدایت کند و کمک کند تا یک تصویر رضایت بخش این موضوع را در روشنی پایات قرآنی فراهم کنم تا باشد که مردم راه راست را که خداوند هدایت نموده پیدا کنند.

طرح مسئله :

موضوع این تحقیق (شیطان - اهداف و نقشه های او در قرآن) می باشد انتخاب تحقیق هذا با شواهد همراه بوده که بیانگر واقعیت های پنهان می باشد، که متاسفانه قرآن وسیله برای قضاوت در باره مسائل در بین مردم مورد استفاده قرار نمی گیرد. برای مردم سردرگمی پیدا شده و چشم انداز و برنامه مشخص وجود ندارد. مردم دشمن خود را نا شناخته اعم از شیاطن جنی و انسی متابعت می کنند و آنها را در اهدافی که دارند به مقصد شان می رسانند. شیطان و نقشه های او را نادیده می گیرند، اهداف و نقشه های او را نمی شناسند. دام ها و راه های نفوذ شیطان را آگاه نیستند و هم چنان وسایل مبارزه با شیطان را نیز نمی دانند بناء این تحقیق بالای موضوعات متذکره که ان شاء الله در لابلای این بحث تشریح خواهد شد. محور اصلی این پژوهش شناخت شیطان و یارانش ، نقشه های آنها و راه های مبارزه و طرق وقایه از خطر های این دشمن بشریت ، می باشد.

اهمیت موضوع :

۱. شیطان دشمن انسان است و تمامی مشکلات جامعه از پیروی دستورات شیطانی نشأت نموده است بناء شناخت شیطان ، اهداف و نقشه های او برای جامعه اسلامی و انسانی خیلی ضروری می باشد .
۲. : بیان معنی واقعی کلمه "شیطان" که امروزه بسیاری از افراد شیطان را با (جن) در مفهوم اشتباه می گیرند که این شناخت غلط، سبب شده است بخش بزرگ از تشخیص و شناسایی شیاطین و اجتناب از شرارت هایشان ملغی قرار گیرد.
۳. ظهور شیطان پرستان در کشور های اسلامی تحت اصطلاح Satanists (عبادت کننده گان شیطان)، و در اینجا ما با بیان اینکه عبادت کننده گان شیطان تنها این گروه های کوچک نیستند که تصور کرده می شود، بلکه بسیاری از کسانی که با آنها مبارزه می کنند در این عبادت حضور دارند اما خبر نیستند .

اسباب اختیار موضوع:

۱: موجودیت این موضوع به شکل گسترده و واضح در قرآن کریم که بسیاری از آیات حاوی کلمات (شیطان، شیاطین، ایلیس، طاغوت، جن) است. من می خواستم موضوع را از طریق این آیات قرآنی برجسته کنم.

۲: تمایل به بیان اساسی این موضوع از نقطه نظر قرآنی، تا جای که من اطلاع دارم به شکل اساسی و تأصیلی روی این موضوع کار صورت نگرفته است، و در عصر کنونی که اتباع شیطان زیاد شده است ما اهمیت این موضوع را به خوبی درک می نماییم، به ویژه اینکه مکرها و دام های شیطانی در برابر مسلمانان افزایش یافته است نیاز است درین ارتباط کارهای تحقیقاتی بیشتری صورت بگیرد.

۳: گسترش خطر شیاطین، ستمگران در جهان امروز و حکومت آنها بالای اهل اسلام که به دنبال قدم های شیاطین و اهدافشان بدون آگاهی روان هستند.

۴: بعضی از مردم تاثیرات شیطان های بشری را دست کم گرفته اند و اعتقاد بر این است که اکثریت فتنه انگیزی ها، گراهی ها و تباه سازی از سوی شیاطین جنی خواهد بود.

خطرات شیاطین انسی به مراتب بیشتر و مخرب تر از شیاطین جنی می باشد و این باعث شد که من در مورد خطرناک بودن شیاطین بشری بحث نمایم.

۵: ناتوانی برخی افراد در مقابل شیطان، اینکه هر خطا و گناه را به دوش شیاطین انداخته و بدین طریق گناهان و اشتباهات روزمره خود را توجیه می کنند، تمام این نکات موجب شد تا من دیدگاه قرآن را در این زمینه بیان نمایم، زیرا شیطان در مقابل مؤمن قوی، ضعیف است.

سوالات اصلی تحقیق :

۱. تهدید پنهان شیطان در کدام ابعاد و با چه مؤلفه هایی صورت می پذیرد؟
۲. ابزار تهدید و راه های نفوذی شیطان در انسان کدامند؟
۳. روش ها و اهداف شیطان در اعمال مقاصد اش چیست؟
۴. قرآن مجید چه راهکارهایی برای مقابله با این تهدید پیش روی انسان قرار می دهد؟

به منظور دریافت پاسخ به تمامی سوالات فوق تحقیق روی موضوع کنونی را به شیوه تفسیر موضوعی اختیار نمودیم تا به این پرسش ها جواب قرآنی داشته باشیم .

اهداف تحقیق :

۱. آشکار سازی وسایلی که توسط شیاطین جهت گمراهی انسانها ، استفاده می شود و همچنین هویدا ساختن شیوه هایی که شیاطین آن را جهت منحرف سازی انسانها بکار می برند.
۲. ابراز اسلحه خدایی و راهکارهای که خداوند متعال در کتاب خود برای مبارزه با شیاطین به ما فروگذاشت کرده است تا به وسیله آن با شیاطین مبارزه نموده و از پیروی آنها اجتناب ورزیم .
۳. معرفی دشمن حقیقی انسان، همراه با بیان شدت و میزان دشمنی شیطان با انسان ها.
۴. برجسته ساختن اهداف خطرناک شیطان که جهت ترویج آن میان انسان ها تلاش می ورزد، و هشدار قوی از برحذر بودن در برابر این اهداف، که در واقع کلید بدی و شرارت برای فرد و جامعه به طور یکسان محسوب می شود.
۵. معرفی پیامد ها و عواقب پیروی شیطان و وسایل مبارزه و تدابیر وقایوی برای جلوگیری از افادن در دام شیطان .

پیشینه ای تحقیق:

برای یک محقق لازم است تا از تحقیقات که در مورد موضوع انتخاب شده اش انجام یافته آگاهی حاصل کند که آیا قبلا هم درین باره چیزی نوشته شده یا نه و هم چنان آیا کدام موضوع که درین باره مشابهت داشته باشد نوشته شده یانه باید در مورد آن جستجو کند. من هم به اندازه توان خود تمام کتابخانه های کابل را جستجو نمودم ولی به همین عنوان کدام تحقیق نیافتم اما بعضی از پایان نامه های را به لسان عربی مشابه به عنوان تحقیقی ام از طریق اینترنت پیدا نمودم که ذیلا ارائه می گردد .

۱. محاوره ایلیس مع الله فی القرآن: از جمیلة محمد الجوهر - دانشگاه الکویت ،که بخاطر بدست آوردن درجه ماستری به رشته تحریر درآورده بود از طریق ایمیل کوشش نمودم تا یک کاپی اش را بدست اورم اما موفق نشدم .

۲. مسالك الشيطان إلى بنى الإنسان فى ضوء القرآن- رساله ماسترى حورية دغيم
بركات الديحاني- دانشگاه الكويت . تاريخ مناقشه ۱۹۹۹ م

۳. الإنسان والشيطان فى القرآن الكريم - از منير أحمد قاضى - دانشگاه القاهرة
دانشکده ادبيات - بخش اللغة العربية وآدابها - تاريخ المناقشة : ۱۹۷۱ م -
رساله ماسترى

با نگاه گذرا به عنوان اين تحقيق در ابتداء چنين به نظر مى رسد که اين
تحقيقات شبيه به تحقيق من نوشته شده، اما نگاه دقيق تر به آن نشان مى دهد که
اين تحقيق از دانشکده ادبيات، بخش عربى، که غالباً دور از پژوهش تخصصى
خصوصاً بخش تفسير موضوعى است.

۴. عداوة الشيطان للإنسان وعلاجها فى ضوء القرآن الكريم - از -عبد المنعم بن
حواس بن محمد الحواس - دانشگاه الإمام محمد بن سعود الإسلامية .
دانشکده أصول الدين- بخش - علوم قرانى - رساله ماسترى - تاريخ مناقشه -
۱۴۱۴هـ

با نگاهی به اين چهار رسائل، اگرچه در عناوين مشابه هم مى باشند، اما وجود بعضى
از آنها باعث نادیده گرفتن نوشتن در ابعاد ديگرى در ارتباط اين موضوع نمى شود
زيرا به دشوارى چنين موضوع تحقيقاتى را مى توان يافت که از تمام جوانب به آن
پرداخته باشد. چون اکثر تحقيقات در اين بخش، صرف یک جنبه را تحقيق نموده بود و
جنبه ديگر از تحقيق بازمانده است.

هم چنان قابل ياد آورى ميدانم که يکى از محصلين مقطع ماسترى پوهنتون سلام یک
موضوع مشابه با موضوع انتخابى من به عنوان - جن و شيطان در قران - نوشته
است که از فهرست بحث او اطلاع پيدا کردم متوجه شدم فقط ۲۰ درصد مشابهت با
پژوهش من داشت که فقط یک فصل رسالهء من را شامل مى شود و از اينکه یک
بخش مختصر موضوع را مد نظر گرفته بود و کافى به نظر نمى رسيد بناء در تحقيق
هذا به شکل دقيق تر و عميق تر به موضوع پرداخته شده است .

روش تحقیق:

۱. جمع آوری آیات قرآنی که در آن کلمهء شیطان و کلمات مترادف آن بکار برده شده است.
۲. جمع نمودن تمام آیه های مشابه که در مورد موضوع خاص بحث میکنند و تعیین عناوین به هر موضوع .
۳. معانی لفظ شیطان و کلمات مترادف آن را از کتابهای قاموس بیرون ساختم و با پیوند دادن میان کلمات مشابه، این الفاظ را با موضوع تحقیق قرآنی ربط داده ام .
۴. استفاده به قدر توان از کتب تفسیر قدیم و جدید
۵. بیان ابعاد معاصر آیه ها، مراجع آن و اشاره به نیازها و مسائل مربوط به عصر حاضر
۶. بیان وجه استدلال، لطایف، دلالات و تعبیر آیات و خلاصه نمودن آنها
۷. من مطالعات و تحقیقات قرآنی را که مربوط به موضوع شیطان و گام ها و اهداف او ارتباط داشته ، مطالعه نموده ام.
۸. جهت غنی سازی این بحث به نشرات معاصر و روزمره اطلاع یافتم و فشرده بحث را به وضعیت وخیم امروزی که امت اسلام بسر می برند ربط دادم.
۹. آیات قرآنی که در بحث استفاده شده، با مشخص نمودن شماره آیات و نام سوره ها مستند ساخته ام.
۱۰. احادیث وارده را تخریج و حکم متخصصین حدیث را ذکر نموده ام .
۱۱. در ترجمه آیات از تفسیر نور تالیف مصطفی خرم دل استفاده شده است.
۱۲. سوانح علما را و همچنان اماکن ناآشنا را به معرفی گرفتم . از مراجع علمی معتبر معلومات ایشان اخذ گردیده است .
۱۳. در پایان بحث فهرست عمومی آیات، احادیث، موضوعات و مراجع را طبق اصول ، درج نمودم.

برای دستیابی به اهداف و دلایلی که در انتخاب این موضوع مرا وادار نموده بود، و بر اساس روش پیشین من تحقیق خود را به یک مقدمه، پنج فصل، و نتیجه گیری تقسیم نموده ام .

مشکلات تحقیق (محدودیت های تحقیق):

۱. نبود تالیف مشخص در مورد شیطان و اهداف او به گونه ای که نیاز به جستجو و تحقیق از منابع متعدد را اقتضاء می نمود.

۲. مشکل در ترجمه متون عربی – کتب تفسیر قدیمی متون بلاغی قوی دارند

۳. محدودیت زمان – مصروفیت در وظایف رسمی و محدود بودن وقت طبق طرز العمل وزارت تحصیلات عالی برای تهیه تیز ماستری در معیاد شش ماه

پلان تحقیق :

فصل اول

معرفی شیطان و الفاظ مرادف آن

به ۳ مبحث تقسیم گردیده :

بحث اول : تعریف لفظ شیطان و نظائر آن

که بحث اول به دو مطلب تقسیم شده :

مطلب اول : لفظ شیطان

مطلب دوم : نظائر لفظ شیطان

بحث دوم : لفظ شیطان و نظائر آن در سیاق قرآنی

مطلب اول : لفظ شیطان در سیاق قرآنی

مطلب دوم : لفظ طاغوت در سیاق قرآنی

مطلب سوم : لفظ ابلیس در سیاق قرآنی

بحث سوم : اقسام شیطان و صفات آنها

به دو مطلب تقسیم شده :

مطلب اول : اصناف شیطان

مطلب دوم : صفات شیطان

فصل دوم

دشمنی و دوستی شیطان

این فصل دو مبحث دارد :

مبحث اول : دشمنی بین انسان و شیطان

سه مطلب دارد :

مطلب اول : اساس عداوت شیطان

مطلب دوم : دشمنی شیطان و ذریه او با انسان

مطلب سوم : دشمنی خاص شیطان با پیامبران

مبحث دوم : دوستان شیطان :

سه مطلب دارد :

مطلب اول : ولایت شیطان

مطلب دوم : اتباع شیطان در دنیا و آخرت

مطلب سوم : صفات دوستان شیطان

فصل سوم

اهداف شیطان

مبحث اول : تهدید های ظاهری

مطلب اول : کفر و ناسپاسی

مطلب دوم : براندازی

مطلب سوم : ترویج فحشاء

مبحث دوم : ابعاد تهدید پنهان شیطان

مطلب اول اول : موعلفه های تهدید شیطان در ابعاد نظری و عملی

الف : هوا پرستی

ب: کشانیدن مردم به کفر

ج : منحرف ساختن از راه الله

د: دور ساختن از بهشت

ه: سخن بالای الله بدون علم

و: استسقام بالازلام

ز: بازداشتن از ذکر الله

ح: قتل ناحق

ط: گریز از میدان جنگ

ی: حرام خوری

ک: تبذیر و اسراف

مبحث سوم

متلاشی کردن جامعه

الف:

ب: شراب نوشی

ج: قمار بازی

د: کشف عورات

ه: زناء و جرایم اخلاقی

و: استهزاء مومنین

فصل چهارم

خطوات (نقشه ها) شیطان

و به سه مبحث تقسیم می‌گردد:

مبحث اول: مفهوم خطوات

مبحث دوم: ابزار شیطان و ورودی‌هایش به نفس

و به دو مطلب تقسیم می‌گردد:

مطلب اول: ابزار شیطان در خطاب انسان

مطلب دوم: ورودی‌های شیطان به نفس

مبحث سوم: خطورات منهجی شیطان

و به سه مطلب تقسیم می‌گردد:

مطلب اول: تزیین و تسویل عمل

مطلب دوم: فراموشاندن

مطلب سوم: تمنی و املاء

مطلب چهارم: ترسانیدن از فقر و مرگ

مطلب پنجم: نزع و لمس

مطلب سوم : متلاشی کردن جامعه .

فصل پنجم

پیامدهای پیروی شیطان و وسایل مبارزه با آن

به دو مبحث تقسیم می شود

مبحث اول : پیامدهای پیروی شیطان

مطلب اول : پیامدهای پیروی شیطان در دنیا

مطلب دوم : پیامدهای پیروی شیطان در آخرت

مبحث دوم : وسایل مبارزه با شیطان

مطلب اول : وسایل جلوگیری از گام های شیطان و اهداف آن

مطلب دوم : وسایل مبارزه با شیطان و دوستی آن

فصل اول: معرفی شیطان و الفاظ مرادف آن

به ۳ مبحث تقسیم گردیده:

بحث اول : تحقیق لفظ شیطان و نظائر آن

که بحث اول به دو مطلب تقسیم شده:

مطلب اول : تحقیق لفظ شیطان

مطلب دوم : تحقیق مرادف لفظ شیطان

بحث دوم : لفظ شیطان و مرادف آن در سیاق قرآنی

بحث سوم : اقسام شیطان و صفات آنها

به دو مطلب تقسیم شده:

مطلب اول : اصناف شیطان

مطلب دوم : صفات شیطان

معرفی شیطان و الفاظ مرادف آن

مبحث اول: شیطان

تعریف لفظ شیطان و کلمات مرادف آن

مطلب اول : تعریف لفظ شیطان

الف : تعریف لغوی : در باره اشتقاق اصل کلمه شیطان علمای لغت دو نظر دارند :

اول: از شَطَنَ اشتقاق شده

دوم : از جذر شَيَّطَ گرفته شده

۱: جذر اول (شَطَنَ) :

واژه شیطان را از مصدر (شَطَنَ) به معنای دور شدن است و شَطَنُ، ریسمان طویل است و نیز به اسبی که از صاحبش نافرمانی میکند اطلاق میشود، بر این وجه که گویی در طول یک ریسمان در حرکت است. غزوه شَطُون یعنی کارزار طولانی (نوی شَطُون) و (نیه شَطُون) به معنای آرزوهای طولانی و دراز است و شَطْنَت الدار یعنی خانه دور است. بُئِر شَطُون یعنی چاه عمیق، از همین رو به ریسمان شَطَن گفته اند. وجه تسمیه شیطان از این باب دوری از حق و سرکشی است. شیطان هم بر وزن فِعال از همین معناست و وجه تسمیه اش دوری از حق و سرکشی است، از همین رو هر متمریدی از جن و انس شیطان نامیده میشود.^۱

^۱ به معاجم ذیل مراجعه شود :

* فراهیدی، خلیل بن احمد، معجم العین، مکان نشر: دار الکتب العلمیة، بیروت لبنان، سال نشر: ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۳ م. تحقیق: عبدالحمید هندابی، جلد ۴ صفحه ۴۷۹

* ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، ابوالحسین، مجمل اللغة، چاپ دوم، مکان نشر: بیروت موسسه الرساله، سال نشر: ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، تحقیق: زهیر عبد المحسن سلطان. جلد ۲ - صفحه ۵۰۲

* الطالقانی، اسماعیل بن عباد بن العباس، أبو القاسم الطالقانی، المحيط فی اللغة، چاپ اول، مکان نشر: عالم الکتاب، سال نشر: ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۴ م. تحقیق: محمد حسن آل یاسین. جلد ۷ - صفحه ۳۰۴

* ابن منظور، محمد بن مکرّم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاری، لسان العرب، چاپ سوم، مکان نشر: دار صادر - بیروت، سال نشر: ۱۴۱۴ هـ. جلد ۱۳ - صفحه ۲۳۷

* الرازی، زین الدین أبو عبد الله محمد بن أبی بکر بن عبد القادر الحنفی الرازی، مختار الصحاح، چاپ پنجم، مکان نشر: المكتبة العصرية - الدار النموذجية، بیروت - صیدا، سال نشر: ۱۴۲۰ هـ / ۱۹۹۹ م، تحقیق: یوسف الشیخ محمد. صفحه ۳۳۸

* الأصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد المعروف بالراغب الأصفهانی، المفردات فی غریب القرآن. چاپ اول، مکان نشر: دار القلم، الدار الشامیة - دمشق بیروت، سال نشر: ۱۴۱۲ هـ تحقیق: صفوان عدنان الداودی. صفحه ۲۶۱

* الفیومی، أحمد بن محمد بن علی الفیومی، المصباح المنیر، چاپ سوم، مکان نشر: المكتبة العلمية - بیروت، سال نشر: ۱۹۲۳. صفحه ۱۴۲

۲: جذر دوم (شَيْط):

در مفردات آمده است: مصدر شيطان از شاط يشيط است، به معنی خشم و سوخت و آیه (وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ)^۱ بر این معنی صدق می کند و در حدیث از زید بن حارثة آمده است که آنه قاتل برایة رسول الله صلی الله علیه وسلم حتی شاط فی رماح القوم^۲، کلمه شاط به معنی هلاکت می آید.^۳ پس شیطان اگر از جذر شَطْن باشد به معنی دور و اگر از جذر شیط باشد به معنی هلاکت و بطلان می باشد.

مهم نیست از هر اشتقاقی که باشد یا از شطن یا از شیط در هر دو صورت معنی دوری از حق و خیر و یا معنی هلاکت و بطلان شر می شود که مفهوم آن در سیاق شرع دوری دایم و ابدی از حق و خیر که هلاک کننده و باطل کننده است می شود.^۴ نویسندگان این سطور از تعاریف فوق به این نظر می رسد که شیطان معنی های زیادی دارد که در عموم وجه مشترک معانی اش دوری، هلاکت و بطلان می باشد بناء معنی شیطان دوری از حق، باطل و هلاک کننده می باشد.

ب: تعریف لفظ شیطان از دیدگاه شرع:

واژه ها در هر فن معنی خاص خود را دارا می باشند که برای آن اصطلاح اطلاق می شود. کلمه شیطان هم با حفظ معنی لغوی اش و موجودیت بعضی از محدودیت ها در شرع تعریف خاص خود را دارد که ذیلا بیان می شود. مؤلفین تفسیر میسر، شیطان را چنین تعریف نموده: كل عاتٍ متمرّدٍ من الجن والإنس، یصرفنی عن طاعة ربی، وتلاوة كتابه^۵ یعنی: شیطان برای هر سرکش و متمرّد چه

^۱: سوره الرحمن آیه ۱۵

^۲: ابن الأثیر، مجد الدین أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الکریم الشیبانی الجزری ابن الأثیر (المتوفی: ۶۰۶ هـ) النهاية في غريب الحديث - جلد ۲ - صفحه ۵۱۹

^۳: سلیمان بن أحمد بن ایوب بن مطیر اللخمی الشامی، أبو القاسم الطبرانی - المعجم الكبير، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفيدار النشر: مكتبة ابن تيمية - القاهرة الطبعة: الثانية، شماره حدیث ۴۲۱ جلد ۱۳ صفحه ۱۸۱

^۴: به معاجم ذیل مراجعه شود:

* الفراهیدی، خلیل بن أحمد الفراهیدی، معجم العين، صفحه ۵۰۳.

* ابن فارس، مجمل اللغة - جلد ۲ - صفحه ۵۱۸.

* الأصبهانی، راغب الأصبهانی، المفردات، صفحه ۲۶۱.

* الفيومي، المصباح المنير، صفحه ۱۴۲.

* صاحب بن عباد، المحيط في اللغة، جلد ۷ - صفحه ۳۵۸.

^۵: الألوسی، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی. چاپ اول، مکان نشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، سال نشر: ۱۴۱۵ هـ تحقیق: علی عبد الباری عطیة. جلد ۱ - صفحه ۱۵۷

^۶: نخبة من أساتذة التفسير - التفسير الميسر، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف - السعودية -

از جن باشد و یا چه از انسان که از اطاعت الله متعال و از تلاوت کتابش مرا بازدارد، گفته می شود.

در تفسیر منیر شیطان را به قول ابن عباس رضی الله عنه چنین تعریف نموده: شیطان عبارت است از هر سرکش و متمرّد از جنس جنیّات و یا انسان می باشد و سنت الهی در مورد مخلوقات اش چنین می باشد که انسان یا جنیّات شرارت پیشه، سرکش و عصیانگر در برابر حق و معروف که از روی عناد و کبر هیچ نوع انقیاد و فرمانبری از حق و معروف (احکام الهی) ندارند.^۱

از تعاریف فوق چنین استنباط می شود که :

هر متمرّد و عصیانگر و شورشی که در برابر حق و معروف (وامر الله متعال) سرکشی نماید و از سر عناد و کبر، منقاد به حق و معروف نبوده باشد به آن شیطان می گویند .

چی این متمرّد کسی از میان انسان ها و یا از جنیّات بوده باشد.

مطلب دوم: تعریف کلمات مترادف شیطان:

اول : ابلیس :

ابلیس از «بلس» (باء، لام و سین) است و اهل لغت معتقدند «ابلیس» از «ابلاس» (باب افعال از بلس) مشتق شده است؛ و معنای آن نا امید است زیرا او از رحمت خدا ناامید شد. برخی گفته اند: نامگذاری ابلیس به دلیل ناامید شدن او از خیر بود و گفته شده است سبب نامگذاری او به ملعون بودن او بوده است.^۲ شواهدی از قبیل «مُبلیس»: مأیوس» و «أبلس...: آن شخص ناامید شد» گویای این معنی است از کلمه «ابلاس» گرفته شده است و علت نامگذاری او همان ناامیدی از رحمت حق است.^۳

الطبعة: الثانية، مزیدة ومنقحة، ۱۴۳۰هـ - ۲۰۰۹م، صفحه مقدمه آن

^۱: الحسيني، محمد رشيد بن علي رضا بن محمد شمس الدين بن محمد بهاء الدين بن منلا علي خليفة القلموني الحسيني (المتوفى: ۱۳۵۴هـ) تفسير القرآن الحكيم (تفسير المنار)، الناشر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، سنة النشر: ۱۹۹۰م، عدد الأجزاء: ۱۲ جزء، جلد ۸ صفحه ۶

^۲: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبري، جامع البيان في تأويل القرآن، جلد ۱ صفحه ۵۰۹، چاپ اول، مکان نشر: مؤسسة الرسالة، سال نشر: ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۰م تحقیق: أحمد محمد شاکر.

^۳: ابن منظور، لسان العرب، جلد ۶، صفحه: ۲۹-۳۰.

موجودی است که از سجده آدم ع ابا ورزید و مستحق لعنت خداوند شد و از جنت بیرون پرتاب شد و آتش دوزخ برایش واجب شد و برایش ابزار اغوا فراهم شده که برای هیچ یک از جهانیان داده نشده است.^۱

دوم : طاغوت :

از جذر (طَعَوَ) و (طَغَى) گرفته شده . در عربی گفته می شود : طغوت و طغیت طغیاناً و طغواناً و معنی اش از حد گذشتن و کفر ورزیدن بی حد - اطغاه المال : یعنی مال او را سرکش نموده - اصل وزن طاغوت از (طَغِیوت) بر وزن فعلوت میاید ، بعد از آن حرف یا از غین مقدم گردانیده شد که طِیغوت شد بر وزن فلعتوت ، بعد یا بخاطر حرکت داشتن و فتحه بودن ما قبل آن به الف تبدیل شد که میشه طاغوت، و طاغوت سرکرده گمراهان را میگویند ، طاغوت می تواند بت ، جن، و انسان باشد.^۲

مالک بن انس رحمة الله علیه می فرماید : " الطاغوت كل ما يعبد من دون الله " یعنی طاغوت هر موجودی غیر از الله ؛ که عبادت شود.

همچنان در قران کریم آمده است : فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى . ترجمه : کسی که به طاغوت کافر می شود و به الله متعال ایمان می آورد در واقع او به عروه و ثقی (ریسمانی که محکم است و پاره نمی شود) چنگ زده است.

کسی که عبادت بت ها را رها نموده به طاغوت کفر می ورزد و به خدا ایمان دارد، به قوی ترین پیوند پیوسته است. درین جا طاغوت به بت معنی شده است.^۳

از خلال هر آنچه گذشت ما طاغوت را در شرع چنین تعریف کرده می توانیم :

^۱ سعید حوی ، الأساس فی التفسیر ، جلد ۱ صفحه ۹۲ ، چاپ سوم ، مکان نشر : دار السلام للطباعة والنشر ، سال نشر : ۱۹۹۱ م .

^۲ ابن منظور ، لسان العرب - جلد ۱۵ - صفحه ۷-۹ .

^۳ مالک بن انس بن مالک بن انس بن الحارث بن عَیْمان بن خَثِیل بن عمرو بن الحارث الأصبیحی مشهور به مالک ابن انس (۹۳ - ۱۷۹ هـ ق) دومین امام از ائمه اهل سنت مادرش العالیة بنت شریک بن عبدالرحمان بن شریک اسدی و یکی از فضلاء عصر خود بود . وی در سال ۹۳ هجری قمری در واحه ای به نام «ذو المروة» (در شمال مدینه) که در حدود ۳۲ فرسخ (قرسَخ شرعی واحد قدیمی سنجش فاصله است که مقدار آن بر حسب کیلومتر به طور تقریبی بین پنج تا پنج و نیم کیلومتر است) از مدینه فاصله دارد، متولد شد. پیروان مالک ابن انس به مالکی مشهورند. تهذیب التهذیب جلد پنجم از صفحه ۳۲۶ الی صفحه ۳۲۹

^۴ عبد الرحمن بن أبی بکر، جلال الدین السیوطی ، الدر المنثور فی التفسیر المأثور مکان نشر : دار الفکر - بیروت، سال نشر : ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۱۱ م . ، جلد ۲ - صفحه ۲۲ ،

^۵ سوره البقره - آیه ۲۵۶

^۶ أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی ، تفسیر قرآن العظیم ، چاپ دوم ، مکان نشر : دار طيبة للنشر والتوزیع ، سال نشر : ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م ، تحقیق : سامی بن محمد سلامة . جلد ۱ ، صفحه ۳۱۲ .

همه کسانی که از الله سرکشی نموده و به عبادت غیر از او پرداخته اند، خواه به جبر و خواه به رضایت مندی، خواه انسان باشد یا جن طاغوت گفته می شود^۱.

و این در اعمال شیاطین انسی و جنی که خود را حاکم فکر می کنند و قوانین و راهنمودها اشتباه را به بشر تحمیل می کنند خوبتر ظاهر می گردد.

خداوند متعال می فرماید: { أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا }^۲.

ترجمه: آیا وضع و حال کسانی که ادعا دارند به آنچه بر تو و پیش از تو نازل شده مؤمن هستند ندانسته ای که می خواهند [در مورد اختلافشان] داوری را نزد طاغوت؛ همان حاکمان ستمکار و فضات رشوه خوار] برند؟ درحالی که فرمان یافته اند به طاغوت کافر باشند، و شیطان [با سوق دادنشان به سوی طاغوت] می خواهد آنان را به گمراهی دوری [که هرگز در آن دسترسی به هدایت ندارند] دچار کند.

به گونه مثال میشود از فرعون به عنوان نمونه یی از طغیان و طواغیت نام برد چنانچه الله متعال می فرماید: اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى وَ أَهْدِيكَ إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى فَكَذَّبَ وَ عَصَى ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعَى فَحَشَرَ فَنَادَى فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى^۳

ترجمه: به سوی فرعون برو که طغیان کرده است بگو آیا می خواهی پاک شوی. و من تو را به سوی پروردگارت هدایت کنم تا از او بترسی. موسی معجزه بزرگتر را نشان داد. ولی او تکذیب و سرپیچی کرد. و سپس برگشت تا علیه موسی تلاش کند فرعون منادی فرستاد تا همه جمع شدند. آنگاه گفت من پروردگار بزرگ شما هستم.

^۱: جمال الدین أبو الفرج عبد الرحمن بن علی بن محمد الجوزی، تلبیس ابلیس، چاپ اول، مکان نشر: دار الفکر للطباعة والنشر، بیروت، لبنان، سال نشر: ۱۴۲۱هـ/ ۲۰۰۱م، جلد ۱، صفحه ۲۳۳

^۲: سوره نساء آیه ۵۱

^۳: سوره النازعات آیات ۱۷-۲۴

مبحث دوم

لفظ شیطان و نظائر آن در سیاق قرآنی

مطلب اول: لفظ شیطان :

لفظ شیطان و اشکال صرفی مختلفی چون (شیطاناً ، شیاطین ، شیاطینهم) ۸۸ بار در قرآن آمده است که ۶۹ بار با (ال) معرفه و یا (ال) وصفی ، دو بار به لفظ (شیطاناً) نکره و ۱۷ بار بلفظ (شیاطین) معرفه به (ال) آمده است.^۱

این لفظ با تصریفاتش در ۳۶ سوره از سوره های قرآن آمده است که اگر از اول مصحف عثمانی شروع بکنیم در سوره های بقره، نساء، و اعراف در هر سوره ۸ بار و به همین ترتیب در سوره های انعام، اسراء و مریم ۵ بار در هر سوره و در سوره های حج و مجادله ۴ بار در هر سوره بعداً در در سوره های آل عمران و یوسف ۳ - ۳ بار و در سوره های المائدة ، والأنفال ، والنحل ، والنور ، والصفات ، وص والزخرف ، والشعراء ۲-۲ بار و در سوره های ابراهیم ، والحجر ، والكهف ، وطه ، والفرقان ، والنمل ، والقصاص ، والعنکبوت ، ولقمان ، وفاطر ، ویس ، وفصالت ، ومحمد ، والحشر ، والتکویر ، والأنبیاء ، والمؤمنون ، والملک ۱ بار در هر سوره.^۲

مطلب دوم : لفظ طاغوت در سیاق قرآنی :

لفظ طاغوت تنها به یک شکل آمده : آنهم به صیغه مفرد ۸ بار در قرآن آمده است.

در سوره های مکی ۲ بار و باقی همه در سوره های مدنی آمده است .

در سوره های که این لفظ آمده ۵ سوره است . در سوره نساء اکثراً که ۳ بار آمده و بعد در سوره بقره ۲ بار بعد در سوره مائده و النحل و الزمر یک یک بار آمده است.^۳

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّحَكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا^۴

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا^۱

^۱ : محمد فواد عبد الباقي، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم ، چاپ اول ، مکان نشر : دارالکتب المصریة، سال نشر : ۱۳۶۴ هـ . ، ص ۳۸۲ الی ۳۸۳

^۲ - المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم ، ص ۳۸۲ الی ۳۸۳

^۳ : مرجع سابق - ص ۵۴۱

^۴ : سوره النساء ، آیه ۶۰ .

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَن هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَن حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ^٢
وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى فَبَشِّرْ عِبَادِ^٣

مطلب سوم: لفظ ابليس در سياق قرانی :

لفظ ابليس به یک شکل در کتاب الله آمده آنها ۱۱ مرتبه به لفظ صریح و یک مرتبه به صفت اش (سفاهت) که اهل تاویل به معنی آن اجماع دارند .^٤
این لفظ بیشتر در سوره های مکی آمده که مجموعاً ۱۱ بار می شود و تنها یکبار در سوره مدنی آمده است .

تعداد سوره های که این لفظ بکار رفته ۱۰ اند که عبارت اند از :
سورة الحجر ، و سورة ص که دوبار لفظ ابليس آمده است، بعد سورة البقرة ، والأعراف ، والإسراء ، والكهف ، وطه ، والشعراء ، وسبأ ، والجن یک یک بار در هر سورة آمده است .

^١: سورة النساء ، آية ٧٦ .

^٢: سورة النحل، آية ٣٦ .

^٣: سورة الزمر ، آية ١٧ .

^٤: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، جامع البيان في تأويل القرآن، جلد ٢٩ صفحه ١٠٧، چاپ اول، مكان نشر: مؤسسة الرسالة، سال نشر: ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م تحقيق: أحمد محمد شاكر- و ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، جلد ٤، صفحه ٤٢٩ .

مبحث سوم انواع و صفات شیطان

مطلب اول: انواع شیطان

طوری که گذشت به ما معلوم شد که شیطان منحصر به یک جنس خاص نمیشود بلکه میتواند از جنیات باشد و یا از انسان و به همین شکل آیه های قرآنی در این ارتباط وارد شده است خداوند متعال میفرماید:

{ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرُهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ }^۱

ترجمه: و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم بعضی از آنها به بعضی برای فریب [یکدیگر] سخنان آراسته القا می کنند و اگر پروردگار تو می خواست چنین نمیکردند پس آنان را با آنچه به دروغ می سازند و اگذار

قتاده میگوید که شیطان، هم از جنس جن و هم از جنس انسان بوده و بایکدیگرشان در ارتباط میباشند.

همچنان میگوید یک روز ابوذر رضی الله عنه نماز میخواند که رسول الله (صلی الله علیه سلم) برایش گفت: (تعوذ یا أباذر من شياطين الإنس والجن) ابوذر گفت: ایا از انسان ها هم شیطان است؟ رسول الله (صلی الله علیه سلم) گفت بلی.^۲

چون مقصد ما در اثبات انواع شیطان نظریه قرآنی میباشد بنا ما تنها به آیات قرآنی اکتفا میکنیم طوری که در آیات اخیر سوره الناس انواع شیطان که انسی و جنی است بدون اختلاف ثابت است: { مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ * مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ }^۳

ترجمه: از شر وسوسه گر نهانی-آن کس که در سینه های مردم وسوسه می کند-چه از جن و [چه از] انس.

^۱: سوره الانعام-آیه ۱۱۲

^۲: سنن النسائی - کتاب الاستعاذه - باب: الاستعاذه من شر شياطين لانس - حدیث نمبر ۵۵۰۹ البانی می گوید

سند این حدیث ضعیف است - صحیح وضعیف سنن النسائی ، جلد ۱۲ صفحه ۷

^۳: سوره الناس - آیات ۴-۸

در این آیات و سواص هم از جانب انسان و هم از جانب شیطان ثابت است.
همچنان اکثر مفسرین قول راجح شان بر ثابت بودن شیطان انسی و جنی میباشد قسمیکه در صفحات قبلی ذکر کردیم طبری و ابن کثیر و عطیه در تقاسیر خود عین مطلب را بیان داشته اند و برای ما اقوال همین علما دلیل میباشد.

ایشیطان مارد

المارد از (مَرَدَ) گرفته شده که معنی آن (سرکش)، و تمرّد (اطاعت نکردن): ابن اعرابی^۱ میگوید: المرد: به معنی کبر و گناه که از حد گذشته باشد و المرید: به معنی خبیث، سرکش و شریر آمده است.^۲

و از این معنی ها تجاوز و سرکشی شیطان ها را در معصیت ثابت می شود. اینکه شیطان همراهی سایر شیاطین در اصل کفر خود با خداوند و سرکشی از او امر یکسان اند و اما زیادت در سرکشی و گناه مستحق **سرکرده** شیاطین ابلیس علیه اللعنة میباشد قسمیکه خداوند متعال میفرماید: { إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا }^۳

ترجمه: [مشرکان] به جای او جز بتهای مادینه را [به دعا] نمی خوانند و جز شیطان سرکش را نمی خوانند .

از اینکه شیطان را به صفت مرید که معنی از آن تجاوز در گناه از حد زیاد میباشد متصف نمودیم در حالیکه معنی خود شیطان هم سرکش میباشد، چی فایده دارد؟

جواب آن اینست که: تمرّد درجه متقدم بر شیطان است چون شیطان به معنی دوری از حق رامیگوید اما مرید در حالیکه از حق دور بوده و دوری کامل را نشان میدهد طوریکه رازی میگوید: مرید مبالغه کامل در گناه همراهی دوری کامل از طاعت میباشد و برایش گفته میشود: مارد و مرید^۴.

زجاج میگوید: که ممرّد به معنی مملس می آید و عرب برای درخت که برگ نداشته باشد (مرداء) و کسیکه کوسه باشد به امرّد میگوید پس کسیکه شدیداً از طاعت دور باشد

^۱: محمد بن زیاد معروف به ابن الأعرابی أبو عبد الله، علامة بود در علم اللغه، از کوفه، سال وفات ۲۳۱ هـ. - از کتاب: الأعلام - للزركلي - جلد ۶ - صفحه ۱۳۱ .

^۲: ابن منظور، لسان العرب، جلد ۳ - صفحه ۴۰۰ .

^۳: سورة النساء - آیه ۱۱۷

^۴: أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي، مفاتيح الغيب = التفسير الكبير، چاپ سوم، مکان نشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، سال نشر: ۱۴۲۰ هـ. ، جلد ۶ صفحه ۳۶

برای او مرید و مارد میگویند بخاطریکه از طاعت خداوند محروم است و ذره ای از طاعت در وجودش دیده نمیشود و کسیکه سرکش از حق و خیر باشد او متجرد بر شر و ضرر میباشد.^۱

ابن عطیه در تفسیر قول الله متعال: { وَحَفْظاً مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ }^۲ ترجمه: و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم. میگوید که معنی مارد متجرد میباشد و برای درخت که برگ نداشته باشد مردا میگوید.^۳

از مجموعه اقوال مفسرین درباره اصل معنی ماردومرید شیطان دو معنی ذیل دریافت میگردد:

۱: تجرد بر شر

۲: دوری از خیر که مشابه املس می شود یعنی هیچ چیز نداشته باشد.^۴

ب : طاغوت :

ما قبلا در باره مارد سخن گفتیم که متصف بر شر بوده از حق و خیر دور می باشد اما درینجا از نوع شیطان حرف میزنیم که ازین وصف بیشتر تجاوز نموده که همراه با بعد کامل از خیر و حق و تجرد تام به شر و گمراهی، به خصایص تزویری و بهتان الوهیت و ربوبیت نفس خود پرداخته اند. این نوع شیطان طاغوت می باشد که در کتاب الله ۸ بار ذکر گردیده است که همه در سیاق بندگی الله و دوری ازین شیطان آمده است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيْبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيْلًا^۵ ترجمه: آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته اند ندیده ای که به جبت و طاغوت ایمان دارند و در باره کسانی که کفر ورزیده اند می گویند اینان از کسانی که ایمان آورده اند راه یافته ترند.

^۱: أبو عبد الله الرازی، مفاتیح الغیب، جلد ۱۱ صفحه ۳۶.

^۲:سوره صافات - آیه ۷

^۳: ابن عطیه، أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطية الأندلسی المحاربي، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز چاپ سوم، مکان نشر: دار الكتب العلمية-بیروت، سال نشر: ۱۴۲۲ هـ، تحقیق: عبد السلام عبد الشافی محمد.، جلد ۴ - صفحه ۴۶۶،

^۴: مرجع سابق.

^۵:سوره نساء - آیه ۵۱.

امام طبری تعریف جامع طاغوت را چنین بیان نموده : هر آنکه سرکشی از الله کند و به عبادت غیر از او بپردازد برابر است که آن معبود، انسان باشد یا شیطان یا بت و یا کدام شی دیگر به آن طاغوت گفته می شود.^۱

ابن قسیم رح چنین تعریف نموده : که بنده از حد بندگی، طاعت و متابعت معبود خود تجاوز کند.^۲

الوسی می گوید : طاغوت شیطان است که از عمر بن خطاب و حسین بن علی و هم چنان از قتاده، مجاهد، سعید بن جبیر، و عکرمه روایت شده که جادوگر است . و از ابی عالیه روایت شده که ساحر است ، از مالک بن انس روایت شده هر آنچه که غیر از الله پرستش شود.^۳

ابن کثیر می گوید : "که مراد از طاغوت شیطان است که شامل تمام کارهای بدی که در دوران جاهلیت به آن مشغول بوده اند می شود که شامل : عبادت بت ها ، طلب از بتها ، و تحاکم آنها"^۴

فیروز آبادی در باره طاغوت مجموعه از تمام گفته های پیشین را می گوید که شامل : عز و لات ، جادوگر ، شیطان ، رهبر گمراهی ها ، بت ها ، هر آنچه که غیر از الله عبادت میشود ، و سرکش های از اهل کتاب .^۵

از اینکه اکثریت علما طاغوت را شیطان معنی نموده اند بنا بر همین قول اکثریت، سخن ما نیز (طاغوت به معنای شیطان) موجه و قوی به حساب می آید . و طبری نیز همین رای را از عمر بن خطاب رضی الله عنه و از مجاهد و شعبی و ضحاک و قتاده و سدی روایت نموده است . و هم چنان همین نسبت را سایر مفسرین نیز ترجیح داده اند.^۶

^۱: ابن جریر طبری ، جامع البیان ، جلد ۳- صفحه ۲۷ .

^۲: دوهبة بن مصطفى الزحیلی ، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج ، چاپ دوم ، مکان نشر : دار الفكر المعاصر - دمشق ، سال نشر : ۱۴۱۸ هـ ، جلد ۳- صفحه ۲۶

^۳: الألوسی ، روح المعانی ، جلد ۳- صفحه ۲۱ .

^۴: ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، جلد ۴ ، صفحه ۵۱۲ .

^۵: مجد الدین أبو طاهر محمد بن یعقوب الفیروزآبادی ، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز ، چاپ اول ، مکان نشر : المجلس الأعلى للشنون الإسلامية - لجنة إحياء التراث الإسلامي ، القاهرة ، سال نشر : ۱۴۲۳ هـ تحقیق : محمد علی النجار . ، جلد ۳ - صفحه ۵۰۹

^۶: ابن جریر طبری ، جامع البیان ، جلد ۳- صفحه ۲۷ .

طاغوت انواع زیادی دارد اما درین جا از چند نوع آن که ابن القیم رحمه الله آنها را ۵ نوع تقسیم نموده ذکر می کنیم .

۱: ابلیس لعنه الله.

۲: کسی که اورا عبادت می کند و راضی است.

۳: کسی که مردم را به عبادت او دعوت می کند.

۴: کسی که ادعا علم الغیب را میکند.

۵: کسی که غیر از انزل الله حکم می کند .^۲

این ها طوری که ابن القیم رحمه الله نام های شان را ذکر نموده است سردمداران طاغوت می باشند و شامل تمام انواع و الوان و جنس طاغوت میشوند .^۳

ج : القرناء

میدانیم که وظیفه ابلیس لعین اغواء بشر است و میتواند یک طائفه قوی تر و سودمند تر را از حزب خود داشته باشد که قرناء نامیده می شوند.^۴

قرناء هرکدام برای گمراه ساختن یک شخص صالح تخصیص یافته اند و بعضا برای یک شخص غیر صالح هم . این شیطان همراه رفیق خود بسیار نزدیک می باشد و نه تنها اینکه همیشه الی مرحله مرگ ملازمت دارد بلکه در روز قیامت هم همراش یکجا حشر می شود و همراش یکجا به جهنم سوق داده می شود . و الله متعال تعبیر ملازمت نزدیک را در کتاب خویش به لفظ (قَبِیْضٌ) تعبیر نموده : { وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَبِّضُ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ }^۵ ترجمه : و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند بر او شیطانی می گماریم تا برای وی دمسازی باشد.

ابن عاشور می گوید : التقبیض به معنی آمادگی برای ملازمت یک شی که تا آخر انرا انجام دهی تا آمده است . از اسم جامد قبیض البیضه که معنی ان قشر احاطه کننده چیز

^۱: محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین ابن قیم الجوزیه، إعلام الموقعین عن رب العالمین ، چاپ اول ، مکان نشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، سال نشر : ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۱ م، تحقیق : محمد عبد السلام إبراهیم، جلد ۱ صفحه ۴۰

^۲: د. وهبة الزحيلي، التفسير المنير، جلد ۳، صفحه ۲۶.

^۳: ابن جوزی ، تلبیس ابلیس ، جلد ۱ ، صفحه ۱۳۰

^۴: الألوسی ، روح المعانی ، جلد ۳- صفحه ۵۲.

^۵:سوره الزخرف ایه ۳۶

هائیکه در داخل تخم یعنی زردی می باشد مشتق شده است که تا ازان چوچه تولد نشود حفاظت می کند .^۱

به همین شکل خداوند متعال وظیفه این قرین را که با شخص تا روز محشر ملازمت دارد واضح ساخته است . و هردوی شان وظایف متقابل دارند که یکی شان عمل دیگری را تکمیل می کند . که در ایه ذیل مشخص گردیده است : وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُفِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهُتَدُونَ^۲ { ترجمه : و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند بر او شیطانی می گماریم تا برای وی دمسازی باشد- و مسلما آنها ایشان را از راه باز می دارند و [آنها] می پندارند که راه یافتگانند .

این آیت وظیفه قرین را به شکل ذیل محدود می کند :

۱: مانع شدن از راه الله .

۲: گمان بر اینکه او در راه که هست حق است .

مانع شدن از راه حق تنها به تزئین و تحسین نمودن باطل در نظر کسی که با شیطان ملازمت دارد ممکن است برای او می گوید : تو عمل شر را انجام ندادی ، و یا عمل تو مخالف شریعت نیست ، قسم به الله است که هدف تو خیر بوده و تو در راه حق و هدایت هستی و تا اینکه حقیقت را کشف کند همین وسواس همرايش باقی می ماند .

و روزیکه نه مال و نه اولاد نفع رسانده نمی تواند می گوید : { حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ^۳ } ترجمه : تا آنگاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید [خطاب به شیطان] گوید ای کاش میان من و تو فاصله خاور و باختر بود که چه بد دمسازی هستی .

^۱: محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسى ، التحرير و التتوير ، چاپ دوم ، مكان نشر : الدار التونسية للنشر - تونس، سال نشر : ۱۹۸۴ م . ، جلد ۲۵- ص ۲۰۹

^۲:سوره الزخرف - آیات ۳۶-۳۷

^۳: "سوره الزخرف ایه ۳۸"

و این دوست نزدیک می تواند از جن باشد و هم از انس و همین دوست انسانی سبب نزول آیت زخرف است که ابن ابی حاتم در تفسیر خود روایت نموده که : از محمد بن عثمان المخرمی روایت است که یک قریشی گفت : هر شخص از اصحاب محمد را یک یک قرناء همراهی می کرد که همراه ابوبکر طلحه بن عبید الله بود یک روز در بین مردم ابوبکر برایش گفت : به چه چیز ما رادعوت می کنی ؟ گفت : به عبادت لات و عزری ! ابوبکر گفت : لات چیست ؟ گفت پروردگار ما . گفت عزری چیست ؟ گفت : دخترهای الله . ابوبکر گفت : مادرشان کیست ؟ طلحه خاموش ماند جواب نداد . طلحه برای رفیقایش گفت : جواب این مرد را بدهید انها هم خاموش ماندند طلحه گفت : بر خیز ای ابوبکر اشهد ان لا اله الا الله و ان محمد رسول الله همین بود که { وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضَ لَهُ شَيْطَانًا } را الله متعال نازل نمود .^۱

این طریقه عجیب از اصرار و جدل بر اغواء است که وظیفه دوست شیطانی را با همراهش بیان می کند . و ابوبکر صدیق با ایمان راسخ به توانست و سواس و قرین شیطانی را از بین ببرد .

جایگاه قرناء در آخرت :

قرین همراه با شخص که همراهش هست تا داخل شدن دوزخ باقی می ماند . خداوند متعال می فرماید : { قَوْلُكَ لَنَحْضُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينُ ثُمَّ لَنَحْضُرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثَاءً }^۲ ترجمه : پس به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت سپس در حالی که به زانو درآمده اند آنان را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد . قرطبی می گوید : خداوند می فرماید که آنها را با شیاطین همراه شان حشر می کنم گفته شده که هر کافر همراه شیطان خود یکجا در یک ردیف حشر می شوند^۳ طوریکه الله متعال می فرماید :

^۱ : أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم، تفسير القرآن العظيم، - چاپ سوم ، مكان نشر : مكتبة نزار مصطفى الباز - المملكة العربية السعودية، سال نشر : ۱۴۱۹ هـ، تحقيق : أسعد محمد الطيب. جلد ۱۰ - صفحه ۳۲۸۳ ،

^۲ : سورة مريم-آیه ۶۸

^۳ : أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي ، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، چاپ دوم ، مكان نشر : دار الكتب المصرية - القاهرة، سال نشر : ۱۳۸۴ هـ - ۱۹۶۴ م، تحقيق : أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش. ، جلد ۱۱ - صفحه ۱۳۲

{ احْسُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ }^۱ ترجمه : کسانی را که ستم کرده اند با همدیانشان و آنچه غیر از خدا می پرستیده اند.

و در اخیر کلماتی را از ابن عاشور در باره بیان توافق معنی قرناء با تقیض نقل می کنیم : قرناء همراهشان در گمراهی ملازمت دارند . در ظاهر مثل دعوت گران کفر و پیروان شان و در باطن نفوس مثل وسواس شیاطین که خداوند متعال در باره شام می فرماید : { وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ تَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ } معنی تقیض درین آیت تقدیر برایشان است که مناسبت دارد به سبب عمل شان و افکارشان که دعوتگران دعوت می کند و آنها می پذیرند .

مزایای گیرنده بستگی خواست او دارد پس تقیض به معنی تقدیر می آید چون اجتماعات مختلف از اجتماعات مختلف متاثر شده و دوستی و الفت میان آنها امر است که در وجود بعضی مردم می باشد پس جاذبیت شیطان به سوی بعضی شان و بوجود آمدن خطر های زشت، اقتضای ان می باشد. به همین خاطر تعبیر ما از قبیضنا به تقدیر است نه غیر از آن مثل کلمهء : بعثنا، و ارسلنا در حالت تعبیر از همدیگر.^۲

مطلب دوم : صفات شیاطین :

بعد از پیشکش تصنیف قرآنی شیطان از حیث انواع به بعضی از صفاتی می پردازیم که این اصناف را از یکدیگر شان متمایز می سازد . این صفات یا ذاتی هست که به طبیعت شان تعلق می گیرد و یا هم معنوی که به سلوک و اخلاق شان تعلق می گیرد .

الف : صفات ذاتی :

قرانکریم بعضی از صفات شیاطین خصوصاً ان صفاتی را که آگاهی ان به نفرت ازین مخلوقات ارتباط می گیرد و از جهت دیگر برای تحذیر از انها و شناسائی حقیقت انها تا اینکه شیطان نتواند بالای انسان غالب شود و بالای انسان پادشاهی کند، را واضح ساخته است.

این صفات قرار ذیل اند :

^۱ :سوره الصافات-آیه ۲۲
^۲ : ابن عاشور، التحریر و التتویر ، جلد ۲۴، صفحه ۲۷۴ الی ۲۷۵.

۱: شیطان جنی از آتش آفریده شده

جنیات عموماً از جنس آتش آفریده شده طوری که انسان عموماً از خاک آفریده شده: {
وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ * وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ
} { ترجمه: و در حقیقت انسان را از گلی خشک از گلی سیاه و بدبو آفریدیم- و پیش از
آن جن را از آتشی سوزان و بی دود خلق کردیم.

ابن عباس، مجاهد و قتاده می گویند^۲: مراد از صلصال خاک خشک شده است که در
قول الله متعال: { خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ * وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ }
ترجمه: انسان را از گل خشکیده ای سفال مانند آفرید- و جن را از تشعشعی از آتش
خلق کرد. اشکار می گردد. و (مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ) صلصال از حَمَإٍ یعنی از خاک و در
قول الله (وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ) یعنی قبل از انسان (مِنْ نَارِ السَّمُومِ) سموم یعنی کشنده
... از ابن عباس روایت است: که جن از نوک آتش ساخته شده است.^۳

۲: طبیعت (صفات ذاتی) شیطان

شیاطین اجسام نامرئی اند که با حواس قابل درک نیستند اما طبیعت شیطان جنی از
شیطان انسی فرق دارد. این صفت خاص برای شیاطین جنی است طوری که الله متعال
می فرماید: { إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ }^۴ (قبیله) ترجمه: بی گمان او
و همکارانش شما را می بینند از جاییکه شما آنها را نمی بینید، در اینجا اشاره او یعنی
جنس و صنف شیطان است.^۵

۳: صورت شیطان

چیزی که شیطان را نسبت به سایر جنیات متمایز می سازد، بد شکلی و بد قیافه بودن
روی اوست که مضمونش را در بد عملی اتباعش و افعالش می توان دید. صورت
شیطان زشت است. خداوند متعال میوه درخت زقوم را که در قسمت تحتانی جهنم واقع
است به سرکرده شیاطین تشبیه نموده^۶ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ * طَلْعُهَا كَأَنَّهُ

^۱: سوره الحجر-آیات ۲۶-۲۷

^۲: ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، جلد ۴، صفحه ۵۱۲.

^۳: مرجع سابق، جلد ۴، صفحه ۵۱۶.

^۴: سوره الاعراف آیه ۲۷

^۵: ابن جریر الطبری، جامع البیان، جلد ۸، صفحه ۱۹۵.

^۶: ابن جریر الطبری، جامع البیان، جلد ۸، صفحه ۱۹۶.

رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ^۱ } - ترجمه : آن درختی است که از قعر آتش سوزان می روید-میوه اش گویی چون کله های شیاطین است.

شاخهای شیطان در حدیث ثابت شده : از النبی - صلی الله علیه وسلم روایت است - لا صَلَاةَ بَعْدَ صَلَاةِ الْعَصْرِ حَتَّى تَغْرُبَ الشَّمْسُ، وَلَا صَلَاةَ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ فَإِنَّهَا تَغْرُبُ بَيْنَ قَرْنَيْ شَيْطَانٍ^۲ .

ترجمه : زمانیکه افتاب طلوع می کند نماز نگزارید تا آنکه خوب طلوع کند و هنگام غروب هم تا زمانیکه افتاب نیمه غروب است نماز نخوانید بگزارید خوب پنهان شود و بعد نماز بخوانید و نماز خود را در وقت طلوع و غروب آفتاب نخوانید چون آفتاب درین وقت بین شاخهای شیطان می باشد .

ب : صفات عرضی/معنوی

صفات معنوی شیطان قرار ذیل اند :

۱: کبر و کفر

این دو صفت متلازم یکدیگرند . که کبر منجر به کفر پدر شیاطین ابلیس علیه اللعنة شد . الله متعال می فرماید : { وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ }^۳ ترجمه : و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید پس بجز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] به سجده در افتادند .

در کبر و بزرگمنشی که ابلیس را از سجده ادم بازداشت و خود را بزرگ و قابل تعظیم پنداشت و ترک سجده آدم را کرد . نافرمانی شیطان از امر الله و حکمت او ست طوریکه در باره کبر از نبی کریم (صلی الله علیه سلم) روایت است : " لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال نرة من خردل من الكبر "؛ کسی که به اندازه ذره ای از کبر در داخل قلب اش باشد به بهشت داخل شده نمی تواند .

^۱- سوره الصافات آیات ۶۴ و ۶۵

^۲- متفق علیه، أخرجه البخاری برقم (۵۸۶) ، ومسلم برقم (۸۲۷)، واللفظ له.

^۳- سوره البقره آیه ۳۴.

^۴: صحیح مسلم - کتاب الإیمان - باب: تحریم الکبر و بیانہ - حدیث شماره ۹۱ این جزء از یک حدیث طویل است. ص ۶۹۳

و در یک روایت دیگری در صحیح مسلم همین حدیث با اضافه این جملات آمده است :
إِنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ثَوْبُهُ حَسَنًا وَنَعْلُهُ حَسَنَةً، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، الْكِبْرُ
بَطْرُ الْحَقِّ، وَغَمَطُ النَّاسِ " ۱.

هر کس خوش دارد که هم لباس اش مقبول باشد هم بوتهایش فرمودند : الله مقبول است
و مقبولی را دوست دارد و کبر نابودگر حق و تحقیر مردم است " خداوند متعال
پیرامون شیطان میفرماید : { أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ }^۲ شیطان
گفت : من او بهترم من را از آتش و او را از خاک پیدا نموده ای . { أَلَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ
طِينًا }^۳ - برای کسی که از خاک آفریدی سجده کنم ؟! { لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ
صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ }^۴ - برای کسی که از خاک آفریدی سجده نمی کنم {
خداوند متعال با این کارش کافرش ساخت... و از همین سبب الله تعالی می فرماید :
قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ }^۵ ای
ابلیس چه چیز تو را از تعظیم آدم را که ما با دستان خود آفریده بودم بازداشت ؟ کبر
کردی . تو متکبر نبودی از همین خاطر می فرماید { وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ } و شیطان
از زمره کافران بود .^۶

۲: عصیان

این که شیطان و متابعتش به کفر گرایند به سبب معصیت آنها از امر الله متعال بود
چون با امر الله مخالفت نمودند و این گناه برایشان دین گشت طوری که در قلب هر
شیطان کبر است و از اطاعت الله نفرت دارد . خداوند متعال سرشت و خوی آنها را به
زبان ابو الانبیاء ابراهیم علیه السلام بیان می کند : { يَا أَبَتِ لَا تُعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ

۱: أخرجه مسلم ۱ / ۹۳ ط عيسى الحلبي، تحقيق محمد فواد عيد الباقي، كذلك أخرجه أحمد ۴ / ۱۳۴ طبع المطبعة الميمنية.

۲: سورة ص آیه ۷۶

۳: سورة اسراء آیه ۶۱

۴: سورة الحجر آیه ۳۳-

۵: سورة ص آیه ۷۵

۶: القرطبي، الجامع لأيات الأحكام، جلد ۱، صفحه ۲۹۶، ۲۹۷.

الشَّيْطَانُ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا^۱ } ای پسر من! شیطان را بندگی مکن. شیطان نافرمانی
الله را نموده است.

در آیت فوق شیطان را به عاصی صفت نموده پس این صفت شیطان می باشد.^۲

۳: لعین و رجیم (رانده شدن)

لعین در اصل از لعن گرفته شده و معنای آن در عرف و عادات با بی عزتی و غضب
مقترن می باشد و رجیم رانده شده و فرود آورده شده.^۳
در قرآن کریم بیشتر همین دو کلمه و یا هم کلمات متقارب شان ذکر شده به معنی رانده و
نفرین شده می باشد.

مثلاً: الذام، والدحر، الله تعالی می فرماید: { قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا }^۴
ومذءوماً به معنی: مذوماً، والذام عیب را گویند، مذوءوماً و مذوماً یک معنی را دارد،
می گوید ذامته و ذمته و ذمته به یک معنی است، و مجاهد میگوید: المذوءوم به معنی
امتناع، و هر دو معنی متقارب است، والمدحور: المبعد دور کرده شده المطرود رانده
شده، وأصل اش: "الذفع" دور کردن است.^۵

الفاظی مختلفی را که ذکر نمودیم قرآن به لعین و رجیم بودن ابلیس و رانده شدن او از
رحمت الله یاد نموده اما لعن و رانده شدن آن به صورت واضح در آیات قرآنی ذکر
شده است و در قرآن عام است مثل قول تعالی { فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ }^۶ زمانیکه قرآن را قرائت می کنید از شیطان رانده شده به الله پناه
ببرید.^۷

لفظ لعن ابلیس در دو آیت مشابه آمده صرف در یک حرف فرق می کند و این در
سوره های الحجر و ص آمده که در سوره حجر { وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ }^۸

^۱: سوره مریم آیه ۴۴

^۲: القرطبی، الجامع لأبیات الأحكام، جلد ۱۶ صفحه ۱۲۰.

^۳: ابن عطیة الأندلسی المحاربی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، چاپ دوم، مکان نشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، سال
نشر: ۱۴۲۲ هـ، تحقیق: عبد السلام عبد الشافی محمد. جلد ۲ صفحه ۱۱۴

^۴: سوره مریم آیه ۴۶.

^۵: ابن جریر الطبری، جامع البیان، ج ۱ ص ۶۲ و جلد ۱۴ صفحه ۴۲.

: سوره النحل آیه ۹۸

^۷: همان مرجع ج ۱ ص ۶۲ و جلد ۱۴ صفحه ۴۲.

^۸: سوره حجر آیه ۳۵

و در سوره ص : { وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ }^۱ در سوره حجر لفظ لعن مطلق و در سوره ص مضاف بسوی الله رب العزت آمده است .

۴: سرکش بودن و متجاوز بودن از حد

بنابر این طرد خداوند که مستکبرین را کرد بعضی شان در عناد شان و بعضی دیگر شان در گمراهی شان از حد گذشتند و پیروان شیطان در زمین طغیان کردند. و شیطان از روی کفر و عناد در برابر خداوند تجبر کرد و گفت (قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَهُ عَلَىٰ لَيْسَ أَخْرَجْتَنِي إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْتَكَبَنَّ دُرِّيَّةً إِلَّا قَلِيلًا)^۲ پس نتیجه چنان شد که خداوند سرکش های آنها را طاغوت نامید یعنی کسانی که از حد در عصیان و گمراهی و گمراه کردن دیگران از حد گذشته خداوند متعال می فرماید : { كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ }^۳ یعنی از حد در گناه تجاوز نموده و از هوی نفس متابعت نموده و در مقابل پروردگار کبر نموده و این در حق شیاطن انسی کسانی که از شیاطین جنی هم درین صفت ذاتی تفوق دارند است .

در حکایت داستان از بنی اسرائیل که خداوند آنها را از سرکشی و تجاوز از حد منع کرده بود می فرماید : { كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلُّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ }^۴ از رزی پاکی که برای دادیم بخورید و حد نگزید یعنی به نعمت که برایتان دادیم شکر کنید و شکر کردن را فراموش نکنید که غضب من بالایتان حلال می شود و بالای کسی که غضب من حلال شد پس او نابود می شود .

خداوند متعال سرکش ها را به عذاب شدید در آخرت وعده نموده که در جهنم جاویدانه باقی می مانند . { فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ * وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا * فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ }^۵ کسی که سرکشی کند و امر خواند را نپذیرد و گناه کند و اطاعت نکند و فرائض را اداء و از نواهی پرهیز نکند پس جهنم جایش است .^۶

^۱: سوره ص آیه ۷۸

^۲: سوره اسرا آیه ۶۲

^۳: سوره العلق آیه ۶

^۴: سوره طه آیه ۸۱

^۵: سوره النازعات آیه ۳۷ الی ۳۹

^۶: الألوسی ، روح المعانی ، جلد ۱۶ ، صفحه ۳۲۶ .

۵: ضعیف بودنش در مقابل حق

الله متعال فرموده است: { إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا }^(۱) "کید و مکر شیطان در مقابل اهل حق ضعیف است"

بعد از پیشکش های ترسناک شیطان متکبر لعین و سرکش و گنهگار مجرم ، خداوند متعال بندگان خود را که متمسک بر حق اند از ضعیف بودن شیطان در مقابل شان اطمینان می دهد که هیچ کاری در مقابل ایشان کرده نمی تواند . اتباع حق از هر نوع کید و مکر و فریب شیطان در امان اند و شیطان در مقابل انها ضعیف است و قدرت ندارد .^۲

و در جای دیگر خداوند می فرماید که هیچ شکی وجود ندارد که باطل از بین رفتنی است بدون اراده الله هیچ کاری را در مقابل اهل حق درین دنیا کرده نمی توانند { وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا }^۳ { وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ }^۴ قتاده می گوید : حق قرآن است و باطل شیطان و اتباع اش است که زهق الباطل یعنی هلك الباطل یعنی باطل هلاک و برباد می شود زمانیکه حق در میدان بیاید . این باطل ایللیس و لشکرش است که در مقابل حق نابود شونده اند .^۵

۶: تنها گذاشتن اتباعش

شیطان با این ضعف و سبکی و با هر کاری که می کند دروغ و بهتان و تزویر کید و مکرش در مقابل حق کوتاهی میکند و کید و مکرش برای مومنین ضعیف است . وقتیکه کوشش خود را کند و حق ظاهر شود بر می گردد چون او چیزی را می داند که اتباعش نمی دانند .

الله متعال برای ما دوزخ از تنها گذاشتن شیطان را بیان می کند اولش در دنیا و دوم در آخرت .

^۱: سوره النساء آیه ۷۶

^۲: ابن جریر الطبری، جامع البیان ، جلد ۵ ، صفحه ۱۷۸ .

^۳: سوره الاسراء آیه ۸۱

^۴: سوره السباء آیه ۴۹

^۵: ابن جریر الطبری، جامع البیان ، جلد ۵ ، صفحه ۱۷۸ .

الف: بیزاری در دنیا

شیطان مشرکین را در معرکه بدر کبری تنها گذاشت حین اینکه از اهل حق و اتباع حق گاهی یافت : { وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَآتِ الْفِنَّانَ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ-^۱ } [یاد کن] هنگامی را که شیطان اعمال آنان را برایشان بیاراست و گفت امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نخواهد شد و من پناه شما هستم پس هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند [شیطان] به عقب برگشت و گفت من از شما بیزارم من چیزی را می بینم که شما نمی بینید من از خدا بیمناکم و خدا سخت کیفر است .^۲

ب: بیزاری در آخرت

الله متعال می فرماید : { وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَوَعَدْتُمْ فَأَخْلَفْتُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلْمُزُونِي وَلَوْمُوا أَنفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ-^۳ } و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می گوید در حقیقت خدا به شما وعده داد وعده راست و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابتم نمودید پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می دانستید کافرم آری ستمکاران عذابی پرورد خواهند داشت .

الله متعال این حقیقت را درین مبارکه بیان می کند : { ... وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا-^۴ } ترجمه :و شیطان انسان را (هنگام نیاز) یاری نمی رساند و تنها می گذارد" شیطان همیشه انسان را به وسوسه می اندازد و کفر و شرک و معصیت تشویق کند ،

^۱: سوره الانفال آیه ۴۸

^۲: د. وهبة الزحيلي، التفسير المنير، جلد ۱۹، صفحه ۵۴.

^۳: سوره ابرهیم آیه ۲۲

^۴: سوره النساء آیه ۱۲۰

بعدا رهایش می کند ، والخذل : کمک نکردن ، و می گوید این کار من نیست بلکه خودت مرتکب شده ای.^۱

هر آنچه انسان را از راه خدا منحرف کرد و درگناه انداخت او شیطان است .
تنها گذاشتن در زمان نزول عذاب و بلاء در آخرت : { كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ
اكَفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ- }^۲ این منافقان) در مثل
مانند شیطانند که انسان را گفت: به خدا کافر شو، پس از آنکه آدمی کافر شد بدو گوید:
از تو بیزارم، که من از (عقاب) پروردگار عالمیان سخت می ترسم.^۳

^۱: ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ، جلد ۸ صفحه ۱۹۲-۱۹۳.

^۲: سوره الحشر- آیه ۱۶

^۳: جابر بن موسی بن عبد القادر بن جابر أبو بکر الجزائري، أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير. چاپ دوم ، مکان نشر : مكتبة العلوم والحكم، المدينة المنورة، المملكة العربية السعودية، سال نشر : ۱۴۲۴/هـ ۲۰۰۳م. ، جلد ۴، صفحه ۶۱۹

فصل دوم

دشمنی و دوستی شیطان

این فصل دو مبحث دارد :

مبحث اول : دشمنی بین انسان و شیطان

مطلب اول : اساس عداوت شیطان کبر است

مطلب دوم : دشمنی شیطان و ذریهء او با انسان

مطلب سوم : دشمنی خاص شیطان با پیامبران

مبحث دوم : دوستان شیطان :

مطلب اول : ولایت شیطان

مطلب دوم : اتباع شیطان در دنیا و آخرت

مطلب سوم : صفات دوستان شیطان

دشمنی و دوستی شیطان

مبحث اول

دشمنی شیطان با انسان

آگاهی داشتن از دشمنی شیطان و دشمنی نمودن با او - به اندازه ای اهمیت دارد که خداوند متعال آن را در چندین آیه از کتابش ذکر کرده و فرموده است: (إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا^۱) یعنی: (بی تردید شیطان دشمن شما است پس شما هم او را دشمن بدانید).

خداوند متعال مؤمنان را از پیروی کردن وسوسه های شیطان برحذر داشته و فرموده است: (وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ) یعنی: (از گام ها (وسوسه های) شیطان پیروی نکنید چرا که بی تردید او دشمن بسیار آشکار شما است)^۲

زمانیکه کتاب الله را ببینیم آیات زیادی در مورد دشمنی شیطان با انسان و سبب و علت آن وجود دارد که این مسائل را ان شا الله درین فصل بیان خواهیم نمود .

مطلب اول : اساس دشمنی شیطان

عدم اطاعت شیطان از اوامر الله متعال در قصه آدم در قرآن به شکل تفصیلی و اجمالی چندین مرتبه ذکر گردیده که شیطان در جریان خلقت آدم مامور به سجده در مقابل انسان شد که به خاطر خود خواهی و خود پرستی از آن سر باز زد و از درگاه خدا رانده شده و به همین جهت دشمن انسان گشت و انحراف انسان را از راه حق ، سرلوحه کار خویش قرار داد؛ این قضیه به طور مفصل در تعدادی از آیات قرآن آمده است { قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ }^۳ ترجمه : فرمود چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی گفت من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی.

^۱: سوره فاطر آیه ۶

^۲: البقرة/۲۰۸

^۳: الاعراف/۱۲

پس مانع از سجده نمودن و عدم اطاعت از الله در این بوده که شیطان جنسا خود را قوی و بلند مرتبه میدانست چون از آتش افریده شده بود اما غافل ازینکه اصل جوهر آتش خفت، ارتفاع و سبکی است.^۱

به سبب همین قیاس فاسد که بر نفس خود روا داشت از امر الله سرپیچی نمود و همراه مخلوق که الله او را تکریم نمود به دشمنی پرداخت و ابلیس با آدم و اولاده او از دشمنی شدیدی که نهایت آن مثل خودش در جهنم قرار گیرند وعده نمود. که درین آیه مبارکه بهتر توضیح می شود: { قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِن أُخِّرْتَنِّي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأُحْبِبَنَّكَ فَإِنَّكَ عَلَىٰ أَعْيُنِنَا قَدْ كَفَرْنَا بِكَ يَا بِلْقَاسِ اللَّهِ كَذِبًا * قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا }^۲ ترجمه: گفت به من بگو این کسی را که بر من برتری دادی [برای چه بود] اگر تا روز قیامت مهلتم دهی قطعاً فرزندانش را جز اندکی [از آنها] ریشه کن خواهم کرد. فرمود برو که هر کس از آنان تو را پیروی کند مسلماً جهنم سزایان خواهد بود که کیفری تمام است.

از امام ابن کثیر سخن زیبای که در مورد اصل عداوت ابلیس با انسان آمده است که: خداوند متعال دشمنی شیطان و اولاده او را ذکر نموده که دشمنی قدیمی است از زمان خلقت آدم ع که خداوند متعال به ملائیکه امر کرد که آدم را سجده کنید همه شان سجده نمودند به جز ابلیس که تکبراً و عناداً از سجده سر باز زد و آدم را حقیر دانست: (قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ)^۳.

گفت مرا از آتش و او را از خاک افریدی. ابن کثیر می گوید: نمی بینی که با چی گستاخی و جرئت و کفر هم‌رای خداوند دلیل گفت و خداوند با نرمی طرف او می دید.^۴

^۱: ابن جریر طبری، جامع البیان، جلد ۸ - صفحه ۱۶۸.

^۲: الاسراء/ آیات ۶۲ و ۶۳

^۳: ص/ایه ۷۶

^۴: ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، جلد ۹ - صفحه ۳۸ و ۳۹.

مطلب دوم: دشمنی شیطان و اولادش با انسان

خداوند متعال می فرماید: (قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ثُمَّ لَأَنْتَبَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ ۗ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ) ^۱ یعنی: (شیطان- گفت: پس به سبب آنکه مرا گمراه ساختی من هم قطعا بر سر راه مستقیم تو - جهت گمراه ساختن آنها- می نشینم سپس از مقابل و پشت سر و طرف راست و چپ شان به سراغ شان می روم- و منحرف شان می کنم- تا جاییکه بیشتر آنها را سپاسگزار خود نخواهی یافت) و در آیه ای دیگر می فرماید: (قَالَ فَيُعْزِئِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ) یعنی: (شیطان- گفت: پس سوگند به عزت تو که همه آنها را گمراه خواهم ساخت) ^۲

بنابراین آگاه باشید که شیطان در هر عبادت و کار خیر در کمین شما نشسته است تا آن را در نظر شما بی ارزش جلوه دهد و یا شما را نسبت به آن بی میل و نفرت زده کند و هیچ راه شر و گناهی وجود ندارد مگر آنکه شیطان شما را بسوی آن فرا می خواند و آن را در نظرتان می آراید و زیبا جلوه می دهد لذا بسیار هوشیار باشید تا به دام او گرفتار نیایید زیرا عاقبت پیروی از شیطان، زیانمندی در دنیا و آخرت است همانطور که خداوند می فرماید: (إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ) یعنی: (تنها- هدف شیطان از فراخواندن پیروانش- بسوی وسوسه های خود- این است که آنها از ساکنان آتش سوزان دوزخ شوند) ^۳

آدم علیه السلام از اولین کسانی بود که خداوند او را از دشمنی شیطان با وی آگاه ساخت و گفت از او حذر کند: فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجْرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجْرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ. ^۴ ترجمه: پس چون آن دو از [میوه] آن درخت [ممنوع] چشیدند برهنگی هایشان بر آنان آشکار شد و به چسبانیدن برگ [های درختان] بهشت بر خود آغاز کردند و

^۱ سوره الاعراف آیات ۱۶ و ۱۷

^۲ سوره ص آیت ۸۲/

^۳ فاطر/ ۶

^۴ الاعراف/ ۲۲

پروردگارشان بر آن دو بانگ بر زد مگر شما را از این درخت منع نکردم و به شما نگفتم که در حقیقت شیطان برای شما دشمنی آشکار است .

در ایه فوق عطف جمله أَفَلْ لَكُمْ بِرِجَالِكُمْ لَا تَلْبَسُونَ عَلَيْهِم مَّوْءِدًا كَتَبْنَا عَلَيْهَا لِقَاءَ رَبِّكُمْ فِي قَوْلِهِمْ خُذُوا حُلْيَاكُمْ أَنْتُمْ قَوْمُ الْمَدِينَةِ بَلْ كَذَّبْتُمْ عَنْهَا كَذِبًا عَلِيمًا .^۱ نهی همراه تحذیر یکجا بود و مقصود از این حکایت یادآوری از آیین است که خداوند از دشمنی شیطان اصل انسان آگاه نموده است پس از هر گروهی که به شیطان منسوب است باید تحذیر کرد . هرگاهی که خباثت را ببیند انسان را وسوسه می کند چون در طبیعت دشمنی همین است که دشمن خود را نمی خواهد که در حالت خوب باشد پس با انواع فریب و وسوسه می خواهد که انسان را در خباثت و ضلالت و فساد بیاندازد .^۱

از جهت شدید بودن دشمنی شیطان خداوند متعال تحذیر یعقوب ع سلام را که برای یوسف گفته حکایت می کند : قَالَ يَا بَنِيَّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُتَّخَذَ كَيْدًا وَإِنَّ لِلشَّيْطَانِ لِلْإِنْسَانِ عَذُوبًا مُّبِينًا^۲ . ترجمه : [یعقوب] گفت ای پسرک من خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می اندیشند زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است .

یعقوب برای یوسف گفت خوابت را قصه مکن چون آنها حسد میکنند و برایت نیرنگ می اندیشند چون درین حالت از شیطان اطاعت خواهند کرد و با تو دشمنی و حسد میورزند پس از شیطان بر حذر باش و برای برادرانت قصه مکن .^۳

دشمنی شیطان آنقدر شدت دارد که ابدًا تغییر نخواهد کرد و همیشه باقی خواهد ماند و بزرگتر ازین ازینکه طغیان، سرکشی و کفر نموده لعنت خداوند برای همیشه بالای او می باشد . و این یک حالتی است که بین شیطان و انسان الی روز قیامت باقی می ماند . خداوند میفرماید : يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ .^۴ ترجمه: ای مردم همانا وعده خدا حق است زنهار تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد و زنهار تا [شیطان] فریبنده شما را در باره خدا نفریبد در حقیقت شیطان دشمن

^۱: ابن عاشور، التخریر و التتویر ، جلد ۸ - صفحه ۶۷ .

^۲: یوسف/۵

^۳: ابن جریر الطبری، جامع البیان ، جلد ۱۱ - صفحه ۱۸۹ .

^۴: فاطر/۶

شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید [او] فقط دار و دسته خود را می خواند تا آنها از یاران آتش باشند.

ابن عاشور^۱ دشمنی شیطان را چنین بیان می کند: وظیفه شیطان انداختن مردم در فساد است پس او برای این کار کارهای زشت را در قالب زیبای برای انسان پیشکش می کند و از اودعوت می کند تا چنین اعمال را انجام دهد و برای انسان است تا از دشمنی و فریب و نیرنگ شیطان آگاه باشد و این دعوت را قبول نکند چون شیطان خودش با پیروانش در جهنم اند و دیگران را نیز می خواهند در آتش سوزنده بیاندازند.^۲

مطلب سوم: دشمنی خاص شیطان با پیامبران

خداوند متعال می فرماید: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ قَدْ رُهِمَ وَمَا يَقْتَرُونَ. ترجمه: همان گونه (که اینان که در صدد هدایت ایشان هستی با تو دشمنی و ستیزه می‌ورزند) دشمنانی از انسان‌های متمرّد و جَنّیان سرکش را در برابر هر پیغمبری علم کرده‌ایم. گروهی از آنها سخنان فریبنده بی‌اساسی را نهانی به گروه دیگری پیام می‌داده‌اند تا ایشان را (با یاهسرائی‌های رنگین و وسوسه‌های دروغین) بفریبند.

یعنی همانطوری که تو را مبتلا ساختیم یا محمد، که مشرکین از قوم خودت سر ستیزه و دشمنی دارند، شیاطینی از جن و انس می خواهند مانع دعوت تو و ایمان آوردن اصحاب کرام شوند، همین گونه تمام انبیاء را مبتلا ساختیم شیاطینی از جن و انس از اقوام خودشان اذیت شان می کرد و مانع دعوت شان می شدند.^۴

دشمنی شیطان با انبیاء در ادوار تاریخ به اوج خود رسیده است تا جای که در کنار دشمنی های علنی شیاطین انسی، شیاطین جنی توانستند به نزول وحی شبه وارد نمایند ولی از اینکه خداوند متعال تضمین حفاظت وحی را خودش به دوش گرفته است انبیای کرام را از شر التباس های شیاطین محفوظ داشته و پلان های شوم شیاطین انسی و

^۱: محمد الطاهر بن عاشور: رئیس مفتی های مالکی در تونس و شیخ استاد دانشگاه زیتون و نمایندگی هایش در تونس که در تونس زاده شده و در همانجا در سال ۱۹۳۲ وفات نموده استاد از جمله اعضای مجمع عرب در دمشق و قاهره بود. الاعلام - لخير الدين الزركلي - ج ۶ صفحه ۱۷۳

^۲: ابن عاشور، التحرير و التتوير، جلد ۲۲ - صفحه ۲۶۰، ۲۶۱.

^۳: الانعام آیه ۱۱۲

^۴: الجامع لآیات الأحكام - للقرطبي - ج ۱۳ - ص ۲۷.

جنی را نقش بر آب نموده است. و اینگونه انبیاء را در برابر شیاطین پیروز گردانیده و حقایق را برای مؤمنین برملا ساخته است.

چنانچه در قرآن کریم می فرماید : (وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ)^۱. ترجمه : و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هر گاه چیزی تلاوت می نمود شیطان در تلاوتش القای [شبهه] میکرد پس خدا آنچه را شیطان القا میکرد محو می گردانید سپس خدا آیات خود را استوار می ساخت و خدا دانای حکیم است.^۲

توجه درست آیت فوق اینست که باید بدانیم که حتی شیاطین انسی در این سیاق داستان های دروغین بی شماری را بافته اند از جمله داستان غرانیق را که اکثر کتاب های تفسیر این داستان را آورده اند ، و تفصیل آن چنین است که گویا شیطان در اثنای تلاوت پیامبر گرامی صلی الله علیه وسلم ابتدای سورهء نجم را به مشرکین ؛ کلماتی را که از وحی نبود به زبان پیامبر (صلی الله علیه سلم) جاری ساخت. هرگاه تلاوت پیامبر (صلی الله علیه سلم) به این آیه ها رسید : أفرأيتم اللات والعزرى ومناة الثالثة الأخرى^۳، بعدا شیطان گفت (تلك الغرانيق العلاء و إن شفاعتهن لترجى) و مشرکین که این آیه ها را در مدح بت های خود شنیدند خوشحال شدند و برگشتند.^۴

این داستان باطل و دروغین را که شیاطین انسی در میان مسلمانان نشر کرده اند ، اصلا فحوی علمی و منطقی ندارد و علمای محقق و دانشمند از شیوه های مختلف نقلی و عقلی به در این داستان پرداخته اند. برای اینکه نقطهء اوج مبارزهء فکری میان شیاطین انسی و علمای حقانی را متوجه شده باشیم چند دلیل علمی بر رد این داستان ساخته شده را می آوریم :

^۱:سوره الحج آیه ۵۲

^۲: الجامع لأيات الأحكام - للقرطبي - ج ۱۳ - ص ۲۷

^۳:سوره النجم آیه ۲۰

^۴: الجامع لأيات الأحكام - للقرطبي ۱۳ - ص ۸۷ .

امام رازی در رد داستان غرانیق چنین می فرماید : این روایت باطل و ساخته شده است و بر اساس دلایلی واضح و آشکار از قرآن و سنت و دلایل عقلی این داستان را مردود می شماریم.

دلایل قرآنی : خداوند در قرآن کریم به پیامبر گرامی (صلی الله علیه سلم) چنین می فرماید : {وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلَ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ^۱} ترجمه : و اگر [او] پاره ای گفته ها بر ما بسته بود، دست راستش را سخت می گرفتیم، سپس رگ قلبش را پاره میکردیم. و همین طور آیه های چون : {قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلَقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ }^۲ ترجمه : و هرگاه آیات روشن ما بر خلق تلاوت شود منکران معاد که امیدوار به لقاء ما نیستند گویند که قرآنی غیر از این بیاور یا همین را مبدل ساز. بگو: مرا نرسد که از پیش خود قرآن را تبدیل کنم من جز آنچه را که به من وحی می شود پیروی نمی کنم، من اگر عصیان پروردگارم کنم از عذاب روز بزرگ قیامت سخت می ترسم. {وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى }^۳ ترجمه : و از سر هوس سخن نمی گوید این سخن بجز وحیی که وحی می شود نیست - این آیه ها و امثالش در قرآن کریم بیان کننده این نکته است که رسول الله علیه السلام هیچ نوع کوتاهی و تخطی در رساندن وحی الهی ننموده است و هرگز چنین کلماتی را در مدح بت ها به زبان نیاورده است.

دلایل سنت نبوی : امام بخاری در صحیح خود می آورد که رسول خدا صلی الله علیه وسلم سوره نجم را تلاوت نمودند و مسلمانان و مشرکان و انس و جن همه به سجده افتادند. در این روایت چیزی از داستان غرانیق وجود ندارد .^۴

^۱: سورة الحاقة آیات ۴۶ - ۴۸.

^۲: سورة یونس آیه ۱۵.

^۳: سورة النجم ۳-۴.

^۴: - صحیح البخاری - أبواب سجود القرآن و سنتها - باب سجدة النجم - ص ۸۴ - ح ۱۰۷۱ .

مبحث دوم

دوستان شیطان

قرآن کریم به عنوان کتاب الهی دشمنان شیطان را به معرفی گرفت و از پیروی آن مسلمانان را برحذر داشت، با وجود آن شیطان و لشکریانش توانست در بسا موارد انسان ها را از راه بدر نموده به بیراهه بکشاند و به این نکته نیز بسنده نکرده بلکه عده از انسان ها را دوست خود ساخت و با ایشان سر یاری و رفاقت بنا نمود. و از میان انسان ها کسانی پیدا شد که رشته برادری و دوستی را با شیطان محکم ساخته و بیعت محبت و وفاداری را اعلان نمود.

و همان طوری که قرآن کریم اشاره دارد روند اغواگری شیطان و سربازگیری اش از میان مؤمنان تا روز محشر ادامه خواهد داشت و روز افزون از میان انسان ها جمع بزرگی به حزب شیطان خواهند پیوست و هم حزبی های شان به دو گروه تقسیم خواهند شد :

عده شان در این مسیر به حدی گمراه خواهند شد که عادات و صفات شیطانی را به خود خواهند گرفت و بعضی ها در حد پیرو باقی خواهد ماند که در جای قدم شیطان ذلیلانه پا خواهند گذاشت.

بناء بر این تقسیم ، سوالی که مطرح می شود اینست : چگونه می توانیم شیطان و دوستانش را از هم فرق نماییم ؟ خطوط قرمزی که دوست شیطان از آن بگذرد و به شیطان تبدیل گردد چیست ؟ و چرا قرآن میان شیطان و دوستانش فرق قایل گردیده است ؟ برای پاسخ به این سوالات نیاز می بینیم تا بحثی را تحت عنوان (ولاء و ولایة شیطان) مطرح نماییم ؟ ولاء و دوستی میان افراد بر اساس اهداف و رویکرد ها استوار می باشد ولاء با شیطان نیز تحت این قاعده پیش می رود که می خواهیم بطور مفصل به آن بپردازیم .

مطلب اول : ولایت (دوستی) شیطان

ولایت در عربی به معنی نصرت و یاری که از روی دوستی و محبت بوده باشد، در کلام عرب آمده است : هم علی ولایة ای مجتمعون علی نصره و محبة ... یعنی آنها بر نصرت و محبت گرد آمده اند و معنی اصطلاحی آن نیز از معنی لغوی (نصرت و

یاری، دوستی و محبت) به دور نیست ولی این دوستی به شکل تدریجی میان دو فرد آغاز گردیده که در فرجام به یاری و نصرت میان شان می انجامد.^۱

و سخن از دوستان شیطان ایجاب می کند تا از دوستان رحمان نیز یاد آور شویم زیرا این دو گروه ضد هم اند و در برابر هم می ایستند. همان طوری که گفته اند پدیده ها را از ضد شان می توان شناخت، اگر ما دوستان رحمان را بشناسیم از باب مفهوم مخالفه به آسانی می توانیم دوستان شیطان را نیز بشناسیم.

ابن تیمیة می فرماید: هر گاه شناخته شد که در میان مردم دوستان شیطان و دوستان رحمان (هر دو گروه) وجود دارد باید میان این دو گروه تفکیک صورت گیرد همان طوری که خداوند متعال و رسول گرامی (صلی الله علیه سلم) میان این دو گروه فرق قایل شده است. دوستان الهی مؤمنان با تقوی هستند همان طور که الله متعال می فرماید: **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ*الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ.**^۲ ترجمه: آگاه باشید! یقیناً نه بیمی بر اولیای خداست، و نه اندوهگین می شوند * آنان که به ایمان [یقینی] رسیده اند، و همواره از خدا [اطاعت کرده، از محرّماتش] می پرهیزند.

و در حدیث صحیح که امام بخاری به روایت ابی هریره رضی الله عنه می آورد: رسول الله علیه السلام فرمودند: خداوند در حدیث قدسی می فرماید: **من عاد لی ولیاً فقد بارزنی بالمحاربة - أو فقد أذنته بالحرب** _ کسی که با ولی من (دوست و بنده مقرب من) دشمنی نماید به تحقیق با من اعلان جنگ نموده است و در طرف مقابل مرا خواهد یافت.^۳

مفسرین کرام چگونگی حصول بر ولایة و دوستی شیطان را با شروط و تفصیل اش از خلال آیه های قرآن کریم بیان نموده است:

امام قرطبی در تفسیر آیه: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا)**^۴، می فرماید: ای پدرم شیطان را عبادت مکن یعنی در او امرش او را اطاعت نکن و هرکسی اطاعت شیطان را نمود گویا او را عبادت نموده است.^۵

^۱- ابن منظور - لسان العرب ج ۱۵ - ص ۴۰۷.

^۲- سوره یونس (۶۲-۶۳)

^۳- صحیح البخاری - کتاب الرقاق - باب التواضع - صفحه ۵۴۵ - حدیث شماره ۶۵۰۲.

^۴- مریم (۴۴)

^۵- القرطبی، الجامع لأحكام القرآن، جلد ۱۶، صفحه ۱۰۲.

امام رازی نیز در تفسیر آیهء فوق می فرماید: شیطان را اطاعت مکن زیرا او نافرمانی خداوند متعال را نموده است.^۱

ابن عطیه در تفسیر این آیه: فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ ۗ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ^۲. ترجمه: آنان شیطان را بجای خدا به دوستی گرفتند و گمان می برند که راهیاب اند.

ضمیر در کلمه (إِنَّهُمْ) به گروهی که ضلالت و گمراهی به آنان واقع شده است؛ بر می گردد و (أَوْلِيَاءَ) به معنی انصار و اصحاب و برادران می آید.^۳

و امام طبری در تفسیر آیهء فوق می فرماید: گروهی که ضلالت و گمراهی در حق شان واقع گردیده است کسانی اند که از مسیر حق به بی راهه رفته اند و با انتخاب شیاطین به عنوان یاری دهنده و دوست خود، از طریق مستقیم به جادهء انحراف و کجی پا گذاشته اند.^۴

و صاحب تفسیر المنیر نیز در مورد آیهء فوق می فرماید: گروهی که ضلالت و گمراهی در حق شان واقع شده است کسانی اند که شیاطین را به عنوان دوستان خود برگزیده اند و اوامر شیطان را اطاعت نموده اند.^۵

همین طور اگر آیات قرآنی که در این سیاق آمده است را دنبال نماییم اکثر آیاتی که در برگیرندهء معنای دوستی شیطان است در بارهء عبادت شیطان بحث نموده است. حالا سوالی که مطرح می شود آیا ولایت و عبادت به یک معنی است و یا اینکه ولایت جزء از عبادت می باشد و یا هم بر عکس آن؟ و یا اینکه هر دو معنی از هم دور اند؟

براستی عبادت و ولایت هر دو از یک چشمه آب می خورند، و هر کدام، دیگری را تفسیر و شرح می دهد. و این نکته را در آیه های که ذکر شد به خوبی دیده می شود. به گونهء که معنای ولایت، یاری و دوستی می باشد و یاری و دوستی با شخصی پیروی اوامر و نواهی او را در پی دارد. و هرگاه پیروی ایجاد شد بحث عبادت و طاعت به میان می آید.

^۱: فخر الدین الرازی، مفاتیح الغیب، جلد ۲۱، صفحه ۱۹۳.

^۲: اعراف (۳۰)

^۳: ابن عطیه، المحرر الوجیز، جلد ۲، صفحه ۳۲۹.

^۴: ابن جریر الطبری، جامع البیان، جلد ۸- صفحه ۲۰۳.

^۵: الزحلی، التفسیر المنیر، جلد ۸، صفحه ۱۷۶.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می فرماید : دوست خدا کسی است که به او تعالی ایمان بیاورد، از اوامر و دستوراتش در ظاهر و باطن پیروی کند، اگر کسی ادعای دوستی و محبت او را داشت اما پیرو واقعی نبود و مخالف اوامر الهی رفتار می کرد در واقع آن شخص دشمن خدا و دوست شیطان است^۱. خداوند فرموده است : { قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ ... }^۲

و اینگونه معنای ولاء شیطان را دانستیم که عبارت از پیروی و اتباع شیطان مخالف آنچه که خدا و رسول وی به ما دستور داده است.

اما مرز این رابطه با شناخت صفات شیطان متمایز می گردد، اگر این دوستی در دایره پیروی و اطاعت اوامر و نواهی شیطان در مخالفت با دستورات الهی بوده باشد فقط دوستی عادی محسوب می گردد ولی اگر این طاعت و پیروی پیوسته و متعدد بوده به خدمت و تسخیر اهداف شیطان بانجامد، و با ادامه دادن در مسیر طاعت و عبادت شیطان، صفات شیطانی را کسب نماید به گونه که سبب اغوا و گمراهی دیگران گردد اینجاست که وی از دایره پیروی شیطان بیرون شده و با چنین کردارها رفتارهای شیطانی که از خود سر می دهد به جای شیطان قرار گرفته و تمام تعریف شیطان با صفات و اهدافش بالای وی منطبق می گردد.

و بعد از این روشنایی در مورد دوستی شیطان و مرز این دوستی، می پردازیم به اصطلاح معروفی که در این اواخر در کشور های مسلمان نشین میان جوانان انتشار یافته است و سبب نهادینه سازی مفاهیم غلط در اذهان بسیاری مردم گردیده است. و این اصطلاح عبارت از " عبدة الشیطان - شیطان پرستان " می باشد که بعضی از جوانان گمراه، از شیطان نمادی ساخته اند که در برگزاری شعائر تعبدی خود به آن روی می آورند. و برای این شعائر اماکن مخصوصی را تهیه دیده اند که مجالس عبادت را به نام شیطان برپا می کنند.

عدهء فکر می کنند که فقط این گروه عبادت کننده گان شیطان اند و پرستش شیطان تنها به شعائر تعبدی که این گروه انجام می دهد خلاصه می شود و بس ، در حالیکه چنین نیست زیرا اگر ما به مفهوم قرآنی عبادت شیطان و ولایت او، بپردازیم متوجه می

^۱: ابن تیمیه، الفرق بین أولیاء الرحمن و أولیاء الشیطان صفحه ۳۳.

^۲: سورة آل عمران ، الآية ۳۱ .

شویم که اکثریت انسان های امروزی در دایره عبادت شیطان گیر افتاده اند و حتی بعضی ها خود شیطان گردیده اند. پس عبادت شیطان تنها مختص این گروه جوانان گمراه (شیطان پرستان) نمی شود.

هرچند در سالیان پسین این پدیده (شیطان پرستی) و مفاهیم غلطی از این قبیل، از سوی یهود انتشار یافته است و این کار جهت اغوای انسان ها و گردآوری شان در جمع خاصی به نام شیطان پرستان به دقت سازماندهی شده است، تا جای که گروهی تحت نام " برادران شیطان " که مقر شان در تل ابیب و ایلات می باشد در این اواخر در کشور های آلمان، فرانسه، چپان و جنوب افریقا ظهور کرده است. و شعار شان صلیب مقلوب و ستاره شش گانه می باشد، و یک شهروند یهودی امریکایی به نام " آنوان ساندرو لافی " کلیسای را به نام شیطان پرستان در سال ۱۹۶۶ م افتتاح کرد تا بتوانند مراسم شیطان پرستی خود را در آنجا برگزار نمایند^۱.

اسباب دوستی شیطان

۱- خداوند متعال از زبان شان در قرآن کریم می آورد: { وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَمَانًا الَّذِي أَعْلَمَتْ لَنَا... }^۲ ترجمه: و هواخواهان آنها از [نوع] انسان می گویند پروردگارا برخی از ما از برخی دیگر بهره برداری کرد و به پایانی که برای ما معین کردی رسیدیم.

ابن کثیر در تفسیر این آیه فرموده است: دوستان انسی شیطان در پاسخ به پروردگار چنین می گویند که سبب ورود ما به جهنم این است که بعض ما از بعض دیگر ما بهره برداری کردیم به گونه که شیطانی جنی امر کردند و شیاطین انسی فرمان برداری آنها را نمودند^۳.

۲- خداوند در سوره جن می فرماید { وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا }^۴ ترجمه: و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند.

^۱: مجلة البيان - عبدة للشيطان في مصر؟ مظاهر الخلل أسبابه و علاجه - صفوت وصفی - محرم ۱۴۱۸ هـ، ۱۹۹۷ م .

^۲: سورة الأنعام، الآية ۱۲۸ . صفحه ۱۱۹-۱۱۳ .

^۳: ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، جلد ۶، صفحه ۱۷۳ .

^۴: سورة الجن، الآية ۶ .

۳- { اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ } در اینجا ارباب به معنی اله و معبود که با حلال قرار دادن حرام ها و حرام قرار دادن حلال ها و پذیرفتن این احکام از سوی آنها به ساده گی در مقام ارباب قرار گرفتند ولو در ظاهر اسم ارباب بالای شان نبود.^۲

مطلب دوم : کثرت پیروان شیطان در دنیا و آخرت

آنچه که ما از دوستی شیطان و پرستش وی از سوی انسان ها بیان کردیم ، دوستی که جز ضلالت و گمراهی چیزی دیگری را در پی ندارد و پرستشی که مایهء حسرت و ندامت است چنانچه خداوند متعال می فرماید: { وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ }^۳ ترجمه : و بیشتر مردم هر چند آرزومند باشی ایمان آورنده نیستند. در آیهء دیگری { وَإِنْ نَطَعُ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لِيُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ... }^۴ ترجمه : و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر] زمین می باشند پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می کنند.

وجه استدلال آیات فوق : ، با تاسف آیات فوق بیانگر اینست که جمع زیادی که در این صف ایستاده اند و به عنوان پیرو و تابع از مخلصین دربار شیطان و از رهروان مسیر تاریک وی اند . و این حقیقت قرآنی را خداوند متعال به شکل عموم بیان کرده است و خداوند متعال این نکته را در شان کسانی که از طاعت وی خارج شده اند و فاسق نامیده می شوند بیشتر تایید می کند { وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ }^۵ ترجمه : و در حقیقت بسیاری از مردم نافرمانند.

با توجه به این واقعیت آشکار از پرتو آیات قرآنی که بعد از اینکه ابلیس از درگاه الهی رانده شد و از خداوند مهلت خواسته و به اغوا سازی انسان ها تهدید نمود، و با وعده های دروغین انسان ها را به دنبال خود کشاند، و سر انجام اینکه در روز محشر از همه پیروان خود تبرئه می جوید و ترک شان می نماید.

در این مورد با ذکر دو عنوان به تفصیل بیشتر می پردازیم .

^۱: آیه ۳۱ سوره توبه

^۲: أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبیب البصری البغدادی، الشهیر بالماوردی، تفسیر الماوردی = النکت والعیون، مکان نشر : دار الکتب العلمیة - بیروت / لبنان تحقیق : السید ابن عبد المقصود بن عبد الرحیم. جلد ۲ صفحه ۳۵۴

^۳: سورة یوسف، الآیة ۱۰۳ .

^۴: سورة الأنعام، الآیة ۱۱۶ .

^۵: سورة المائدة، الآیة ۴۹ .

الف : کثرت پیروان شیطان در دنیا

ب : کثرت پیروان شیطان در آخرت

الف : کثرت پیروان شیطان در دنیا

بعد از اینکه ابلیس نافرمانی الله متعال را نمود و به آدم علیه السلام سجده نکرد از در بار رحمت الهی رانده شد نه تنها از عمل زشت خود توبه نکرد بلکه به گمراه سازی بنده گان تهدید نموده و برای خداوند وعید بیراهه سازی اکثر بنده گانش را داد که از میان آنان تعداد خاصی را به بیراهه خواهد کشاند و تعداد کمی از آنان شاکر وی خواهند بود . الله متعال این نکته را یاد آور می شود : { لَعْنَةُ اللَّهِ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا }^۱ ترجمه : خدا لعنتش کند [وقتی که] گفت بی گمان از میان بندگانت نصیبی معین [برای خود] برخوردارم گرفت. مفروضا : به معنای معلوم ، محدد و تعیین شده . مقاتل بن حیان می فرماید : از هر هزار شخص نه صد و نود و نو تن به دوزخ و یکی آن رهسپار جنت خواهد شد^۲.

امام فخر الدین رازی در تفسیر این آیه می فرماید : شیطان لعنتی فرمود: من از میان بنده گان ات تعداد معین و معدودی را گمراه خواهم ساخت این ها کسانی اند که به گام های شیطان قدم گذاشته و به وسوسه های او فریفته شده اند^۳.

این نکته را خداوند متعال در سوره اعراف از زبان ابلیس بیشتر توضیح داده است { ثُمَّ لَأَنبِئَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ }^۴ ترجمه : آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.

وبعد از نزول آدم و حوا از جنت به زمین ، و پیروان شیطان و لشکریانش در گمراهی و ضلالت در هر مکان، اینجاست که پیشگویی های ابلیس تحقق می یابد ، خداوند متعال خبر می دهد ظن ابلیس بالای انسان ها به راستی گراییده به جز تعداد اندک همه پیرو

^۱: سورة النساء، الآية ۱۱۸.

^۲: ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، جلد ۴ صفحه ۲۷۷.

^۳: الرازی، التفسیر الکبیر، جلد ۱۱، صفحه ۳۸.

^۴: سورة الأعراف، الآية ۱۷.

شیطان گردیده اند. { وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ }^۱
ترجمه: و قطعاً شیطان گمان خود را در مورد آنها راست یافت و جز گروهی از
مؤمنان [بقیه] از او پیروی کردند.

هر چند بعضی از مفسرین مانند امام طبری بر این باورند که ضمیر جمع در " علیهم " راجع به قوم سبأ است اما اکثر مفسرین می‌فرمایند که این مورد عام است و همه بنی آدم و جن و انس را شامل می‌شود، هرچند که در سیاق داستان قوم سبأ آمده است. و منظور از (فَاتَّبَعُوهُ) اتباع کفر می‌باشد زیرا در سیاق داستان کفار بیان گردیده است.

ابن عباس رضی الله عنهما در تفسیر خود^(۲) ذکر نموده که دلالت این آیه عام است، آنجا که می‌فرماید: ابلیس گفت آدم از خاک و گل ناچیز آفریده شده است که ضعیف می‌باشد و من از آتش قوی آفریده شده‌ام که از قدرت و توانایی سوختاندن برخوردار می‌باشم و من ذریه آدم را به بیراهه خواهم کشانم و اکثریت گمان ابلیس را راست ساختند یعنی همان شد که ابلیس حدس میزد مگر گروه اندک از مومنان. و ابن عباس فرمود: اینها همه مومنان اند.^۳

و دلایل نقلی و عقلی بر کثرت و زیادی پیروان شیطان اشاره دارد. دلیل نقلی اش اینکه خداوند در قرآن فرمود همه بنده گان را شیطان گمراه می‌سازد مگر تعداد اندکی را، و دلیل عقلی اش اینکه همیشه در ادوار تاریخ تعداد فاسقین و کفار در مقایسه با مسلمانان زیاد بوده اند و همیشه اقلیت در حزب شیطان اند.^۴

و بنا بر قول مفسرین، اینکه ابلیس با اعتماد کامل دم از گمراه سازی انسان ها می‌سازد دلالت بر شناخت وی از بنی آدم و خواص انسان ها می‌نماید و در نتیجه انسان ها با فریفته شدن به اغوای شیطانی مصداق گمان وی گردیدند.

^۱: سورة سبأ، آیه ۲۰.

^۲: عبد الله بن عباس - رضی الله عنهما - تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، چاپ اول، مکان نشر: دار الکتب العلمیة - لبنان، جمع و تحقیق: مجد الدین أبو طاهر محمد بن یعقوب الفیروزآبادی.

^۳: السیوطی، الدر المنثور، جلد ۲۲ - صفحه ۶۹۵.

^۴: الرازی، التفسیر الکبیر، جلد ۱۱، صفحه ۳۸.

ب : کثرت پیروان شیطان در آخرت

هرگاه وضعیت در دنیا چنین باشد که اکثر انسان ها فریب وسوسه های شیطانی را بخورند و در صف شیطان قرار گرفته از جاده رحمان بیرون روند ، نتیجه پس از فرجام این دنیا در آخرت به کثرت تعداد کافران و قلت تعداد مسلمانان می انجامد. تا جای که پیامبرانی با یک و یا دو پیرو در میدان حشر حاضر خواهند شد اما شیاطین از کثرت پیروان گریزان و در فرار اند.

خداوند متعال این حقیقت تلخ را در چندین آیه قران کریم بیان فرموده است : { وَلَقَدْ دَرَأْنَا لِحَظْمِكُمْ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنَّ وَالنَّاسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ } ترجمه : و در حقیقت بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده ایم [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی شنوند آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند [آری] آنها همان غافل‌ماندگانند^۱.

این آیت در کثرت پیروان شیطان صراحت دارد و به وضاحت کامل پیروان انسی و جنی و عاقبت شان را در جهنم ثابت می سازد .

و در بیان این خاتمه خداوند می فرماید : { وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ } ترجمه : و اگر می خواستیم حتما به هر کسی [از روی جبر] هدایتش را می دادیم لیکن سخن من محقق گردیده که هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکند^۲. و مفسرین در معنای (وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي) می فرمایند : از جانب من عذاب برای شان لازمی شد. (لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ) یعنی دوزخ را از اهل معاصی و کافران بالله پر خواهم ساخت^۳.

وجه استدلال آیات فوق اینست که خداوند متعال پشیمانی پیروان شیطان را در روز محشر بی فایده می خواند از اینکه ابلیس فریب شان داده است و اینان با پیروی نمودن از گام های شیطان مصداق گمان های وی قرار گرفته اند. { وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا

^۱: سورة الأعراف - الآية ۱۷۹ .

^۲: سورة السجدة - الآية ۱۳ .

^۳: الطبری، جامع البیان ، جلد ۲۱ صفحه ۱۱۹ .

مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدْ اسْتَكْتَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ ...} ترجمه : و [یاد کن] روزی را که همه آنان را گرد می آورد [و می فرماید] ای گروه جنیان از آدمیان [پیروان] فراوان یافتید^۱.
ابن عباس می فرماید : يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدْ اسْتَكْتَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ یعنی ای گروه جنیات شما تعداد زیادی از انسان ها را گمراه ساختید . و این قول مجاهد و حسن و قتاده نیز است^۲. و این نوعی سرزنش و نکوهش به حساب می آید.

و بعد از آن خداوند متعال با سرزنش بیشتر پیروان شیطان و نکوهش شان با یاد آوری عقل و خردی که خداوند برای شان در دنیا عطا فرموده ولی اینان از خرد و عقل شان استفاده نکرده بلکه روزگار تیره و تاریک را به پیش گرفته اند، چنین می فرماید : وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَاً كَثِيراً أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ^۳ ترجمه : و [او] گروهی انبوه از میان شما را سخت گمراه کرد آیا تعقل نمی کردید. صاحب تفسیر منیر امام زحیلی در تفسیر این آیه می فرماید: شیطان مردمان زیادی را اغوا نموده و به بیراهه کشانده است و بدی ها را برای شان خوبی ها جلوه داده است و از توحید و پرستش الهی باز داشته است ، آیا از دشمنی شیطان پند نمی گیرید و راه بی راهه گذشته گان را رها نمی کنید تا اینکه مانند آنها عذاب نشوید^۴.

مطلب سوم : صفات دوستان شیطان

برای اینکه توازن در بحث رعایت شده باشد ، مناسب دانستیم تا در پایان به ذکر صفات دوستان شیطان بپردازیم :

این کسانی که دوستی شیطان را برگزیده اند و در مسیر رفاقت با شیطان گام برداشته اند ، واضح است که رنگ و بوی شیطانی را به خود اختیار نموده و صفات مختلفی را در همکاری با شیطان کسب کرده اند. شیطان نیز برای اینکه توانسته باشد انسان ها را بیشتر اغوا نماید و فریفته و وعده های دروغین خود سازد در ساز و برگ دادن این صفات به پیروان خود نهایت تلاش می ورزد .

^۱: سورة الأنعام - الآية ۱۲۸ .

^۲: ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم ، جلد ۶- صفحه ۱۷۳ .

^۳: سورة یس - الآية ۶۲ .

^۴: الزحیلی ، التفسیر المنیر ، جلد ۲۳ صفحه ۲۷ .

در این بخش مهم ترین صفات دوستان شیطان را که قرآن کریم ذکر نموده است یاد آور می شویم :

الف: جدال در برابر حق

باطل در نبرد بر ضد حق نیازمند مددگاران و همکاران است که با اهل حق رو در رو ، با مکائد و دسیسه ها، گاهی باطل را زینت داده و گاهی از حق متنفّر شان می سازد. و اهل باطل در این مسیر به همکاری و تایید شیاطین نیاز دارد و در طول تاریخ شیاطین ، اهل باطل را در برابر اهل حق آماده نبرد ساخته اند. و تلاش شان بر این بوده است که در برابر اهل حق بیاستند و با طعن واردن نمودن به ساحات مقدس شعائر دینی با اهل حق رویارویی نمایند و همچنان سعی شان بر این بوده است که مفاهیم ارزشی این دین حنیف را برای مردم وارونه جلوه دهند. به تمام این خصومت ها " جدال با باطل " و یا دشمنی و ستیزه اهل باطل در برابر اهل حق گفته می شود. خداوند متعال می فرماید: { وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ يَغَيِّرُ عِلْمًا وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ } ترجمه : و برخی از مردم در باره خدا بدون هیچ علمی مجادله می کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می نمایند ^۱.

خداوند متعال از باب مذمت در مورد کسی که شیطان را در جدل علیه حق که انکار از معاد و تکذیب قدرت خداوند در زنده گردانیدن بعد از مرگ ، یاری می رساند و از آنچه به پیامبران خویش فرو فرستاده اعراض می نماید از زمره شیاطین انسی و جنی اند که مورد این خطاب پروردگار قرار گرفتند ^۲ : وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ يَغَيِّرُ عِلْمًا وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ترجمه : و برخی از مردم در باره خدا بدون هیچ علمی مجادله می کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می نمایند

^۱: سورة الحج - الآية ۳.
^۲: تفسیر ابن کثیر ج ۲ ص ۳۳۲.

از جمله مردمان طایفه یا گروهی اند که راه گمراهی را درپیش گرفته اند و بخاطر احقاق باطل در برابر حق مجادله می کنند این کسان از جمله یاران شیطان اند که از امر الله و رسولش سرکشی نموده و از سران دعوت کننده بسوی آتش جهنم اند.^۱

در تفسیر بغوی آمده است که این آیت در مورد نضر بن حارث که خیلی جدل می کرد ، ملایک را دختران خدا ، قرآن را اساطیر گذشته می گفت ، از روز معاد انکار نموده و از شیطان متابعت می کرد، نازل شده است.^۲

خداوند متعال می فرماید : که جدال اهل باطل بر ضد اهل حق ، برخاسته از وحی شیطان به پیروانش و وسواس وی به آنها می باشد، خداوند می فرماید: {وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لِيُوحُونََ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ} ترجمه : و در خفا شیطانها به دوستان خود وسوسه می کنند تا با شما ستیزه نمایند.^۳ یعنی شیاطین انسی و جنی به اعوان و یاران خود وسوسه می کنند تا با محمد و یارانش سرستیزه بردارند و به مجادله پردازند.^۴

و خداوند متعال از عواقب اطاعت این گروه هشدار داده است (وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ) ° ترجمه : و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرکید. و این هشدار بزرگی است به کسانی که از اهل باطل در ستیزه جویی شان اطاعت می کنند.

دین ما از کثرت جدل و گفتگوهای بیهوده اگر چند که به صواب بیانجامد، ما را دور و ا داشته است برای اینکه فرو رفتن در بحث های جدال آمیز و اغراق در این مسایل باعث جنجال و تنازع و برانگیختن شکوک می گردد. ولکن این صفت مختص به صفات دوستان شیطان می باشد.

رسول گرامی اسلام(صلی الله علیه سلم) می فرماید : " المرء فی القرآن کفر " ° شک و جدال در مورد قرآن کریم کفر است. این نکته نشاندهنده نفرت بزرگ در شأن کسانی است که در مورد دین خدا و نشانه های قدرت او ستیزه و جدال دارند. از سوی دیگر کسی که جدال و ستیزه را رها کند پیامبر گرامی (صلی الله علیه سلم) وی را به

^۱-تفسیر السعدی ج ۳ ص ۲۳۵

^۲- تفسیر بغوی ج ۳ ص ۱۳۱

^۳: سورة الأنعام - الآية ۱۲۱ .

^۴: الطبری ، جامع البیان ، م ، ۱۰ ، ج ۱۷ ص ۱۴۹ .

^۵: سورة الأنعام - الآية ۱۲۱ .

^۶: سنن أبی داوود - کتاب السنة - صفحه ۱۵۶۱ حدیث شماره ۴۶۰۳ . مجمع الزوائد جلد ۷ صفحه ۱۵۱ وقال الهیثمی: رواه أحمد ورجاله رجال الصحیح.

بهشت الهی بشارت می دهد. از اَبی اَمامة رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند^۱: انا زعيم ببیت فی ربض الجنة لمن ترك المراء وإن كان محققاً، کسی که جدال و ستیزه را ترک نماید (ولو حق با او باشد) من برای او در بهشت قصر زیبایی را کفیل هستم که خداوند نصیب اش می فرماید. اینگونه احادیث نبوی در فضیلت ترک جدال و ستیزه بی شمار روایت شده است.

ب: فریفته شدن به باطل

این یکی از صفات مهم دیگر پیروان و دوستان شیطان است که وی در میان دوستان خود می افکند تا باشد آنها را اغوا نموده و فریفته باطل در برابر اهل حق بسازد، شیطان برای مبارزه با اهل حق، به پیروان فریب خور و دوستان نادان که از خیر و حقانیت خیلی به دور بوده باشند؛ نیاز دارد، و برای اینکه توانسته باشد تا افراد زیادی را در این مسیر با خود داشته باشد پیروان و دوستان خود را فریفته باطل می سازد که آنها نمی توانند حق را ببینند و ارزش های حقانی را درک کنند. و شیطان برای فریفتن بیشتر دوستان خود از دریچه که نقطه ضعف شان به شمار می رود، وارد می شود که آن نقطه ضعف عبارت از شهرت پرستی و خودنمایی است. شیطان پیروان خود را با وسوسه نمودن و اغوا سازی هرچه بیشتر قوی و برحق نشان می دهد و با شهرت و خودنمایی و اداریت شان می سازد تا در برابر اهل حق و مومنان با کبر و غرور بیاستند، و اینگونه دوستان خود را فریفته باطل می سازند ازینجاست که خداوند متعال در قرآن کریم شیطان را غرور خطاب نموده است { فَلَا تُغْرَبْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يُغْرَبْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ }^۲ قرائت عامه در این سوره و سوره حدید بفتح غین کلمه الغرور می باشد که به معنای شیطان است به قول مجاهد و دیگر مفسرین سلف، زیرا شیطان مردم را فریب می دهد و در دنیا سرگردان و در آخرت زیان کار شان می گرداند^۳.

^۱: سنن ابی داوود - کتاب الأدب - صفحه ۱۵۶۷ حدیث شماره ۴۸۰۰.

^۲: سوره لقمان، الآية ۳۳.

^۳: الطبری، جامع البیان، م ۸، جلد ۱۲ صفحه ۷۲.

این آیه هر چند در ظاهر دلیل فریفته شدن به دنیا است اما زمانی که دنیاگرایی انسان را از آخرت و یاد خدا باز دارد در حقیقت فریفته شدن به باطل است .

امام طبری این معنی را بیان داشته است: ای مؤمنان، به تحقیق کسی که برای شما گفته است: مردم به ضد شما جمع شده اند، و از حمله احتمالی دشمن شما را می ترساند این تهدیدات های واهی از سوی شیطان به زبان بعضی ها القا می شود و شیطان توسط دوستان خود را بیم زده می سازد، ابی سفیان و همراهانش از قریش، تا شما بترسید و مسیرتان را تغییر بدهید. و دیگران در معنی این آیه گفته اند: شیطان کارکرد مشرکان را در چشم شما منافقان بزرگنمایی می کند تا از ایشان بترسید^۱.

و بر همین سیاق اکثر مفسرین معنی کرده اند مانند زجاج^۲، ابوعلی فارسی^۳ و دیگران؛ و تکمیل آیه این معنی را تایید می کند (فلاتخافوهم) از دوستان شیطان که با آنها شما را می ترساند، نترسید و (خافون) از من بترسید در نافرمانی اوامر من^۴.
و فشرده معنی این آیه چنین است که شیطان تصویر دوستان خود را در دیدگاه مسلمانان بزرگنمایی می کند و جهت ترسانیدن مومنان استفاده می کند.

ج: ترس از شیطان

در برابر فریفته شدن به باطل، و در نتیجه مسخر ساختن شیطان پیروان خود را در راستای مبارزه با حق، این دوستان در برابر پیشوای خود نهایت ضعیف می گردد، شیطان در میان شان تن پروری را گسترش داده و کبر و غرور را نهادینه ساخته است. پیروان شیطان با غرق شدن در توانایی ناچیز و کبر ضعیف خود سر تا پا مطیع شیطان گردیده اند.

^۱: الطبری، جامع البیان، ج ۴ ص ۲۲۹.

^۲: ابواسحاق زجاج (۸۵۷-۹۲۳) (ابواسحاق ابراهیم بن سری بن سهل) نحوی و شاعر عربی بود- تاریخ الأدب العربی. سوم. بیروت: دار العلم للملایین - از فروخ، عمر (۱۹۸۴م) .. ص ۳۹۱.

^۳: ابوعلی حسن بن احمد بن عبدالغفار بن محمد بن سلیمان بن آبان نحوی فارسی که به اختصار این درستویه خوانده می شود، از علمای بزرگ نحو و از معاصرین و مصاحبین عضدالدوله دیلمی بود. ابوعلی به سال ۲۸۸ هجری قمری در فسا به دنیا آمد و پس از تحصیل مقدمات در فسا و شیراز در سن نوزده سالگی یعنی سال ۳۰۷ هجری قمری به بغداد رفته و از محضر استادانی چون ابن السراج زجاج و میرمان بهرمنند می شود تا اینکه خود در علوم ادبی، خاصه نحو سر آمد اقران شد. او کتاب ایضاح و تکمله را که هر دو در علم نحوسبت به نام عضدالدوله دیلمی نوشت و به وی اهدا کرد. صاحب نامه دانشوران به او ۱۹ کتاب را نسبت داده است و وفات او را در سال ۳۷۷ هجری قمری به سن نود و اندی در بغداد دانسته است. بررسی زندگانی و آرای صرفی و نحوی ابوعلی فارسی- دانشگاه تهران. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. گروه زبان و ادبیات عرب. زبان و ادبیات عرب- پایان نامه مقطع دکتورا - تاریخ دفاع - ۲۴/۱۰/۱۳۸۷

^۴: الألوسی، روح المعانی، جلد ۳ صفحه ۲۰۲-۲۰۳.

تسلط شیطان بر دوستان و پیروانش از فراورده های دست های خودشان است ازین جهت پایان آیه به جمله (والذین هم به مشرکون) شده است. و امام قرطبی در این ذیل می فرماید : این لیس له سلطان یعنی شیطان تسلط گمراهی و اغوا و به کفر در آوردن را ندارد و نمی تواند انسان را وادار به گناهان نابخشودنی بسازد زیرا خداوند متعال زمانی که فرمود : إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ^۱. بدین معنی که تسلط شیطان فقط بالای کسانی است که دنبال وی می روند و به ندهای وسواس گونه اش پاسخ مثبت می دهند^۲.

الله متعال می فرماید :

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ^۳

ترجمه : جز این نیست که آن (کس که از دشمن می ترسند) شیطان است که دوستان خود را (با شایعات) می ترساند ، پس از آنها مترسید و از من بترسید اگر مؤمنید. وجه استدلال: بین آیه یکی از آیاتی است که کلمه شیطان را درباره انسان به کار می برد یعنی کسانی که ما را از راه حق و خداوند باز می ترسانند شیطان هستند. بعضی افراد در زندگی ما دست نشانده اند. دست نشانده شیطان؛ آنها قرار است بیایند و درست در زمان یا زمان هایی که قرار است گامی مهم به سوی خداوند برداریم آنقدر در ما ترس ایجاد کنند که کلا راه را فراموش کنیم.

دست نشانده ها را مراقب باشید فکر نکنید کسی می آید که شاخ و سم دارد! کسی می آید کنار شما. درست شبیه خود شما. در شما نفوذ می کند آنقدر که از خودتان بیشتر باورش می کنید و در زمان لازم شما را از خدا دور می کند و آنقدر سنجیده عمل می کند که خودتان هم باورتان نمی شود.

این ها هم انسان هستند.. انسانی در لباس شیطان.. انسانی با فکر شیطان.. با کلمات شیطان... پس مراقب باشیم. اهل ایمان از شیطان و نجوای شیطانی نمی ترسند. آنها فقط از خداوند خویش می ترسند و حلالش را حرام و حرامش را حلال نمی کنند.

^۱: سورة الحجر – الآية ۴۲ .

^۲: الزحلی، التفسیر المنیر ، جلد ۱۴، صفحه ۲۳۳.

^۳: سورة آل عمران آیه ۱۷۵

اگر ایمانی راسخ داشته باشید همه نیروها و همه دست نشانده ها را می شناسیم...خیلی
پیش تر از آنکه آنها برای ما نقشه ای بکشند.^۱

^۱: الزحیلی، التفسیر المنیر ، جلد ۱۲، صفحه ۲۳۲.

فصل سوم

اهداف شیطان

مبحث اول : تهدید های ظاهری

مطلب اول : کفر و ناسپاسی

مطلب دوم : براندازی

مطلب سوم : ترویج فحشاء

مبحث دوم : ابعاد تهدید پنهان شیطان

مطلب اول اول : موعظه های تهدید شیطان در ابعاد نظری و عملی

الف : هوا پرستی

ب: کشانیدن مردم به کفر

ج : منحرف ساختن از راه الله

د: دور ساختن از بهشت

ه: سخن بالای الله بدون علم

و: استسقام بالازلام

ز: بازداشتن از ذکر الله

ح: قتل ناحق

ط : گریز از میدان جنگ

ی: حرام خوری

ک : تبذیر و اسراف

مبحث سوم

متلاشی کردن جامعه

الف : حيله و مکر و انداختن دشمنی بین مردم

ب: شراب نوشی

ج : قمار بازی

د : کشف عورات

ه: زناء و جرایم اخلاقی

و: استهزاء مومنین

اهداف شیطان

مبحث اول

تهدید های ظاهری

مطلب اول : کفر و ناسپاسی

از جمله اهداف شیطان تلاش برای ممانعت از سپاس‌گزاری انسان از نعمت‌های الهی است. شیطان در مقابل پروردگار ابراز می‌کند که بندگان تو را به گونه‌ای گمراه می‌کنم که بیشتر آنان شکرگزاری نخواهند کرد: (لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ)^۱ در آیه دیگر می‌فرماید: (وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ)^۲ این عبارت مطابق وعده شیطان است.

در باب اینکه شیطان از کجا دانست که اکثر انسان‌ها ناسپاس خواهند شد، دو وجه قابل بیان است. یکی اینکه او چنین چیزی را حدس زد و این گمانه‌زنی درست از آب درآمده است. وجه دیگر این است که نفس قوای زیادی دارد که تنها یکی از این قوا، یعنی قوه عقلی، نفس را به عبادت و اطاعت خداوند فرامی‌خواند و بقیه این قوای نوزده‌گانه، گرایش به لذات جسمانی و شهوانی دارند، به‌ویژه که این قوا در ابتدای خلقت، کامل‌تر از قوه عقل و دارای استیلائی بیشتری هستند. اما عقل در ابتدای خلقت در نهایت ضعف قرار دارد.^۳ پس قوایی که انسان را از عبادت دور می‌کنند، هم از نظر قدرت در ابتدای خلقت قوی‌ترند و هم از نظر تعداد بیشتر هستند. بدیهی است که شیطان با علم به این ویژگی‌هاست که چنین ادعایی می‌کند. در هر صورت، به خاطر غفلت از نعمت‌های الهی است که مرتکب ناسپاسی می‌شوند.

شیطان همچنین در مقابل مهم‌ترین اصول اعتقادی انسان قرار می‌گیرد و با گستاخی انسان را دعوت به کفر می‌کند و بعد هم بیزاری می‌جوید: (كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكَ^۴).

مطلب دوم : براندازی (نابودی)

هدف دیگر شیطان گمراهی و نابودی نسل آدم است: (لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا)^۵ «حنک» دو معنا دارد: یکی عبارت از دریافت کامل است و دیگری به معنای طنابی است که به گردن حیوان انداخته و او را می‌کشند. در معنای اول، شیطان می‌گوید آنها را با اغوا ریشه‌کن می‌کنم و در معنای دوم، یعنی آنها را به سمت گناه سوق می‌دهم معنای دوم نیز نتیجه‌اش نابودی است.^۶

مطلب سوم : ترویج فحشا و منکرات

(لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ)^۷ دشمنی آشکار شیطان این است که شما را به فساد، فحشا و ترویج آن دستور می‌دهد که البته به حد اجبار

^۱ سوره الأعراف آیه ۱۷.

^۲ سوره سبأ آیه ۱۳.

^۳ تفسیر رازی، جلد ۱۴ صفحه ۲۱۶

^۴ سوره الحشر آیه ۱۶

^۵ سوره الإسراء آیه ۶۲

^۶ تفسیر رازی، جلد ۲۱ صفحه ۳۶۷

^۷ سوره النور آیه ۲۱ و سوره البقره آیه ۱۶۸

نمی‌رسد. از مصادیق این فساد، همان خوردن مال حرام و فساد مالی به شکل‌های مختلف آن مانند رباخواری، کم‌فروشی دزدی و سرقت اموال، خوردن مال یتیمان، انواع اختلاس‌های پیچیده و رانت‌خواری است. فساد در مسائل اخلاقی و جنسی که به دلیل قدرت غالب آن، ابزار خوبی برای بروز دشمنی شیطان خواهد بود که متأسفانه نشانه‌های آن را از جمله بدحجابی و بی‌حجابی، روابط نامشروع جنسی و مانند آن در جوامع مختلف می‌بینیم.

مبحث دوم

ابعاد تهدید پنهان شیطان

تهدید پنهان و نرم شیطان در دو بُعد اساسی نظری و عملی صورت می‌گیرد. در بُعد نظری، شیطان در پی زایل‌سازی اعتقادات و باورهای انسان است تا پایبندی او به خداوند را سست کند و راه را برای عملیات گمراه‌سازی بعدی هموار سازد. بنیان و زیرساخت، ایمان هر انسان مؤمن، عبارت است از عقاید و بینشی که او نسبت به عالم هستی، مبداء و مقصد آن دارد. اگر این باورها به سستی گرایش پیدا کند، نوبت به تردید، نافرمانی و معاصی می‌رسد. به همین دلیل است که شیطان ابتدا همین نقطه را هدف قرار می‌دهد.

اما در بعد عملی، شیطان با سست کردن معتقدات، راحت‌تر انسان را به مقصود شیطانی خودش دعوت می‌کند. انسانی که ایمان او ضعیف شده است، به آسانی به دام او می‌افتد و مطابق دستورهایش عمل می‌کند. به خداوند شرک می‌ورزد و از بندگان ضعیف و مانند خود درخواست کمک می‌نماید، مال‌اندوزی و دنیاگروری پیشه می‌کند و تحت تأثیر وسوسه‌های شیطان قرار گرفته است و به انواع گناهان آلوده می‌شود. خشم و شهوت چشم بصیرت او را کور می‌سازد و در نهایت، زیانکار در دنیا و آخرت می‌گردد.

مطلب اول: مؤلفه‌های تهدید شیطان در ابعاد نظری و عملی

در بُعد نظری می‌توان به دو مؤلفه شرک و کفر یا ناسپاسی، و در بُعد عملی به تکبر، خودپسندی و حسادت اشاره کرد که این مؤلفه‌ها از متن مقدس قرآن به دست می‌آید. در بُعد نظری و مؤلفه شرک، پذیرش سلطه شیطان از شاخص‌های بارز به شمار می‌رود: (إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ) سلطنت شیطان منحصر در کسانی است که او را ولی خود می‌گیرند تا او به دلخواه خود امور ایشان را تدبیر کند و نیز در کسانی است که به خدا شرک می‌ورزند و به جای خدا، شیطان را ولی خود می‌گیرند. در اینجا مراد از شرک، شرک در اطاعت است.

الف: هواپرستی

یکی دیگر از شاخص‌های بُعد نظری با مؤلفه شرک، هواپرستی است: (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ)^۱. شخص هواپرست می‌داند خدایی دارد که باید او را بپرستد، لیکن به جای خدای سبحان، هوای خود را می‌پرستد. مؤثرترین راه نفوذ شیطان هوای پرستی است، چراکه تا پایگاهی در درون انسان وجود نداشته باشد، شیطان قدرت بر وسوسه‌گری ندارد و پایگاه شیطان چیزی جز هواپرستی نیست. هواپرستی انسان را تا مرحله مبارزه با خدا پیش می‌برد، همان‌گونه که شیطان به چنین سرنوشت شومی گرفتار شد، و امر به سجده بر آدم را غیرحکیمانه پنداشت! گاهی یک لحظه هواپرستی محصول تمام عمر انسان و حسنات اعمال صالح او را بر باد می‌دهد.

^۱ سوره النحل آیه ۱۰۰

^۲ سوره الجاثیه آیه ۲۳

برخی انسان‌ها خود و مصلحت خویش را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌دهند تا جایی که عباداتی از قبیل نماز، روزه و مانند آن را تا زمانی که مزاحم خواسته‌هایش نباشد، انجام می‌دهد. چنین کسی هوای خود را معبود حقیقی خود قرار داده است و بقیة امور را نه هدف، بلکه وسیله قرار داده است. این عمل به جای عبادت، عادت است و بدین دلیل هوی گفته شده است که فرد را به سوی آتش متمایل می‌سازد.

ب: کشانیدن مردم به کفر

الله متعال می‌فرماید: { قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لِنُؤْحَرَّتْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَحْتَبِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا }^۱ ترجمه: شیطان گفت: به من بگو که آیا این همان کسی است که او را بر من ترجیح و گرامی داشته‌ای؟! (جای تعجب است). اگر مرا تا روز قیامت زنده بداری، فرزندان او را همگی جز اندکی (با گمراهی) نابود می‌گردانم (و لگام و سوسه را به دهانشان می‌زنم و به جاده خطا و گناهشان می‌کشانم).

وجه استدلال: شیطان به الله متعال می‌گوید: بین کسانی را که نسبت به من عزت و شرف دادی تمام آنها را گمراه می‌سازم مگر تعداد اندکی را ایشانرا را در شامل حزب خود می‌سازم که حزب کافرین می‌باشد. شیطان هدف اصلی خود را مشخص کرد که گمراهی و کفر همه انسان‌ها است.

هم چنان شیطان به عزت خودند سوگند یاد می‌کند و می‌گوید که انسان را می‌فرییم:

قَالَ فَيَعِزَّتِكَ لِأَغْوَيْنَهُمْ أَجْمَعِينَ^۲

شیطان درینجا از هدف خود خبر می‌دهد که اجمعین یعنی تمام انسان‌ها را فریب می‌دهد. از فریب شیطان هیچ کس باقی نخواهد ماند مگر کسانی که بالای آنها سلطنت ندارد و او را اطاعت نمی‌کنند شیطان برای رسیدن به هدف خود در مقابل چنین کسان عجز است. برای تحقق اهداف شیاطین تمام شیاطین انسی و جنی با استمداد یکدیگر عمل می‌کنند.^۳

^۱: سوره الاسرا، الایه ۶۲

^۲: سوره ص آیه ۸۲

^۳: فی الظلال القرآن - للسید قطب - ج ۵ - ص ۳۰۲۸

این شیاطین در خارج ساختن انسان از نور و افگندن او به سایه های ظلمت هیچ فرصتی را از دست نمی دهند الله متعال می فرماید : { ... وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ... }^۱

ترجمه:

(اما) کسانی که کفر ورزیده اند، طاغوت (شیاطین و داعیان شرّ و ضلال) متولی و سرپرست ایشانند. آنان را از نور (ایمان و فطرت پاک) بیرون آورده به سوی تاریکی های (زمخت کفر و فساد) می کشانند. اینان اهل آتشند و در آنجا جاویدانه می مانند. برای خداوند از ازل معلوم است که طواغیت همراه اولیای خویش و دیگر گمراهان بواسطه وسواس ، اغواء ، و سایر طرق انسان را از نور کسیده و به راه ظلمت می افگند.^۲ الله متعال از شدت شرک که درب شیطان است و هدف اصلی او می باشد درین دو آیت خبر می دهد :

{ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا * إِنَّ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاتًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا }^۳

ترجمه:

بی گمان خداوند شرک ورزیدن به خود را (از کسی) نمی آمرزد و بلکه پائین تر از آن را از هرکس که بخواهد (و صلاح بداند) می بخشد. هر که برای خدا انباز بگیرد، به راستی بسی گمراه گشته است (و خیلی از حق پرت شده است).

غیر از خدا هرکه و هرچه او را بپرستند و به فریاد خوانند جز بت های ناتوان و اشیاء ضعیفی نیست که بر آنها نام ماده گذارده اند، و جز اهریمنی نیست که بسی متمرّد و نافرمان است. و شرک که بخشیده نمی شود گمراهی بسا بزرگی است و این گمراهی عبارت از بت ها و ملائکه می باشد. و این عبارت را تنها اتباع شیطان انجام می دهد. این شیطان مشرکین را به عبادت غیر از الله به عبادت بت ها دعوت می کند اینها عبادت نمی کنند آن بت ها را چون اینها بت ها ظاهرا بت اما در حقیقت همان شیطان های است که این ها را به این هلاکت کشانده است.^۱

^۱: سوره البقره ، الایه ۲۵۷

^۲: ارشاد العقل السليم - لابی السعود - ج ۱ - ص ۲۵۰

^۳: سوره النساء ، الایتان ۱۱۶ ، ۱۱۷

در قرآن کریم آیات زیادی در باره اینکه که شیطان دشمنان خود را چگونه فریب می دهد و گمراه می کند وجود دارد.

النساء ، الآية ۶۰ ، الأنعام ، الآية ۷۱ ، النحل ، الآية ۹۹ ، الحج ، الآية ۵۳ ، القصص ، الآية ۱۵ ، الحشر ، الآية ۱۶

ج: منحرف ساختن از راه الله

شیطان درین مرحله از جنگ خود به درجه اعلی تر از قبل میرسد که در انداختن انسان در کفر اعلی می باشد و آن منصرف کردن از راه الله است و اعلان جنگ با دین و راه راست است که ابلیس در اسمان اعلی بر همین منهج و روش هجوم بالای خود می باشد.

تمرد خود را شیطان با گفتن این کلمات به الله متعال توثیق می کند که در قرآن آمده :

{ قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَفْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ }^۲

ترجمه: (شیطان) گفت: بدان سبب که مرا گمراه داشتی، من بر سر راه مستقیم تو در کمین آنان می نشینم (و با هرگونه وسائل ممکن در گمراهی ایشان می کوشم).

شیطان می گوید طوریکه گمراه شدم و هلاک شدم به همین شکل تمام بندگان تو را هلاک می نمایم بخاطریکه من این آدم را سجده نکردم مرا از درگاهت راندی . تمام اولاده او را از راه راست گمراه خواهیم نمود . در راه هرکدام نشسته تا آنها را از راه راست منحرف کنم.^۳ ابن عباس می گوید: کما اغوینی به معنی کما اضللتی است دیگران می گویند که به معنی اهلکتی است.

شیطان می گوید در راه بنده های را که ازین شخصی که به سبب آن مرا گمراه و هلاک نمودی می نشینم و همه آنها را از راه راست منحرف می سازم که تو تو را نه به وحدانیت بشناسند و نه عبادتت کنند به سبب اینکه مرا گمراه ساختی .^۴

مجاهد می گوید :معنی صراطک المستقیم – راه حق است. هم چنان احمد در مسند اش از سیره بن ابی فاکه^۵ روایت نموده که که می گفت :بشنیدم رسو الله فرمود : إن الشيطان قعد لابن آدم

^۱: تیسیر الکریم الرحمن – للسعدی – ص ۱۹۳

^۲: سورة الاعراف – الآية ۱۶

^۳: تفسیر القرآن العظیم – لابن کثیر – ج ۶ ص ۲۶۷

^۴: تفسیر القرآن العظیم – لابن کثیر – ج ۶ ص ۲۶۷

^۵: سیره بن الفاکه ، ویرایش بن ابی الفاکه نیز گفته اند همراه رسول الله صلی الله علیه وسلم صحبت نموده ، به بغداد آمده ، از رسول الله – صلی الله علیه وسلم – تنها یک حدیث از او روایت شده است – تهذیب التهذیب – لابن حجر العسقلانی ج ۳ – ص ۴۵۳ – ترجمة ۷۴۶ .

بأطرقه فقعد له بطريق الإسلام ، فقال تسلم وتذر دينك ودين آبائك وآباء أبيك ، فعصاه فأسلم ، ثم قعد له بطريق الهجرة فقال تهاجر وتدع أرضك وسمائك ، وإنما مثل المهاجر كمثل الفرس في الطول ، فعصاه فهاجر ، ثم قعد له بطريق الجهاد ، فقال تجاهد فهو جهد النفس والمال فتقاتل فتقتل ، ففئتك المرأة ، ويقسم المال ، فعصاه فجاهد ، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم : فمن فعل ذلك كان حقا على الله عز وجل أن يدخله الجنة ، ومن قتل كان حقا على الله عز وجل أن يدخله الجنة ، وإن غرق كان حقا على الله أن يدخله الجنة ، أو وقصته دابته كان حقا على الله أن يدخله الجنة

(١)

شیطان در راه اولاد آدم می ایستد برایش می گوید : ایا اسلام می آوری و دین ابا و اجدادت را رها می کنی ؟ او شخص نا فرمانی اش را می کند و مسلمان میشود . بار دیگر در زمان مهاجرت در راه او می ایستد و می گوید هجرت می کنی ؟ و زمی و آسمان خود را رها می کنی ؟ مهاجر مثل یک اسب است اما ان شخص نا فرمانی اش را می کند و مهاجرت می کند . آن شخص می خواهد جهاد کند و شیطان می گوید که جهاد نفس و مال کن اگر جهاد کنی میمیری پس نکاح کن و مال خود را تقسیم کن اما آن شخص ابا می ورزد و جهاد میکند . رسول خدا (صلى الله عليه و سلم) گفت :کسی که چنین کند حق اش است که خداوند او را داخل بهشت کند .کسی که درین راه قتل شد خداوند او را داخل بهشت می کند و اگر غرق شود حق اش است که خداوند او را داخل بهشت کند.^۲

ابلیس و لشکرش از هر سو به صورت جمعی و انفرادی درین جنگ علیه دین الله حمله ور می شوند .

همیشه کار های ناشایسته را زینت داده می آیند و کفر به الله را نیز زینت می دهند تا مردم را از راه راست منحرف کنند .بتها هدف فریب دادن شان که جنگ با الله و دین الله می باشد .

الله متعال می فرماید:

{ وَعَادُوا وَتَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ }^۳

۱ : سنن النسائی - کتاب الجهاد - باب : ما لِمَنَ أسلم وهاجر وجاهد - ح ۳۱۳۶ ، وأخرجه أحمد - ج ۳ - ص ۴۸۳ - ح ۱۶۰۰۰ صححه الألبانی - السلسلة الصحيحة - ج ۶ - ح ۲۹۷۹ -

۲ : تفسیر القرآن العظیم - لابن کثیر - ج ۶ - ص ۲۶۸

۳ : سوره العنکبوت - الآية ۳۸

ترجمه:

(ما قبائل) عاد و ثمود را (نیز به گناهانشان گرفتیم و نابودشان کردیم) و خانه و کاشانه (ویران شده) ایشان (سر راه مسافرت شما است و) برای شما نمایان است. اهریمن اعمال (زشت و پلشت) ایشان را در نظرشان آراست و بدین وسیله ایشان را از راه (حق و حقیقت) بازداشت، در حالی که چشم بینا داشتند (و حق و باطل را در پرتو تبلیغ انبیاء از هم تشخیص می‌دادند).

در باره قوم ثمود الله متعال می فرماید: که شیطان کفری آنها را برای شان مزین می ساخت و آنها از راه الله و ایمان به رسولان و کتاب های الله منحرف می ساخت.
الله متعال در باره قوم سبا می فرماید:

{ وَجَدْنَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ }^۱

ترجمه:

من او و قوم او را دیدم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌برند، و اهریمن اعمال‌شان را در نظرشان آراسته است و ایشان را از راه (راست) به در برده است، آنان (به خدا و یکتاپرستی) راهیاب نمی‌گردند.

شیطان قوم سبا را به عبادت و سجده آفتاب مصروف ساخته و این کار را برای آنها بسیار مزین می ساخت آنها درین کار خوش بودند و خبر نداشتن که از راه مستقیم منحرف اند. توسط تزئین سازی اعمال آنها آنها را از راه راست دور ساخته بود.^۲

این ها نمونه های از فریبهای شیطانی است که شیطان بواسطه آن تعدادی زیادی را منحرف ساخت حال بیاید که در مورد افراد خاص را که شیطان فریبیده الله متعال در قرآن چگونه بیان

^۱: سوره النمل، الایه ۲۴

^۲: جامع البیان - للطبری - ج ۲۰ - ص ۱۸۳

می کند : { وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِيضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ * وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ }^۱

ترجمه:

هر کس از یاد خدا غافل و روگردان شود، اهریمنی را مأمور او می‌سازیم، و چنین اهریمنی همواره همدم وی می‌گردد (و گمراه و سرگشته‌اش می‌سازد).
شیاطین این گروه را از راه (خدا) باز می‌دارند و (به گونه‌ای گمراهی را در نظرشان می‌آیند که) گمان می‌کنند ایشان هدایت‌یافتگان حقیقی هستند.
هر کس که از یاد خدای رحمان روی گرداند، شیطانی بر او می‌گماریم که همواره همراهش باشد و آن شیطانها آنان را از راه خدا باز می‌گردانند، ولی پندارند که هدایت یافتگانند
این عشات گمان می‌کنند راهی را که شیطان برای شان نشان داده و از راه راست منحرف ساخته راه درست است و از جمله هدایت یافتگان اند.^۲

د : دور ساختن از بهشت

این هدف یکی از اهداف اصلی و اساسی شیطان می باشد تمام کارها را بخاطر بدست آوردن این هدف با پیروانش از جن و انس انجام می دهند . بخاطر بدست آوردن این هدف از هیچ عملی دریغ نمی ورزند تا انسان را که دشمن شیطان می باشد از رحمت خدا دور سازند و همراه خود یکجا به عذاب جاویدانه ای جهنم که بدترین جایگاه است، برسانند .
ابلیس را آرامش و قرار نمی گیرد تا اینکه همه مخلوق را با خود به جهنم نبرد .
همین بود که ابلیس در ابتداء خلقت برای اولین بار از داخل شدن آدم و حوا اندوهگین شد .
با تمام قدرت خود کوشید تا اینکه سبب اخراج آنها از بهشت گردد .
الله متعال درین باره می فرماید:

{ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ ... }^۳

ترجمه: اما شیطان موجب لغزش آنان شد و ایشان را از آنچه در آن بودند (که بهشت بود) خارج ساخت

انها را به زمین پائین آورد.

^۱: سوره الزخرف - الايه ۳۶ - ۳۷

^۲: جامع البيان - للطبري - ج ۱۹ - ص ۱۷۵

^۳: سوره البقره الايه ۳۶

و در زمین هم دعوت خود را ادامه داد تا هیچ یک از دشمنان نتوانند به بهشت داخل شده نتوانند و در نهایت کفر و جایگاه شان جاویدانه در جهنم و آتش بماند.

الله متعال میفرماید :

{ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ }^۱

ترجمه: بی‌گمان اهریمن دشمن شما است، پس شما هم او را دشمن بدانید (و از مکر و کید او یک لحظه غافل نمانید و از وسوسه‌های او پیروی نکنید). او پیروان خود را فرا می‌خواند تا از ساکنان آتش سوزان جهنم شوند.

یعنی طرفداران خود را از اطاعت الله به طاعت خود وادارد و هرچه را او گوید همان کنند و به الله کفر ورزیده و از اصحاب آتش باشند که جاویدانه در آن خواهند سوخت.

تمام دعوت ابلیس و لشکرش درین دنیا برای هدف واحد انهم عبارت از دخول در جهنم جایگاه ابدی می باشد .^۲

بسیار جای تاسف است که با وجود اینکه شیطان و اهداف او را می‌شناسند اما باز هم او را می‌پرستند درین مورد الله متعال می فرماید:

{ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولُو كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ }^۳

ترجمه: هنگامی که بدانان گفته می‌شود: از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، می‌گویند: بلکه ما از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافته‌ایم. آیا (از نیاکان خود پیروی می‌کنند) ولو این که اهریمن ایشان را به عذاب آتش فروزان (دوزخ) فرا خواند؟ و در جای دیگر برای ادم علیه سلام الله متعال چگونه زیبا و دلنشین از هدف ابلیس بیان می‌کند و می‌گوید که ابلیس دشمن او و اولاد های اوست و لی با ان هم آدم و حوا ء را از جنت اخراج می کند :

{ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَنَّقَى }^۴

ترجمه: آن وقت گفتیم: ای آدم! این دشمن تو و همسر تو است، پس (بیائید به دام وسوسه خود

^۱سوره الفاطر الایه ۶

^۲: جامع البیان للطبری - ج ۲۲ ص ۱۴۲

^۳: سوره القمان - الایه ۲۳

^۴: سوره طه - الایه ۱۱۷

شما را گرفتار نسازد و) از بهشت بیرونتان نکند که به رنج و زحمت خواهی افتاد. از آنجایی که فعالیت های گمراه کننده شیطان در هر عصر و زمانی وجود داشته و تا قیام قیامت وجود خواهد داشت بی ربط نیست که اگر به برخی از فعالیت های پیروان شیطان در عصر خود ما اشاراتی بکنیم ، ناگفته پیداست که در عصر ما هیچ دولت و هیچ قاره و هیچ کسی نیست که از فیصله های طاغوتی استفاده نکند.

امروز از تمام جهان حکم الله غائب گردیده و یهود موفق گردیده تا مردم را به پیروی از احکام شیطان در هر بخش ملزم نماید .

الله متعال در ایه زیر صفات این طاغوتیان را توصیف نموده است در هر زمانی و مکانی که باشند ما ایشان را می شناسیم :

{ قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ }^۱

ترجمه:

بگو: آیا شما را با خبر کنم از چیزی که پاداش بدتری از آن (چیزهایی که بر ما خرده می گیرید) در پیشگاه خدا دارد؟ (این کردار شما است، شما) کسانی که خداوند آنان را نفرین و از رحمت خود به دور کرده است و بر ایشان خشم گرفته و (با مسخ قلوبشان) از آنان میمون ها و خوک هایی را ساخته است، و (کسانی را پدیدار نموده است که) شیطان را پرستیده اند. آنان (از هر کس دیگری) موقعیت و منزلتشان بدتر و از راستای راه منحرف تر و گمراه تر اند. کسانی که شیطان را عبادت کردند و به نشر آموزه های دروغین خود از طریق شیطان به بشریت پرداختن از هر آئین محروم اند .

اینها می خواهند تمام مردم جهان را از دینو مذهب شان منحرف نماید خواه درست بوده باشد خواه تحریف شده ،تا اینکه همه آنها ملحد گردند.

در پرتوکول یهودی ها آمده است :

ما اجازه نخواهیم داد دین دیگر جز دین ما وجود داشته باشد که به وحدانیت الله معترف باشد. این در انتخاب ماست که ما جهان را به هر مسیری که خواسته باشیم میبریم . به همین دلیل باید تمام ادیان را از بین ببریم تا جوان آینده ما با عقیده سخت یهودی جهان را تسخیر کند .^۱

^۱: سوره المائده ، الآیه ۶۰

عباس عقاد تعلیق های زیادی در مورد یهودی ها دارد :

خواننده باید بداند که دانشمندان یهودی تمام توان خود را برای نابودی ادیان و مذاهب از طریق آموزه و اندیشه های جامعه شناسی و سیاسی از جمله مذاهب دورکایم به امید گسترش الحاد و از بین بردن عقاید بخرچ داده اند .

انها این افکار خود را در تمام کشور های مسیحی و مسلمان در بین جوانان و افراد جاهل دیدگاه های مخرب خود را تبلیغ می کنند . اگر انها بیاندهند می دانند که اساتید یهودی انها یک چیزی باطل و فراتر از نظریه را فکر می کنند .

نشآت چنین جریان ها و حمله های شدید یهودیان و منافقین و فراخوان توسل به ظلم ، از زمان آغاز شد که در شهر رسول الله صلی الله علیه وسلم تحت حکومت اسلامی زندگی داشتند و می خواستند که حکومت شیطانی به عوض تحکیم الله بالای مردم تطبیق شود .

این گروه امروز ظاهرا به لباس اسلام و حرف شان حرف اسلام و در عین حال دعوت شان هم به سوی الله و رسول او و پرچم اسلام را ظاهرا بر افراشته اند . در عین حال بعضی از آیات کتاب الله که مخالف اهدافشان باشد نه تنها که عملی نمی کنند بلکه در مقابل آن قیام می کنند که این خود یک مصیبت بزرگ و فاجعه است .^۲

خداوند متعال فرموده است :

{ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ * أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ }^۳

ترجمه: ولی اگر حق داشته باشند (چون می دانند دآوری به نفع آنان خواهد بود) با نهایت تسلیم به سوی او می آیند.

آیا در دل هایشان بیماری (کفر) است؟ یا (در حقانیت قرآن) شک و تردید دارند؟ یا می ترسند خدا و پیغمبرش بر آنان ستم کنند؟ (بلی! ایشان دچار بیماری کفر و گرفتار شک بوده و از دآوری پیغمبر که برابر احکام الهی است هراسناک می باشند. خوب می دانند که خدا و رسول ستمگر نبوده و حق کسی را حیف و میل نمی کنند) بلکه خودشان ستمگرند.

^۱: بروتوکولات حکماء صهیون - ترجمه و تقدیم عباس محمود العقاد - ص ۹۷

^۲: الاتجاهات الفكرية المعاصرة - علی جریشة - ص ۲۲۸ - ۲۳۳ .

^۳: سوره النور، الایه ۴۹،۵۰

هیچ کسی از هدف اینها جز الله خبر نیست . اینها خداوند را تکذیب می کنند در حالیکه پرچم اسلام را حمل می کنند و به نام ان تجارت می کنند و از ضرر که به مسلمین می رسانند تنها الله می داند . اینها کسانی اند که به اسلام ملحق می شوند و با آیات الله بازی می نمایند و آیات را تغیر می دهند و کفر می ورزند .^۱

ه: سخن بالای الله بدون علم

این هدف ظاهراً مشابه به هدف قبلی تحکیم طاغوت معلوم می شود اما اینها متغایر و متباین میباشند چون درین هم دشمنان خود را زامنهج الله کشیده و به تحکیم طاغوت سوق داده اند . در عین حالت که خود را هم به شریعت الله انتساب می نمایند شریعت الله را تغیر می دهند .. چیز هائیکه حلال است حرام و جیز های حرام را حلال می گویند.

این هدف از وحی شیطانی و امر او سر چشمه می گیرد .

الله متعال می فرماید : { يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ * إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ }^۲

ترجمه: ای مردم! از آنچه در زمین است و حلال و پاکیزه است (و خدا آن را تحریم نکرده و نفس انسان گوارا و خوشایندش می‌داند) بخورید، و پا به پای اهریمن راه نیفتید (و به دنبال شیطان روان نشوید). بی‌گمان او دشمن آشکار شما است.

او تنها شما را بهسوی زشتکاری و گناهکاری فرمان می‌دهد (و بدی‌ها را در نظرتان می‌آرید و شما را وا می‌دارد بر) این که آنچه را نمی‌دانید به خدا نسبت دهید (و با پیروی از او هام و خرافات نادانسته به دنبال معبودهای باطل روان شوید و حلال را حرام، و حرام را حلال بشمار آورید).

و بالای الله چیز های را که نمی دانند می گویند پس آنها بحائر^(۳) و سوائب^(۴) و وصائل^(۵) و حوامی^(۱) را بالای خود حرام گردانیده بودند.

^۱: مجله السنه - بین شیطاين الانس و شیطاين الجن - محمد عبدالرحمن - ص ۹-۱۰

^۲: سوره البقره - آياتان ۱۶۸-۱۶۹

^۳ «بَحِيرَةٌ»: در لغت به معنی گوش شکافته، و در اصطلاح به شتر ماده‌ای می‌گفتند که پنج شکم می‌زائید و پنجمین آنها نرینه بود. در این صورت گوشش را می‌شکافتند و بار کردن و سوار شدن و خوردن گوشت آن را حرام می‌دانستند و از هیچ‌گونه چراگاه و آبی آن را باز نمی‌داشتند لسان العرب - ج ۴ - ص ۴۳ .

^۴ «سَائِبَةٌ»: در لغت به معنی رها، و در اصطلاح به شتر ماده‌ای می‌گفتند که صاحبش نذر می‌کرد که اگر به سلامت از سفر برگردد، آن را رها کند. چنین شتری مانند بَحِيرَةٌ برای وفای به نذر معاف و آزاد می‌شد. المرجع السابق ج ۱ - ص ۴۷۸ .

^۵ «وَصِيلَةٌ»: در لغت به معنی اصله یعنی رسیده و پیوسته، و در اصطلاح به برّه مادی‌ای گفته می‌شد که به صورت دوقلو همراه نرینه‌ای متولد می‌گردد و به خادمان بتان داده می‌شد. - المرجع السابق - ج ۱۱ - ص ۷۲۹ .

به زعم آنان الله متعال حرام گردانیده در حالیکه خداوند متعال می فرماید : {
 مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
 وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ }^۲

ترجمه: خداوند بحیره، سائبه، وصیله، و حامی را مشروع و مقرر نداشته است. ولیکن
 کافران (از پیش خود چیزهائی سرهم می کنند و) بر خدا دروغ می بندند، و بیشتر آنان نمی فهمند
 (که این کارها ناروا است و عذاب سختی به دنبال دارد).

خداوند میفرماید که این ها را به امر شیطان بالای خود حرام گردانیده خداوند برای ایشان هر
 چیز را حلال گردانیده تا بخورند و لیکن آنها به الله چیز های را نسبت می دهند که نمی دانند که
 در حقیقت پیروی شیطان می باشد .

و از اسلاف و نیکان خود از گمراهی و جهالت انها پیروی می کنند . اینها کسانی اند که از چیز
 هائیکه الله بالای پیامبر خود نازل نموده و جاهل می باشد و از منهج حق جاهل و گمراه می
 باشند.^۳

این یکی از مثال های بود که طبری برای افتراء بالای الله ذکر نمود و الفاظ ایه عموم است است
 برای تمام اقوال بدون علم می باشد .

سوری می گوید: سخن بالای الله بدون علم شامل شریعت و تقدیر می شود پس کسیکه الله را غیر
 از اوصاف اش که خود خداوند و رسولش (صلی الله علیه سلم) وصف نموده ، نفی و اثبات نمایند
 سخن بدون علم بالای الله محسوب می شود .

کسیکه می گوید بت ها انسان را به الله نزدیک میسازد قول علی الله بغیر علم است و هم چنان
 شخصی که حلال و حرام را بدون علم به مردم معرفی کند قول علی الله بغیر علم است و کسیکه
 بگوید فلان چیز را الله به علت فلان چیز خلق نموده سخن بالای الله بدون علم است و کسی که
 کلام الله و رسولش (صلی الله علیه سلم) را بدون علم و دلیل تاویل نماید سخن بدون علم بالای
 الل پنداشته می شود .

^۱ «حَام»: در لغت به معنی حامی و حافظ، و در اصطلاح به شتر نری گفته می شد که از نژاد آن ده نسل متولد می گردید و در این
 صورت همچون بحیره و سائبه آزادانه می چرید و از باربری و سواری و خوردن معاف می شد. البته درباره بحیره و سائبه و وصیله و
 حامی سخنان دیگری گفته اند که همه و همه بیانگر فرهنگ منحنط جاهلیت پیش از اسلام است.

- لسان العرب - ابن منظور ج ۱۴ - ص ۲۰۲.

^۲ :سوره مائده آیه ۱۰۳

^۳ :جامع البیان - ج ۲ - ص ۱۰۴

این همه را های اند که شیطان و پیروانش مردم را به آن فرا می خوانند و مردم را به چال و نیرنگ فریب می دهند.^۱

و: استقسام بالازلام (تجیم)

ترس از آینده و ناشناخته ها، انسان را از گذشته تا امروز به خود مشغول ساخته و هم چنان تلاش برای پوره کردن آرزو ها، خود را در معرض این اوهام قرار داده است . این نفس پرستی انسان، وی را از انسان عاجز به انسان متمدن تبدیل می کند . یکی از این آرزو ها نوع قمار بازی هست که قرآن آنرا استقسام بالازلام نامیده است. الازلام جمع زلم بوده و زلم در لغت یک شی باریک و بلندی که تراشیده و صاف و مستقیم شده را می گویند، یکی از مصادیق بارز زلم ، قدح که جمع آن اقداح می شود ، چوبی است که به اندازه تیر، بریده و تراشیده شده است^۲ ، و نیز به دست و پای گاو یا هر حیوان شبیه به آن ، زلم و ازلام گویند.^۳

در اصطلاح ، تیرهای هم اندازه نشان دار و نوشته داری را گویند که عرب جاهلی از آن ها در قمار، قرعه ، آگاهی از آینده و تعیین نیک و بد کارها استفاده می کرد.^۴ و نیز گفته شده است که عبارت از قطعه چوب های اند که پر ندارند و جمع آن ازلام است و در تقسیم کردن که در جاهلیت توسط آن تقسیم می نمودند گفته می شود .^۵ عمل استقسام به شکل ذیل بود :

شتری یا حیوان دیگری را سهم بندی می کردند چوب های را برای تشخیص اینکه چی کسی چند سهم برد ؟ و یا چه کسی اصلا سهم نمی برد ، یکی پس از دیگری بیرون می کشیدند و این خود نوعی قمار بود که شرحش در تفسیر ایه یسئلونک عن الخمر آمده است . و بعضا مردم اعراب جاهلی توسط ازلام استخاره می نمودند و اگر نمی شد می گفتند خداوند منع نموده است . و یا می گفتند "امرنی ربی" پروردگار امر نموده این طوری بود که در یک طرف چوب نوشته بود و در یک طرف نبود . هرگاه طرف نوشته دار می برآمد مس گفتند امر

^۱: تیسیر الکریم الرحمن - للسعدی - ص ۸۱

^۲: ترتیب العین، ص ۳۴۹

^۳: تهذیب اللغة، ج ۱۳، ص ۲۱۸.

^۴: احکام القرآن ، جصاص ، ج ۲ ، ص ۴۴۰.

^۵: لسان العرب لابن منظور - ج ۱۲ ص ۲۶۹، ۲۷۰

پروردگار شده است و هرگاه طرف خالی آن می برآمد می گفتند امر پروردگار نشده و نهی نموده است.^۱

این یکی از اهداف شیطانی می باشد تا با پیروی از آن مردم را از توکل به فضل الله دور داشته باشند.

رسو الله صلی الله علیه وسلم از رفتن نزد فالبین ها نهی نموده :

" من أتى عرافا فسأله عن شيء لم تقبل له صلاة أربعين ليلة^۲ ". و از اَبی هریره والحسن از نبی صلی الله علیه وسلم روایت است که گفت : من اُتی کاهنا أو عرافا فصدقه بما يقول فقد كفر بما أنزل على محمد صلی الله علیه وسلم .^۳ شارح عقیده الطحاوی می گوید : اگر حال سائل چنین باشد حال مسئول چگونه خواهد بود ؟ مراد او این است که از سائل ۴۰ روز نمازش قبول نشود پس حال کسی که کاهن و عراف را تصدیق کند و حال کاهن چطور خواهد بود ؟^۴

اما اکنون این هدف شیطانی حالت جدا گانه به خود اختیار نموده است . طالع بینی در حال گسترش است و تمام خانه ها و دیوار های خانه ها را می سوزاند .

در بعضی از کشور های اسلامی به صورت چشم گیری وجود دارد . به عنوان ستاره شناسان خود را به غیب شناس معرفی می نمودند . این پدیده از هیچ خانه مسلمان پوشیده نیست چون با ابزار مختلف مثل تلویزیون موبایل و مجله و رادیو داخل هر خانه ای وجود دارد . پس برای ما لازم است تا از خطرات آن و اینکه یکی از اهداف و نقشه های دشمنان شیطان است آگاه شویم .

ز: باز داشتن از ذکر الله

این در نتیجه از استسقام بالازلام بوجود می آید که هدف اخیری است نوشیدن شراب و قمار بازی که در مطلب سوم بالای شان بحث خواهیم نمود توسط این امور شیطانی عقل و وقت انسان سلب می شود و از هدف اعلی (عبادت الله) که الله متعال ما را برای تحقق آن خلق نموده منصرف می سازد .

^۱: جامع البیان - للطبری - ج ۶ ص ۹۸

^۲: صحیح مسلم - کتاب السلام - باب : تحريم الكهانة وإتيان الكهان - ح ۵۸۲۱ - ص ۱۰۷۴ .

^۳: مسند أحمد - ج ۲ - ص ۴۲۹ - ح ۹۵۳۲ ، قال الشيخ شعيب الأرنؤوط : حديث حسن ، رجاله ثقات رجال الصحيح .

^۴: شرح العقيدة الطحاوية - لابی العز الحنفی - ص ۵۰۲

الله متعال این هدف را چنین بیان نموده: { إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ }^۱

ترجمه:

اهریمن می‌خواهد از طریق میخوارگی و قماربازی در میان شما دشمنانگی و کینه‌توزی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و خواندن نماز باز دارد. پس آیا (از این دو چیزی که پلیدند، و دشمنانگی و کینه‌توزی می‌پراکنند، و بندگان را از یاد خدا غافل می‌کنند، و ایشان را از همه عبادات، به ویژه نماز که مهم‌ترین آنها است، باز می‌دارند) دست می‌کشید و بس می‌کنید؟! وجه استدلال: آیت فوق صراحت دارد که شراب نوشی و قمار بازی دو وسیله شوم شیطان برای ممانعت از ذکر الله و نماز است.

ح: قتل ناحق

این یکی دیگر از اهداف شیطان در برابر بشریت است. شیطان انسان را به سیطره بالای یکدیگر توسط تزئین نمودن این عمل تشویق می‌کند و هرکی در مقابل سیطره او بیاید او را به قتل می‌رساند که قتل گناه بزرگی است و شیطان از بدو خلقت پسران آدم علیه سلام را علیه یکدیگر تحریک نموده که سبب قتل ناحق برادر خود شد الله متعال درین باره می‌فرماید:

{ وَآتَىٰ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُقَبَّلْ مِنَ الْآخَرَ قَالَ لَا أَقْتُلُكَ قَالَ إِنَّمَا يُقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ * لئن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسٍ بِيَدَيْكَ إِنِّي كَافُتُكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ * إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ * فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ }^۲

ترجمه: داستان دو پسر آدم (قابیل و هابیل) را چنان که هست برای یهودیان و دیگر مردمان بخوان (تا بدانند عاقبت گناهکاری و سرانجام پرهیزگاری چیست). زمانی که هر کدام عملی را برای تقرّب (به خدا) انجام دادند. اما از یکی (که مخلص بود و هابیل نام داشت) پذیرفته شد، ولی از دیگری (که مخلص نبود و قابیل نام داشت) پذیرفته نشد. (قابیل به هابیل) گفت: بی‌گمان تو را خواهم کشت! (هابیل بدو) گفت: (من چه گناهی دارم) خدا (کار را) تنها از پرهیزگاران

^۱: سوره مائده آیه ۹۱

^۲: سوره مائده آیات ۲۷ الی ۳۰

می‌پذیرد! اگر تو برای کشتن من دست دراز کنی، من دست به‌سوی تو دراز نمی‌کنم تا تو را بکشم. آخر من از خدا (یعنی) پروردگار جهانیان می‌ترسم. من می‌خواهم با (کوله‌بار) گناه من و گناه خود (در روز رستاخیز به‌سوی پروردگار) برگردی و از دوزخیان باشی، و این سزای (عادلانۀ خدا برای) ستمگران است. پس نفس (سرکش) او تدریجاً کشتن برادرش را در نظرش آراست و او را مصمم به کشتن کرد، و (عاقبت به ندای وجدان گوش فرا نداد و) او را کشت! و از زیانکاران شد (و هم ایمان خود را و هم برادرش را از دست داد).

وجه استدلال: در آیات فوق صراحتاً بیان شده است که قتل عمل شیطانی بوده و کسی از خدا بترسد از آن دوری می‌کند و نیز در آخر آیت ذکر شده است که عمل زشت قتل برای قابیل با وسوسه‌های شیطانی کار زیبا و مزین معلوم شد از اینرو اقدام به قتل ایشان کرد و از جمله زیانکاران گردید ازین معلوم میشود که شیطان هدف اصلی خود را با وسایل اغواء مختلف بدست می‌آورد.

ابن جریر طبری می‌گوید: وقتی که برادر خود را می‌کشت نمی‌دانست چگونه بکشد. شیطان یک جانوری را گرفت سرش را به سنگی گذاشت و با سنگی دیگری بر سرش زد تا اینکه مرد پس پسر آدم نیز برادرش را چنین کرد.^۱

ابرهیم نخعی^۲ می‌گوید: هیچ مقتولی قتل نمی‌شود مگر اینکه پسر آدم کفیل آن می‌باشد. حدیث از رسول الله صلی الله علیه و سلم است که لا تقتل نفس ظلماً إلا کان علی ابن آدم الأول کفل من دمها لأنه أول من سن القتل – هر قتل را پسر آدم کفیل است چون بنیانگذاری نموده است.^۳

وسوسه‌های شیطانی تنها منحصر به افراد عدی نیست بلکه شامل افراد معصوم نیز می‌شود. زمانیکه موسی علیه سلام قبطی را زد و کشت اگر چه این قتل غیر عمد بود و لیکن درجات ادنی عمد درین موجود نیست الله متعال میفرماید:

^۱: جامع البیان – للطبری – ج ۵ ص ۴۳۰
^۲: ابراهیم بن سويد النخعی الکوفی الأعور، مشهور ثقة – تهذیب التهذیب – لابن حجر – ج ۱ – ص ۱۴۵ – ترجمة ۲۲۴.
^۳: تفسیر القرآن العظیم – لابن کثیر – ج ۵ ص ۱۷۴

يقول الله تعالى { وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ }^۱

ترجمه: موسی (از قصر فرعون، رهسپار کوچه و بازار پایتخت مملکت شد) و بدون این که اهالی شهر مطلع شوند، وارد آنجا گردید. در شهر دید که دو مرد می‌جنگند که یکی از قبیله او (بنی اسرائیلی‌ها) و دیگری از دشمنان او (یعنی از طائفه قبطی‌های جانبدار فرعون) است. فردی که از قبیله او بود، علیه کسی که از دشمنانش بود، از موسی کمک خواست (و موسی کمکش کرد) و مشت‌های او زد و او را کشت! موسی گفت: این از عمل شیطان بود (چرا که با وسوسه خود بر سر خشم آورد و غافلگیرم کرد). واقعاً او دشمن گمراه‌کننده آشکاری است. معنی اش این است که شیطان موسی را به شدت عصبانیت رساند موسی فرمود قتل نفس در تمام شرایع بشری مذموم است و حفظ نفس معصوم از اصول همه ادیان می‌باشد. چون شیطان دشمن انسان است و به نفس انسان‌ها راه دارد پس موسی علیه سلام را به فعل قتل واداشت که این فعل او از وسوسه شیطانی سرچشمه گرفته بود.

این هدف شیطانی از گذشته تا حال در تمام روی زمین گسترش یافته و ما اکنون شاهد برائین شیطانی بر سر سپاری از افراد جامعه در جهان هستیم. شیطان امروز انسان‌ها و روح آنها را به قتل، ذبح، و انواع قتل‌های وحشناکی که موی‌ها آدم از دیدن آن برمیخیزد و قلب انسان می‌شکند از جانب لشکر شیطانی انسی و جنی به رضایت ارباب‌شان در عمل پیاده می‌کنند.^۲

ط: گریز از میدان جنگ

شیطان باطل است و باطل هیچ‌گاهی نمی‌تواند در سایه حق زندگی کند. زمانیکه حق بخواهد پرچم خود را را بیافشاند باید جهاد کند و همه باطل را از بین ببرد. درین زمان شیطان در دل انسان وسوسه می‌کند و این را می‌آورد که خانه و اولاد هایت و مالت را رها می‌کنی و جهاد می‌روی؟ شیطان در دل او خوف می‌اندازد تا مجاهدین را تضعیف کند و دنیا را بالای‌شان مسلط کند و این گناه عظیم با ترک جهاد متحقق می‌شود.

^۱: سوره قصص آیه ۱۵

^۲: التحریر والتتویر - لابن عاشور - م ۱۰ - ج ۲۰ - ص ۹۰.

الله متعال در مورد کسانی که در روز غزوه احد از جنگ فرار کردند می فرماید:

{ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ }^۱

ترجمه: آنان که در روز رویارویی دو گروه (مسلمانان و کافران در جنگ احد) فرار کردند، بی گمان اهریمن به سبب پاره‌ای از آنچه کرده بودند (که سرکشی از فرمان خدا بود) آنان را به لغزش انداخت و خداوند ایشان را بخشید، چرا که خداوند آمرزنده و شکیبا است.

کسانی که همراه رسول الله صلی الله علیه و علی اله و اصحابه و سلم روز احد بودند اگر چه مشرکین هم بودند با پیروی از شیطان به سبب معصیت از آنها جدا شدند .

از قتاده در باره این آیت روایت است که : تَوَلَّوْا عَنِ الْقِتَالِ وَعَنِ نَبِيِّ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ ، وَكَانَ ذَلِكَ مِنْ أَمْرِ الشَّيْطَانِ وَتَخْوِيفِهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَا تَسْمَعُونَ أَنَّهُ قَدْ تَجَاوَزَ لَهُمْ عَنِ ذَلِكَ وَعَفَا عَنْهُمْ .
روزیکه آنها از جنگ و از نبی الله برگشتند متابعت شیطان بود و امر شیطان را عملی کردن که آنها را ترسانده بود پس خداوند از چی و آن روز احد، مردمانی از اصحاب رسول الله (صلی الله علیه سلم) ، از قتال/جنگ و نبی الله در آن روز پشت کردند و این امر و ترسانیدن شیطان بود، پس خداوند آنچه را که می شنوید نازل کرد که از آنها گذشت و آنها را بخشید.

هم چنان به خاطر اهمیت بزرگی این هدف و خطرات ناگوار ان بر جوامع مسلمین حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم گریز از جنگ را از سبع موبقات (هفت گناه کشنده) که عمل را هلاک می کند آورده است .^۲

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که گفت رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید : اجتنبوا السبع الموبقات ، قالوا : یا رسول الله وما هن ؟ قال : الشرك بالله ، والسحر ، وقتل النفس التي حرم الله إلا بالحق ، وأكل الربا ، وأكل مال الیتیم ، والتولی یوم الزحف ، وقذف المحصنات المؤمنات الغافلات .^۳ " معنی حدیث: از هفت گناه کشنده اجتناب کنید . گفتند آنها کدام ها اند ؟ گفت : اول شرک به الله دوم سحر سوم قتل نفس ناحق چهارم سود پنجم خوردن مال یتیم ششم گریز از میدان نبرد هفتم قذف به زنان پاک دامن

^۱: سورة آل عمران ، الآية ۱۵۵

^۲: جامع البیان - للطبری - ج ۴ - ص ۱۸۲ ، ۱۸۳ .

^۳: صحیح البخاری - کتاب : الوصایا - باب : قوله تعالى : (إن الذين يأكلون أموال الیتامی ظلما) - ح ۲۷۶۶ - ص ۲۲۲ .

ی: حرام خوری

پول اساس زندگی است توسط آن تمام امور زندگی زینت بخشیده می شود قبل از اولاد پول ذیبنده

دنیا است که درین باره الله متعال می فرماید: (لِّمَالٍ وَالنَّسَبِ وَالزَّوْجِ وَالْوَالِدِ وَالْأَوْلَادِ وَالْحَيَاةِ

الدُّنْيَا وَالنَّسَبِ وَالْحَيَاةِ الدُّنْيَا) لِّصَلِّحَاتِ خَيْرٍ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٍ أَمَلًا^۱

ترجمه: دارائی و فرزندان، زینت زندگی دنیایند (و زوال پذیر و گذرایند). و اما اعمال

شایسته ای که نتایج آنها جاودانه است، بهترین پاداش را در پیشگاه پروردگارت دارد، و بهترین امید و آرزو است.

اینها سبب اند نه هدف ازین رو شیطان یکی از اهداف خود را مال تعیین نموده تا بتواند اشخاص را از راه الله منحرف بسازد. خداوند پول و مال را برای اقامه حیات و زندگی و اعمار زمین از طریق حلال ان باشد - اما شیطان مال را هدف ساخته درین دنیا و آنهم از هر راهی که بدست آید شیطان می خواهد از هر طریق حرام بدست آوردی و به طریق حرام مصرف نمائی زمانیکه خود مال و پول هدف قرار گرفت درین حالت انسان زندگی خود را تباه و برباد می کند و بخاطر طلب دنیا قلب او سخت شده و انواع فساد را انجام می دهد خاصتا خوردن ربا و اختلاس و رشوت و غل و غش و غیره -

شیطان تمام پیروان خود را در هر زمان و هر مکان به مشارکت درین اموال و عده داده است. و این مشارکت دخول فساد می باشد از حلال به حرام و از خیر به شر و از صلح به فساد و الله متعال از سهم ابلیس که چگونه اراده داره چنین می فرماید: {وَاسْتَفْزَزَ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلَبَ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارَكَهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا} ترجمه: و بتراسان و خوار گردان با ندای (دعوت به معصیت و وسوسه) خود هرکسی از ایشان را که توانستی، و لشکر سواره و پیاده خود را بر سرشان بشوران و بتازان (و همه تلاش خویش را برای شکست دادن و گول زدن ایشان به کار گیر) و در اموال آنان (با تشویق و تحریکشان برای کسب آن از حرام و صرف آن در حرام) و در اولاد ایشان (با گول زدن اولیاء و رهنمود فرزندانشان به کفر و فساد در پرتو تربیت نادرستشان) شرکت جوی، و آنان را (به نبودن حساب و کتاب و بهشت و دوزخ، یا به شفاعت خدایان و بتان و بزرگواری خاندان و غیره) و عده بده (و بفریب)، و وعده شیطان به مردمان جز نیرنگ و گول نیست.

^۱: سوره کهف آیه ۴۶

^۲: سوره اسراء آیه ۶۴

در باره (شارکهم فی الاموال) بعضی شان می گویند که مراد از این امر شیطان که مال را در راه های غیر از طاعت الله مصرف نمایند و از راه غیر حلال اکتساب نمایند .
 از مجاهد روایت است : که مراد از کسانی است که از محل غیر حلال بدست می آورند است از اعطاء ابن ابی رباح روایت است : مراد از شرک در اموال سود است و از حسن روایت است خداوند مال برایشان می دهد و آنها این مال را در راه شیطان به مصرف می رسانند .^۱
 عموم در ایت این است که طبری قبلا ذکر نمود که شیطان دشمنان خود را تشویق می نماید که مال را از راه حرام بدست آورند طوری که صاحب تفسیر منیر ذکر نمود که شیطان آنها را به کسب اموال و خرچ اموال در گناه و معصیت الله از راه های دزدی ، غش و فریبکاری تشویق میکند .^۲

خداوند جل جلاله چنین اشخاص را که مال های خود را ریا می کند می گوید که این مصرف مال نزدیک شیطان است مثل اینکه مال خود را از راه حرام مصرف نمائی الله متعال می فرماید : { وَالَّذِينَ يُتَفَفُّونَ اَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطٰنُ لَهٗ قَرِيْنًا فَسَاءَ قَرِيْنًا }^۳

ترجمه: و (آنان) کسانی که اموال خود را ریاکارانه صرف می کنند و خودنمایانه می بخشند (تا مردم ایشان را ببینند و تعریف و تمجیدشان کنند) و نه به خدا ایمان و نه به آخرت باور دارند، (چرا که از شیطان پیروی کرده و شیطان ایشان را از راه بدر برده است) و هر که شیطان همدم او باشد (چه بد همدمی برگزیده است و) شیطان بدترین همدم است.

رئاء الناس به معنی خرج کردن در غیر راه اطاعت خداوند و به طریقه سبیل شیطانی .^۴
 از ایه فوق توییح و انکار منافقان کسانی که مال های خود را به ریا خرج می کنند و به الله ایمان نداشتند سبب فتنه شیطان می باشد .^۵

اما عصر ما عصر مال و ثروت است آنقدر مال و ثروت زیاد است که در هیچ قرن گذشته به این پیمانه نبوده اما سوال درینجا است که این اموال اکثرا به طریقه که الله امر نموده بدست نیامده

^۱: جامع البیان - للطبری - ج ۱۵ - ص ۱۴۶ الی ۱۴۹

^۲: التفسیر المنیر - للزحیلی - ج ۱۴ - ص ۱۱۷

^۳: آیه ۳۷ سوره النساء

^۴: جامع البیان - للطبری - ج ۵ - ص ۱۱۹

^۵: ایسر التفاسیر - الجزائری - ج ۱ - ص ۴۰۱

است. مردم مال و ثروت را هدف قرار داده اند و حتی زندگی خود را برای بدست آوردن پول ثروت از دست داده اند.

این پول و ثروت با وسایل متعدد چون: سود، قمار، اسهام، و تجارت مال حرام بدست می آید. ربا خوری فعلاً عام گردیده از تمام دولت ها حتی دول اسلامی نیز بانک های سودی موجود اند و معاملات مالی به اساس سود تبادل می شوند.

از همین سبب است که هیچ صاحب آن فایده نمی کند و مردم به مقابل دین الله، اسلام و مسلمین برخاسته اند و بالاخره زندگی به خبائث و هلاکت به سبب همین هدف قبیح کشانده می شود. مالک بن دینار در باره حرام می گوید: " لا تجعلوا بطونکم جراباً للشیطان، یوعی فیها إبلیس ما یشاء" "شکم های خود را به یک کیسه برای شیطان تبدیل نکنید، که شیطان در آن از آنچه می خواهد می کند"^۱

اما یکی از ابزار خطرناک دیگر شیطان بخل و اسراف است زمانیکه شیطان توانست که حب مال و دنیا را به قلب القا کند و راه جمع آوری آنرا به هر طوری چه شرعی و چه غیر شرعی مساعد نمود هدف دیگری خود را بالای آنها عملی می سازد که فرع هدف قبلی است. زمانیکه شیطان انسان را عاشق پول و دنیا ساخت و انسان پول را بدست آورد از خرچ آن که جیب اش خالی شود می هراسد و خرج نمی کند بیشتر به حفاظت ان می کوشد و مصرف انرا جرم فکر می کند درین جاست که هدف اول شیطانی که بخل است عملی می شود.

و کسی که مال و دنیا و لذایذ آنرا دوست دارد پس او و نظر او را به زن ها و شراب ها و زینت آنها می کشاند. و زمانیکه خود را راست و چپ می کند پول را جیب خود می کشد و درین حالت کوشش به جمع آوری نمی کند که هدف دوم شیطان که تبتذیر است نصیب اش می شود.

خداوند جلجلا له این دو صفت را در کتاب خود چنین ذکر نموده است: { وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ

مَعْلُومَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا }^۲

ترجمه: دست خود را بر گردن خویش بسته مدار (و از کمک به دیگران خودداری مکن و بخیل مباش)، و آن را فوق العاده گشاده مساز (و بذل و بخشش بی حساب مکن و اسراف موز، بدان گونه) که سبب شود از کار بمانی و مورد ملامت (این و آن) قرار گیری و لخت و غمناک

^۱: مواظ الامام مالک - جمع صالح الشامی - ص ۷۴

^۲: سوره اسراء آیه ۲۹

گردی.

خداوند به صفت مذموم بخل شیطان را توصیف نموده و کسانی که چنین اوصاف را دارند دوست های شیطان خطاب کرده است . الله متعال می فرماید:

{ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا * وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا }^۱

ترجمه: (آنان) کسانی اند که خود بخل می‌ورزند و مردمان را نیز به بخل می‌خوانند، و نعمتی را که خداوند بدی‌شان داده است پنهان می‌دارند و (نه خودشان از آن استفاده می‌کنند و نه دیگران را از آن بهره‌مند می‌سازند، و پیوسته سعی در کفران نعمت مادی و معنوی دارند، اینان بدانند که ما برای کسانی که (همچون ایشان) کفران نعمت می‌کنند، عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم. و (آنان) کسانی که اموال خود را ریاکارانه صرف می‌کنند و خودنمایانه می‌بخشند (تا مردم ایشان را ببینند و تعریف و تمجیدشان کنند) و نه به خدا ایمان و نه به آخرت باور دارند، (چرا که از شیطان پیروی کرده و شیطان ایشان را از راه بدر برده است) و هر که شیطان همدم او باشد (چه بد همدمی برگزیده است و) شیطان بدترین همدم است.

این آیات به مذمت کسانی نازل شد که مال های خود را در راه الله مصرف نمیکنند که خدمت والدین ، احسان به اقارب و یتیم ها و مساکین و همسایه و مسافر و غلامان خود مصرف نمی کنند و از حق الله نیز دفاع نمی کند و دیگر کسان را نیز به بخیلی امر می کنند نازل شده است . بعضی گفته در باره یهود نازل شده است چون آنها علم را که تحفه خداوند بود برایشان داده بود پنهان می کردند .

درین خو جای شک وجود ندارد که این معنی را می دهد خداوند از همین خاطر آنها را قرنا شیاطین بخیل است کسانی که از او پیروی کند نیز بخیل می شوند .^۲

ک: تبذیر و اسراف

مبذیرین نزد الله متعال برادران نزدیک شیطان اند که هیچ جدائی ندارند تا اینکه آنها را جدا کنید و برادر های شیطان کفور می باشد .

^۱: سوره نساء آیات ۳۷ و ۳۸

^۲: تفسیر القرآن العظیم - لابن کثیر - ج ۴ - ص ۴۶ - ۵۰

{ وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا }^۱

ترجمه:

حق خویشاوند را (از قبیل: صله رحم و نیكوئی و مودت و محبت)، و حق مستمند و وامانده در راه را (از قبیل: زکات و صدقه و احسان)، بپرداز، و به هیچ وجه باد دستی مکن. بی‌گمان باد دستان دوستان اهریمنانند (و گوش به وسوسه‌های ایشان می‌دارند و در انجام بدی‌ها همسان و همگامند) و اهریمنان بسیار ناسپاس (نعمت‌های) پروردگار خود هستند (و تمام توان خویش را در فساد و نافرمانی از خدا می‌گذرانند. باد دستی هم فساد و نافرمانی است، از آن خوشتن را برحذر دارید تا همچون اهریمنان بشمار نیائید و با ایشان در آخرت به دوزخ نیفتید). همانا اسرافکاران برادران شیطان‌ها و شیطان پروردگار خود را کفران کرد (تبذیر) یعنی زیاده روی و ریخت و پاش به منظور افساد، می‌فرماید: اسرافکاران برادران شیاطین هستند چون اسرافکاران با شیطان هم سنخ و ملازم بوده و ریشه و اصلشان یکی است، پس هر فرد مسرف ملازم و قرین یک شیطان است و مجموع آنها قرین شیاطین و دوست آنها هستند. و الله متعال بعد از تحذیر شدید از تبذیر از اسراف که کمی نزدیکتر آن است نیز خبر می‌دهد. بعضی از اوامر تنبیهی در قصه خروج آدم ع از جنت خبر می‌دهد: { يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا

زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ }^۲

ترجمه: ای آدمیزادگان! در هر نماز گاه و عبادتگاهی، خود را (با لباس مادی که عورت شما را بپوشاند، و با لباس معنوی که تقوا نام دارد) بیارائید، و بخورید و بنوشید ولی اسراف و زیاده روی نکنید که خداوند مسرفان و زیاده روی کنندگان را دوست نمی‌دارد. آیا تبذیر و اسراف فرق دارند و ای هر دو اهداف شیطان اند؟ برای جواب درستی این سوال باید اولاً تعریف هر دو را دقیق تر بدانیم:

^۱: سوره اسراء آیات ۲۶ و ۲۷

^۲: سوره اعراف آیه ۳۱

۱. **تبذیر** : از بذرت حب گرفته شده به معنی نثار است به معنی جدا سازی و پراکندگی در ریخت و پاش است و در اصل به معنی پاشیدن بذر است که برای هر کس که مالش را ضایع می کند به کار می رود.^۱

۲. **سرف** : تجاوز از حد را گویند - تجاوز کردن و از حد گذشتن در همه کار را می گویند و در اصطلاح نیز به همین معنی عام استفاده می شود.^۲

با این توضیح مشخص است که مترادف گرفتن این دو لفظ مبهم نیست زیرا مفهوم اسراف و تبذیر با وجود نزدیکی با هم اختلاف اساسی دارند چنانچه اسراف خارج شدن از حد اعتدال را گویند بدون آنکه چیزی ظاهراً ضایع شود مثلاً : کسی که غذای چنان قیمتی تهیه کند که با هزینه آن بتواند تعدادی زیادی را آبرومندانه تغذیه کرد. درین جا از حد اعتدال تجاوز شده ولی ظاهراً چیزی نابود نشده است اما تبذیر در موردی است که نعمت را آنچنان مصرف کنیم که به اتلاف و تضییع منجر شود مثلاً : اینکه برای دو نفر غذای ده نفر را تهیه شود و باقی مانده غذا در زباله دانی انداخته شود .

اسراف برای وضع شی در غیر محل آن نیز گفته شده طوری که ابن مسعود معنی تبذیر را بیان نموده که در عهد نبی صلی الله علیه و سلم گفت ما نزد رسول الله در باره تبذیر صحبت می کردیم که تبذیر مصرف در غیر محل آن و قتاده هم چنین بیان نمود : *النفقة فی معصیه لله و در غیر را حق و در فساد مگر سرف وضع شی در غیر جای آن و زیاده روی در آن* -^۳

حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم را بیان نمود که حضرت فرمودند : *" کلوا واشربوا و تصدقوا و البسوا فی غیر مخیلة و لا سرف ، ان الله یحب ان تری نعمته علی عبده "* ، فالرسول - صلی الله علیه و سلم - *أمرنا بأن نعمل ما أحل الله من فطر المخلوقات ، ولكن دون مبالغة فیها بالإسراف ، وإن کانت حلالاً ، فالإقتصاد مطلوب فی کل شیء*؛^۴

پس رسول الله (صلی الله علیه و سلم) بر چیزی که الله امر نموده ام بدون ازینکه از حد بگذریم اگر حلال باشد پس اقتصاد در هر چیز منظور است .

^۱: لسان العرب - لابن منظور - ج ۴ - ص ۵۰ .

^۲: لسان العرب - لابن منظور - ج ۹ - ص ۱۵۰ ، ۱۵۱ .

^۳: جامع البیان - للطبری - ج ۱۵ - ص ۹۴ .

^۴: مسند أحمد - ج ۲ - ص ۱۸۲ - ح ۶۷۰۸ ، قال شعيب الأرنؤوط : إسناده حسن .

و از کلام حارث محاسبی است که می گوید : أوصیکم بالاعتقاد فیما رزقتم ، فإنه من صلاح الدین ، وأحذركم من الإسراف فی وقت الغنی ، فإن الله یكره السرف فی كل شیء ، وقد ذمّ الله تعالی المسرفین ، ومدح الذین لم یُسرفوا ولم یقتروا ، وبلغنا عن بعض التابعین أنه قال : كفی بهذا إسرافاً أن یأكل العبد ما یشتهی ، ویلبس ما یشتهی "برای شما اقتصاد را توصیه می کنم که برای بهبودی دین است و از اسراف در حذر می دارم در وقت توانائی خداوند اسراف را نا پسند و مسرفین را دوست ندارد . و مورد مذمت خود قرار داده است و کسانی که اسراف نمی کنند مدح نموده است .

هم چنان بعضی تابعین می گویند همین اسراف که هر چیز اشتهایت می آید می خوری و هر چه خورشت می آید می پوشی است .^۱

فرق بین بخل و تبذیر

این ها هر دو ویژگی مذموم شیطانی اند . هر چند ظاهراً با هم تفاوت دارند اما از یک منبع سرچشمه گرفته اند . زهر های اند که از یک مار بیرون شده اصل حب و دنیا شیطان است . چه انفاق در راه الله و چه در غیر راه الله باشد و یا اینکه مصرف نکردن در راه الله باشد . بناء جای تعجب نیست که هر دو صفت را در عین حال یک نفر داشته باشد چون اگر پول را در راه الله مصرف نکنند صدقه ندهند زکات ندهند و یا اینکه هیچ خرج نکند برابر است با اینکه به لذایت و شهوات نا مشروع مصرف کند . اگر مصرف نکند از ترس اینکه سرمایه اش کم نشود و نفع هم ندارد و یا اینکه به هوا و نفس خود لذایت غیر شرعی را مصرف می کند برابر است . اینگونه افراد در زمان ما بسیار اند چون زمانیکه یک دعوتگر او را با وجود توانائی او که خداوند برکات زمین را برای او داده بود بخواهد که در راه الله انفاق کند اگر چه برایش آسان هم باشد چهره اش تاریک و سیاه و سرخ می گردد و اگر برای لذت های دنیوی دعوت شود از خود بی خود می شه و به سرعت مثل اتم حاضر می گردد و انقدر مصرف می نماید و اسراف می کند که هیچ نمی داند .

^۱: الحارث بن أسد بن عبد الله المحاسبی البصری کنیه أبو عبد الله ابو عبدالله حارث ابن اسد محاسبی بصری (۲۴۳-۱۶۵ هـ. ق) حدود سال ۱۶۵ هجری قمری در بصره به دنیا آمد و در سال ۲۴۳ هجری در بغداد از دنیا رفت - دکتر مهدی دهباشی، تاریخ تصوف (جلد اول) سیر تطور عرفان اسلامی از آغاز تا قرن ششم هجری مواعظ - از دکتر سید علی اصغر میرباقری - الإمام الحارث المحاسبی - جمع صالح الشامی - ص ۴۲ .

لباس های متنوع ، غذا های متنوع ، موتر های متنوع حتی بعضی لباس ها را برای بار دوم نمی پوشد .

وی در هدر دادن پول درین مسایل هیچ مشکل ندارد هرچند میزان پولش در قمار، موسیقی ،الکل

ک : تغییر خلق الله

اصل بزرگی که تحت این عنوان داخل می شود تمام چیزی های را که الله فطرتا خلق نموده تغییر بدهند می باشد.

شیطان برای تحقق این هدف که مخالف فطرت ربانی است کوشش می کند .الله این را از زبان شیطان حکایت می کند :

{ وَأَضَلَّهُمْ وَلَأْمَنَّهُمْ وَلَأْمَنَّهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا }^۱

ترجمه:

حتماً آنان را گمراه می‌کنم و به دنبال آرزوها و خیالات روانشان می‌گردانم، و (آن گاه که بدین وسیله ایشان را فرمانبر خود کردم، هرچه را خواستم) بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان (اعمال خرافی انجام می‌دهند و از جمله:) گوشهای چهارپایان را قطع می‌کنند، و بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان آفرینش خدا را دگرگون می‌کنند (و حتی دین خدا را تغییر می‌دهند، و فطرت توحید را به شرک می‌آیند!) و هر که اهریمن را به جای خدا سرپرست و یاور خود کند، به راستی زیان آشکاری کرده است.

درین آیت دو مساله موجود است : بریدن گوش حیوان و تغییر خلق الله

تبکیک یا بریدن گوش حیوان

تبکیک از تبک گرفته شده به معنی قطع و بتک قطع کردن گوش از اصل آنرا گویند . اما تبکیک نزد عرب بریدن گوش حیوانات است که انها را حرام دانستند و به الله افتراء نمودند . از قتاده روایت است که: گوش حیوانات را می بریدن و در مشقت رهایشان می کردند تا بحیره گردد .^۲

طبری می گوید : تبک به معنی قطع کردن است و درین جا قطع کردن گوش بحیره است .

^۱: سوره نساء آیه ۱۱۹

^۲: لسان العرب - لابن منظور - ج ۱۰ - ص ۳۹۵ .

این تغییر را در شترها می‌آوردند، این تغییر وحی شیطانی است تا توسط این کار به الله افتراء ببندند.^۱

تغییر در خلق الله

شیطان در دعوت خود از خاص به طرف عام انتقال می‌کند. این عمل را از مثال که عرب در بین‌شان شائع بوده به طرف تغییر عموم خلق الله گسترش می‌دهد. و در باره تغییر خلق الله اقوال مختلف آمده است:

از ابن عباس روایت است که: خصی کردن را می‌گویند و در روایت دیگری او تغییر دین الله را می‌گوید.

از مجاهد، عکرمه، ابراهیم نخعی، حکم، حسن، سدی، قتاده و ضحاک و اعطا خراسانی نیز به همین معنی نقل شده است.

از حسن در یک روایت دیگر به معنی الوشم آمده است.

از این روایات معلوم میشود که خصی، وشم، و تغییر خلق الله می‌باشد.^۲

قول برگزیده قول طبری است:

که او می‌گوید که مراد تغییر تغییر دین الله است^۳ نظر به دلیل ایه قرآنی:

{ فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ }^۴

ترجمه: روی خود را خالصانه متوجه آئین (حقیقی خدا، اسلام) کن. این سرشتی است که خداوند مردمان را بر آن سرشته است. نباید سرشت خدا را تغییر داد (و آن را از خداگرایی به کفرگرایی، و از دینداری به بی‌دینی، و از راستروی به کجروی کشاند). این است دین و آئین محکم و استوار، و لیکن اکثر مردم (چنین چیزی را) نمی‌دانند.

۱: جامع البیان - للطبری - ج ۵ - ص ۳۶۲.

۲: تفسیر القرآن العظیم - لابن ابی حاتم - ج ۴ - ص ۱۰۷۰.

۳: جامع البیان - للطبری - ج ۵ - ص ۳۶۷.

۴: سوره روم آیه ۳۰.

و تبکیک تغیر محسوسات است که شامل خصی کردن ،وشم و غیره ... را شامل می شود و تغیر خلق الله عام است که شامل معنی دین نیز می شود که خطر آن بزرگتر است و شیطان در تحقق آن علیه دشمنان خود کوشا تر می باشد .

شنقیطی می گوید : بعضی علما در معنی این ایت گفته اند که شیطان امر به کفر می کند و تغیر فطرت که الله تمام انسانها را به فطرت اسلام خلق نموده است .^۱

شیطان از تغیر خلق الله چه مراد دارد؟

مراد شیطان از تغیر خلق الله مخالفت کردن با الله است . الله متعال همه را به فطرت اسلام خلق نموده و به همان شکل که فطرتا آفریده شیطان خوش نیست که این امر الله به حالش باقی مانده و تطبیق شود و بخاطر دشمنی با دین الله و فطرت انسانی ، مردم را تشویق به این عمل می کند .^۲

^۱: أضواء البیان - للشنقیطی - ج ۱ - ص ۲۴۵

^۲: مرجع سابق - ج ۱ - ص ۲۴۶

مبحث سوم

متلاشی کردن جامعه

این هدف در واقع همانند اهداف سابقه می باشد اما در معنی یکمقدار تفاوت دارد . شیطان درین هدف می خواهد در بین افراد جامعه دوری و دشمنی ایجاد کند چون اگر همه متفق باشند شیطان بالای شان پیروز شده نمی تواند بناء افراد را به سوی اهداف و مقاصد شخصی و پوره کردن رغبت های شهوانی با دیگران تشویق می کند تا با دیگران به مخالفت بپردازد و از اجتماع بیرون شود .

الف : حيله و مکر و انداختن دشمنی بین مردم

خداوند بندگان خود را ازین کید و مکر شیطانی تحذیر نموده که شیطان می خواهد آنها را فریب داده و میان آنها دشمنی بیاندازد .

{ وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا

مُيَبِّئًا }^۱

ترجمه: (ای پیغمبر!) به بندگانم بگو: سخنی (در گفتار و نوشتار خود) بگویند که زیباترین (و نیکوترین سخن ها) باشد. چرا که اهریمن (به وسیله سخن های زشت و ناشیرین) در میان ایشان فساد و تباهی به راه می اندازد، و بی گمان اهریمن (از دیر باز) دشمن آشکار انسان بوده است (و پیوسته در صدد برآمده تا آتش جنگ را با افروزینه و سوسه شعلهور سازد).

جزایری در تفسیر این آیت می گوید: شیطان همیشه در صدد فساد است فساد زمانی بوجود می آید که کلمات غضب آلود یک شخص وادار شود و و این کلمات وادار کننده لجاجت و دشمنی را پدید می آورد.^۲

شیطان قبلا در فریب دادن برادران یوسف علیه سلام موفق شد طوریکه خداوند متعال در قرآن می فرماید که یعقوب به پسر خود گفت :

{ قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ }^۳

ترجمه: (پدرش) گفت: فرزند عزیزم! خواب خود را برای برادرانت بازگو مکن، (چرا که

مایه حسد آنان می شود، و اهریمن ایشان را بر آن می دارد) که برای تو نیرنگ بازی و

^۱: سورة الإسراء - الآية ۵۳

^۲: أيسر التفاسير - للجزائري - ج ۲ - ص ۶۰۷

^۳: سورة يوسف ، الآية ۵

دسیسه‌سازی کنند. بی‌گمان اهریمن دشمن آشکار انسان است.

یعقوب احساس کرده بود که یوسف ع‌شان عظیم خواهد داشت و اگر برادران وی خبر شوند در مقابل حقد می‌نمایند و شاید برای یوسف ضرری برسانند چون شیطان دشمن آشکار انسان است. سحر هم یکی از چنین اعمال است که بین زن و مرد جدائی می‌آورد. شیطان با این کار خویش ضربه اساسی را به جامعه وارد می‌کند که خانواده است.^۱

زمانیکه گره خانواده را باز نمود اجتماع خود بخود از بین می‌رود. خداوند متعال برای این هدف بعد از سحر می‌گوید:

(وَقَبَعُوا مَا تَتَلَوُا لَشَىٰ طِينٍ عَلَىٰ مَلَكٍ سَلَىٰ مَمْنٌ وَمَا كَفَرَ سَلَىٰ مَمْنٌ وَلَكِنَّ لَشَىٰ طِينٍ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ لَسْحًا وَمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ مَلَكِيَّ بَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرَا فَيَعَلِّمُونَ مِنْهُمَا مَا يَفْرِقُونَ بَيْنَ بِيِّنٍ أَلَمْرَةِ وَزَوْجَةٍ وَمَا هُمْ بِضَآرِرِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ إِلَّا يُلَاقُونَ اللَّهَ وَيَعَلِّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَقَدْ عَلَّمُوا لَمَنْ شِئْتُمْ لَهُ فِي أَلْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلِيَّسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ)^۲

ترجمه: و (گروهی از احبار یهود) به آنچه شیاطین صفتان و گناه پیشگانشان درباره سلطنت سلیمان (به هم می‌بافتند و بر مردم) می‌خواندند، باور داشتند و از آن پیروی نمودند. (چه گمان می‌بردند که سلیمان پیغمبر نبوده و بلکه جادوگر بوده است و با نیروی سحر، پری‌ها و پرندگان و بادها را به زیر فرمان خویش در آورده است و لذا شاه جادوگر کافری بیش نبوده است). و حال آن که سلیمان هرگز (دست به سحر نیالوده و) کفر نورزیده است، و بلکه (این) شیاطین صفتان گناهمپیشه، کفر ورزیده‌اند. (زیرا چنین سخنانی را به هم بافته و به پیغمبر خدا سلیمان افتراء بسته و به جای دستورات آسمانی، به مردم) جادو و (خرافات و از آثار بجا مانده) آنچه در بابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل گردیده بود می‌آموزند. (دو فرشته‌ای که طریق سحرکردن را برای آشنائی به طرز ابطال آن به مردم یاد می‌دادند) و به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند، مگر این که پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو (و آنچه به تو می‌آموزیم، به آشوب و کفر منتهی می‌گردد. آن را بشناس و خویشتن را از آن به دور دار. لیکن مردم نصیحت نپذیرفتند و از آموخته‌هایشان سوء استفاده کردند). از ایشان چیزهائی آموختند (و

^۱: فی ظلال القرآن - لسید قطب - ج ۴ - ص ۱۹۷۱

^۲: سورة البقرة، الآية ۱۰۲

در راهی از آن استفاده کردند) که با آن میان مرد و همسرش جدائی می‌افکندند. (آری این شیطان صفتان گناهمیشه، کفر ورزیدند، چون این‌گونه یاومگوئی‌ها و افسانه‌سرائی‌های گذشتگان را بهم بافتند و آن را وسیله آموزش جادو به یهودیان کردند) و حال آن که با چنین جادوی (خویش) نمی‌توانند به کسی زیان برسانند مگر این که با اجازه و خواست خدا باشد. و آنان قسمتهائی را فرا می‌گرفتند که برای‌شان (از لحاظ دنیا و آخرت) زیان داشت و بدی‌شان سودی نمی‌رساند. و مسلماً می‌دانستند هر کسی خریدار این‌گونه مناع باشد، بهره‌ای در آخرت نخواهد داشت. و چه زشت و ناپسند است آنچه خود را بدان فروخته (و آن را پیشه خویشتن ساخته‌اند) اگر می‌دانستند (و علم و دانشی می‌داشتند).

شیطان توسط سحر نفاق را در دل‌های هر دو مرد و زن می‌اندازد طوریکه هیچ کدام یکدیگر را خوش نمی‌داشته باشد بد بین شده و بالاخره سبب تفریق‌شان می‌گردد.^۱
 خداوند درین باره می‌فرماید: { إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ ... }^۲

ترجمه: شیطان می‌خواهد از طریق میخوارگی و قماربازی در میان شما دشمنانگی و کینه‌توزی ایجاد کند و شما را از یاد خدا و خواندن نماز باز دارد. پس آیا (از این دو چیزی که پلیدند، و دشمنانگی و کینه‌توزی می‌پر اکندند، و بندگان را از یاد خدا غافل می‌کنند، و ایشان را از همه عبادات، به ویژه نماز که مهم‌ترین آنها است، باز می‌دارند) دست می‌کشید و بس می‌کنید؟!
 خداوند میداند که بواسطه شراب، قمار، بین بنده هایش شیطان عداوت را می‌اندازد پس درین آیت آگاهی می‌دهد که ازین کارها بندگان دور باشند.^۳

ب : شراب نوشی

بهترین لقب برای شراب ام‌الخبائث است .

این عبارت دقیق می‌باشد طوریکه نبی کریم صلی الله و علیه وسلم به شراب ام‌الخبائث گفته است .

شراب نقشه و یا ابزار بزرگی برای در انداختن و انجام دادن اعمال نا مشروع که بعدا می‌اید است الله متعال صریحا درین ایت بیان داشته :

^۱: جامع البیان - للطبری - ج ۱ - ص ۶۰۷

^۲: سورة المائدة ، الآية ۹۱

^۳: الجامع لآیات الأحكام - للقرطبی - ج ۶ - ص ۲۹۱

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ }^۱

ترجمه: ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان (سنگی که در کنار آنها قربانی می‌کنید) و تیرها (و سنگ‌ها و اوراقی که برای بخت‌آزمایی و غیگویی به کار می‌برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند و (ناشی از تزیین و تلقین) عمل شیطان می‌باشند. پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید.

در ایه فوق کلمه رجس به معنی خبث، چرکی و پلیدی است و کارهای ناپسند ظاهری و از چیزهای نکوهش شده باطنی می‌باشد و معنی این که شراب خوری را از عمل شیطان بخ حساب آورده این است که اگر کسی شراب را بخورد به هر امر شیطان لبیک می‌گوید. این بهترین وسیله برای گمراه کردن مردم می‌باشد.^۲

شراب بر علاوه اینکه انسان را بی عقل می‌سازد برای او ضرر نیز می‌رساند و سبب نفاق و مشکلات و بی نظمی در جامعه گردیده منجر به بزرگترین گناهان چون قتل و زنا و فتنه‌ها و دشمنی در جامعه انسانی می‌گردد.

قصه ذیل خطر بزرگ از نوشیدن خمر را حکایت می‌کند:

طبری به سند خود از مصعب بن سعد از پدرش روایت می‌کند که گفت: یکتن از انصار ما به صرف طعام دعوت کرد و گفت که ما آنقدر خمر نوشیدیم که مست شدیم بعد ازین قریش و انصار هریک بالای خود افتخار می‌نمودند. انصار می‌گفت ما از شما بهتریم درین اثنا یکتن از انصار ریش سعد را گرفت و بر زیر زرخ او محکم زد و او را زخمی کرد همین بود که این آیت نازل گردید (۳)(۴):

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ ... }^۵

شراب در دنیای امروزی

در گذشته تنها به اسم خمر یاد میشد اما امروزه نام اش تغیر نموده و به نام های مختلف یاد می‌شود که جوهر آن همان جوهر اصلی شنه آور است.

^۱: سورة المائدة، الآية ۹۰

^۲: التحرير والتنوير - لابن عاشور - م ۴ - ج ۷ - ص ۲۴.

^۳: صحيح مسلم - كتاب فضائل الصحابة - باب: فضل سعد بن أبي وقاص - ح ۶۲۸۳ - ص ۱۱۰۳ وهو جزء من حديث طويل

^۴: جامع البيان - للطبري - م ۵ - ج ۷ - ص ۴۶

^۵: سورة المائدة، الآية ۹۰

قاعده اسلامی در باره نشه باب هم تغیر نخورده است . از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: (کل مسکر خمر و کل مسکر حرام)^۱ تمام چیز های نشه آور خمر بوده و تمام نشه اور ها حرام است . در عهد نبی صلی الله علیه و سلم نیز نام این نشه باب تغیر نموده بود اما جواب کل مسکر حرام بود . از ابیبو موسی اشعری روایت است که وی را رسول الله صلی الله علیه و سلم به یمن فرستاده بود از وی پرسید: نوشیدنی های که آنجا تولید می شود چیست؟؟ گفتم بتع و مزر پرسید بتع و مزر چیست؟ گفتم شراب عسل و شراب گندم گفت: کل مسکر حرام -تمام نشه اور ها حرام است.^۲

برای ما و شما لازم است تا بدانیم که بعضی از جوانان ما در معرض مواد مخدر بنام زهر سفید (پودر) و یا تابلت K واقع شده و می گویند که نص قرآنی در مورد آنها وجود ندارد. عجیب است که مفتی فریب دهنده خود شده و نمی داند که احکام شیطان را عملی می کند طوریکه در قرآن ایه مبارکه: { يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ }^۳

ترجمه: ای مؤمنان! میخوارگی و قماربازی و بتان (سنگی که در کنار آنها قربانی می کنید) و تیرها (و سنگ ها و اوراقی که برای بخت آزمائی و غیبگویی به کار می برید، همه و همه از لحاظ معنوی) پلیدند و (ناشی از تزئین و تلقین) عمل شیطان می باشند. پس از (این کارهای) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید.

را بخوانیم ، می دانیم که شیطان دشمن قدیمی ما بوده و در گذشته و امروز به انواع مختلف ما را فریب میدهد بعضا توسط پیروان انسی خود نیز فریب می دهد . در هر حالت نتیجه بزرگ و وخیمی دارد .

^۱: صحیح مسلم - کتاب الأشرية - باب: أن كل مسكر خمر وأن كل خمر حرام - ح ۵۲۱۸ - ص ۱۰۶۳ .
^۲: صحیح البخاری - کتاب المعازی - باب: بعثت أبا موسى ومعاذ إلى اليمن قبل حجة الوداع - ح ۴۳۴۳ - ص ۳۵۵
^۳: سورة المائدة ، الآية ۹۰ .

ج: قمار بازی

سرگرمی است که مفضی به خصومت ها و تنازع و کینه در قلب می شود و از آثار او دشمنی بین مردم می باشد . این همان میسری هست که خداوند همراه خمر در یک آیت ذکر نموده است.^۱

قمار امروز به انواع مختلف آن وجود دارد و در مورد اینکه معنی میسر چه می باشد از حسن روایت است که میسر قمار را گویند.

ابن عباس می فرماید : میسر به معنی قمار است . از حسن نیز روایت شده که مراد از میسر قمار است .^۲

تمام انواع قمار وحی شیطانی بوده که مردم را به گناه تشویق می کند.

قمار بازی ، مسابقات ، معاملات تجاری مهمی اسهام و دیگر بخش های مسابقات که بالای آنها پول به اشتراک گذاشته می شود همه و همه قمار است که الله متعال از جمله عمل شیطان و رجس خوانده است .

د: کشف عورت

این هدف تحت اهداف سابقه می آید که از بین بردن مجتمعات هدف اصلی اش است و این هدف اساس ارتباطات و خانواده را از بین میبرد . این هدف حفظ عزت و ناموس یک خانواده را به خطر مواجه می سازد .

شیطان برای تحقق این اهداف شوم خود این وسیله را انتخاب کرده است . زن که اصلا برای ترکیب و تربیت اولاد و تولید مثل است اگر از ساحه عفت خارج شود اجتماع را منهدم می سازد .

در سنت الله متعال زن برای اعمار زمین و زنده ساختن حیات آفریده شده است . زمانیکه چنین اهمیت بزرگ را الله متعال برایش داده شیطان می خواهد او را از هدف اصلی که خداوند به منظور تحقق آن آفریده، منحرف نموده و مصدر فتنه بگرداند .

ابلیس این حقیقت را که زن می تواند اجتماع را منهدم سازد را در همان اوایل خلقت می دانست که آدم و حوا را فریب داد تا از درخت ممنوعه بخورند و ستر عورت شان از بین برود و عریان

^۱: لسان العرب - لابن منظور - ج ۵ - ص ۲۹۵-۳۰۰

^۲: جامع البیان - للطبری - م ۲ - ج ۲ - ص ۴۷۵

شوند به همین مقصد آنها را تشویق به خوردن نمود تا باب هدف و مقصودش که کشف عورت بود باز شود الله متعال می فرماید :

{ فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا ... }^۱

ترجمه: سپس اهریمن آنان را وسوسه کرد تا (مخالفت با فرمان خدا را در نظرشان بیاراید و لباس هایشان را از تن به در آورد و برهنه و عریان‌شان سازد) و عورات نهان از دیده آنان را بدی‌شان نماید، و (بدین منظور) گفت: پروردگارتان شما را از این درخت باز نداشته است، مگر بدان خاطر که (اگر از این درخت بخورید) دو فرشته می‌شوید، و یا این که (جاودانه می‌گردید و) از زمره جاویدانان (در این سرا) خواهید شد.

درین ایه لیبدی به معنی ظاهر ساختن عورت و پوشش است. من سواتهما – مواضع که کشف آن ناپسند است. در همین جا است که کشف آنها سبب بیرون شدن شان از جنت شد.^۲ و هب بن منبه می گوید: لباس حوا و آدم نور بود که فرج هایشان را پوشانیده بود که معلوم نمی شدند اما زمانی که از درخت ممنوعه خوردند معلوم شد.^۳

بعد ازین برای بنی آدم نصایح الله متعال برای در حذر داشتن از شیطان که دشمن اولی آدم بود آغاز می شود.

{ يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ يَنزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ }^۴

ترجمه: ای آدمیزادگان! شیطان شما را نفریبید، همان‌گونه که پدر و مادرتان را (فریفت و) از بهشت بیرون‌شان کرد و لباس‌شان را از (تن) ایشان بیرون ساخت تا عورات‌شان را بدی‌شان نماید. شیطان و همدستانش شما را می‌بینند، در صورتی که شما آنها را نمی‌بینید (لذا از راه‌های گوناگون و به شیوه‌های مختلفی که نهان از دید شما است بر شما پورش می‌آورند. باید چنین دشمنانی را پائید و از کید و مکرشان ترسید. با این توضیح که آنان بر مؤمنان تسلط ندارند و

^۱: سورة الأعراف ، الآية ۲۰

^۲: نظم الدرر – للبقاعی – ج ۳ – ص ۱۶

^۳: تفسير القرآن العظيم – لابن كثير – ج ۶ – ص ۲۷۵

^۴: سورة الأعراف ، الآية ۲۷

بلکه) ما شیاطین را دوستان و یاران کسانی ساخته‌ایم که ایمان نمی‌آورند (یعنی اهریمنان تنها بر غیر مؤمنان تسلط دارند).

این یک سری از صحنه‌های تمثیلی و توصیه‌های عملی از جانب خداوند متعال برای اولاد آدم بوده تا از شر شیطان آگاهی حاصل نموده در امان باشند.^۱

شیطان و زن

شیطان در همان مراحل اولیه زندگی اهمیت زن را در جامعه سازی درک کرده بود که فطرتا به را خداوند و به منهج الله روان می‌باشد و در مقابل می‌تواند خطر شدید افساد جامعه باشد اگر طریقه فساد جامعه را اختیار کند. درین صورت رئیس شیاطین گشته و قدرت بیشتر را برای اغوا نمودن بشر دارد.

حسن بن صالح^۲ می‌گوید: شنیدم که شیطان به یک زن گفت: تو نصف لشکر من هستی و تو کمانی هستی که اگر از تیر را از طریق تو بطرف کسی پرتاب شود خطا نمی‌رود. تو محل راز های من هستی، در وقت حاجت رسول من هستی.^۳

طوری‌که رسول گرامی صلی الله علیه وسلم ما را اخبار نموده که اولین فتنه عظیم توسط زن به اولاد اسرائیل صورت گرفته است در لفظ حدیث آمده: *إن الدنيا حلوة خضرة وإن الله مستخلفكم فيها، فينظر كيف تعملون، فاتقوا الدنيا واتقوا النساء، فإن أول فتنة بني إسرائيل كانت في النساء.*^۴

ه: زنا و جرایم اخلاقی

و در نتیجه گام قبلی که یاد آور شدیم، جوان گمراه (پسر و دختر) در لجنزارهای ناپاک شهوت رانی و فحشای بزرگ که عبارت از زنا است؛ گیر می‌افتند، شیطان لعین دشمنان اش را وعید داده است که به این عمل زشت دچار شان می‌سازد و برای نایل آمدن به این هدف اش شیوه‌های متعددی را به پیش می‌گیرد، چنانچه الله متعال می‌فرماید: *{ وَاسْتَفْزِرُوا*

^۱ فی ظلال القرآن - لسید قطب - ج ۳ - ص ۱۲۷۹

^۲ هو: الحسن بن صالح بن حی، وهو حیان بن شعیب الهمدانی، ثقة فقیه عابد، رومی بالتشیع، من الطبقة السابعة- تقریب التهذیب - لابن حجر - ترجمة ۱۲۵۰ - ص ۱۶۱

^۳ تلبیس ابلیس - ص ۳۹

^۴ صحیح مسلم - کتاب الرقاق - باب: أكثر أهل الجنة الفقراء وأكثر أهل النار النساء وبيان فتنة النساء - ح ۶۹۴۸ - ص ۱۱۵۳

مَنْ اسْتَطَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْبِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدْتُمْ
وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا { (۱)

ترجمه: و بترسان و خوار گردان با ندای (دعوت به معصیت و وسوسه) خود هرکسی از ایشان را که توانستی، و لشکر سواره و پیاده خود را بر سرشان بشوران و بتازان (و همه تلاش خویش را برای شکست دادن و گول زدن ایشان به کار گیر) و در اموال آنان (با تشویق و تحریکشان برای کسب آن از حرام و صرف آن در حرام) و در اولاد ایشان (با گول زدن اولیاء و رهنمود فرزندانشان به کفر و فساد در پرتو تربیت نادرستشان) شرکت جوی، و آنان را (به نبودن حساب و کتاب و بهشت و دوزخ، یا به شفاعت خدایان و بتان و بزرگواری خاندان و غیره) وعده بده (و بفریب)، و وعده شیطان به مردمان جز نیرنگ و گول نیست.

و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی دهد.

امام مجاهد می فرماید: مشارکت در اولاد به معنای زنا و ولد حرام است و همین طور ابن عباس نیز چنین اشاره می کند، امام طبری می فرماید: بهترین قول که نزدیک به صواب است عبارت از: هر اولادی که به دنیا می آید نام مورد پسند شریعت بالایش گذاشته نمی شود و یا در مورد دین داری اش توجه صورت نمی گیرد، یا هم در اثر زنا حرام زاده می شود، و یا طفل نوزاد زنده به گور می شود همین طور سایر مواردی که نافرمانی الله متعال را در پی داشته باشد مطمئناً در تولد این گونه نوزاد ها شیطان شریک است (۲).

و امام آلوسی مشارکت ابلیس را در اولاد بنی آدم چنین خلاصه می نماید: شیطان شریک نوزاد و طفل از طریق تشویق والدین به گناه و پرداختن به معاصی و همچنان مرتکب شدن اعمالی که مورد پسند الهی نیست؛ می شود (۳).

پس شیطان دنبال غرق ساختن انسان های مومن در رزایل اخلاقی است و می خواهد از همان ابتدا زندگی شان با زنا آغاز یابد، اولاد های شان بر غیر فطرت الهی بدنیا آید، زندگی شان بر حرام و حرامزاده گی بگذرد، تا باشد که در فرجام شامل حزب و گروه وی گردند.

۱- سورة الإسراء -، الآية ۶۴ .

۲- جامع البیان - للطبری - م - ۹ - ج ۱۵ - ص ۱۵۰ ، ۱۵۱ .

۳- روح المعانی - للآلوسی - م - ۹ - ج ۱۵ - ص ۱۶۲ .

و این گونه شیطان توانسته است تا فطرت سالم بسیاری از انسان ها را مکدر نموده و از آن طریق زنا را در میان ملت ها شایع سازد، در این مورد بجاست که مثالی را از دانشمندان گرامی ابوالعلی مودودی که در مورد ملت فرانسه گفته اند؛ نقل نماییم که نشان دهنده سبک نگری فرانسوی ها نسبت به عمل زشت زنا بوده و اینکه در اخلاق تمدنی شان زنا عیب نیست ... به تاریخ سوم ماه ژوئیه - سال ۱۹۱۹ م - فرمانده یکی از لشکرهای نظامی اطلاعیه ای را برای سربازان خود نشر کرد که محتوی آن ازین قرار است (اطلاعاتی که به ما رسیده ژنرال های پیاده و سواره در نظام شکایت دارند که نیرو های مسلح از کمبود زنان روسپی در داخل اردوگاه رنج می برند و می گویند که در حق شان ظلم شده و فرماندهان بلند رتبه کمتر اجازه می دهند تا دیگران از آن زنان فاحشه لذت ببرند ، ازینرو دفتر رهبری در نظر دارد تا زنان بیشتری را در خدمت عساکر قرار دهد و به دنبال افزایش تعداد زنان روسپی در اردوگاه می باشیم، اما تا افزایش زنان روسپی در اردوگاه، از فرماندهان بلند رتبه خواهش می کنیم تا نوبت را مراعات نموده و برای گذراندن شهوتشان کم تر در اطاق زنان روسپی باقی بمانند).

حالا خواننده گرامی در مورد این اطلاعیه ی که از آدرس رسمی وزارت دفاع کشوری مثل فرانسه که خود را در سطح بلند از فرهنگ و اخلاق می داند؛ بیاندیشد، به این نکته پی می برد که در قلب های شان حتی به اندازه دانه سپند، باور به زشت بودن زنا باقی نمانده است. و تصور جامعه ، قانون و حکومت خالی از این زشتی است^(۱).

این داستان در سال ۱۹۱۹ م یعنی نزدیک به ۸۵ سال قبل از امروز می باشد، حالا وضعیت امروزی را در سایه وحشتناک شیطانی می توان حدس زد که به چی حال بسر می برد ، در عصر حاضر زنا در اکثر کشور های غربی نیاز مبرم برای هر جوان اعم از پسر و دختر قبل از اینکه زندگی زناشوهری خود را آغاز نمایند؛ می باشد، تا جای که اگر یک جوان غربی قبل از ازدواج با دوست دختر خود یکجا زنا نکرده باشد برایش عیب تلقی می شود و بدتر از آن انحطاط اخلاقی به جای رسیده است که بعضی از کشور ها همجنس گرایی را به شکل رسمی اجازه داده است.

آنچه ذکر شد در سطح زنا و بداخلاقی بود ، اما برای کسی که خداوند متعال اولاد نصیب نکرده باشد ، شیطان از مسیر گمراه کننده دیگر رو می آورد و او را وارد عمل حرام شرعی

^۱ أبو الأعلى المودودی ، دار التراث العربی للطباعة والنشر - میدان المشهد الحسینی - القاهرة ، بدون تاریخ -الحجاب ، - ص ۴۱ .

دیگر که عبارت از فرزند خوانده گی است می سازد، فرزند خواندگی که در عربی آن را التبني می گوید بمعنای نسبت دادن فرزند به غیر پدر و مادرش می باشد. و این عمل در واقع دوام مخالفت در باب حکمت تحریم زنا است، زیرا در عمل زشت زنا اختلاط نسب و اولاد است و فرزند خواندگی نیز به نوعی دگرگون ساختن حقایق و اختلاط نسب به شمار می رود، و متأسفانه عده ای از انسان های گمراه به بهانه خراب شدن جلد و اندام شان از زایمان و اولاد آوردن فرار می کنند و آسان ترین راه برای فرزند دار شدن را فرزند خواندگی می دانند. و شگفت انگیز تر از همه زن و مردی را دیدم که زایمان را کنار گذاشته و در عوض سگی را از یکی از مدارس تربیت حیوانات در فرانسه به فرزند خوانده گی گرفتند، آن هم نه به شکل رایگان، بلکه نزدیک به ۲۵ هزار دالر خریداری نمودند.

و مشارکت شیطان در اولاد بنی آدم تنها به زنا و بداخلاقی و یا فرزند خواندگی خلاصه نمی شود بل به گفته امام طبری تمام آنچه که مربوط دنیا آمدن اولاد بر خلاف رضای الهی بوده باشد از تسمیه غیر شرعی آغاز و زنا و بداخلاقی، زنده به گور کردن، فرزند خواندگی و غیره مخالفت اوامر الهی شامل این نکته می گردد^(۱).

و : استهزاء مومنین

یک یک هدف دیگر از اهداف شیطان است که در سلسله اهداف تمزیق اجتماعات مسلمانان می آید.

اصل در مومن محبتف رحم، مهربانی و ترحم است و زمانیکه یک برادر خود را در یک کار بد ببیند وی را در پنهانی از چشم مردم نصیحت می کند غرض او ازین کار اصلاح می باشد اما شیطان و پیروانش کوشش می کند که بدی های مومن را بیابند و آنرا بیان کند تا اینکه در اجتماع یک فساد را بوجود بیاورد و سخنان بد را گویند که بالای مردم تاثیر منفی دارد.

استهزاء مومن حالات و اشکال مختلف دارد که الوسی بیان می کند:

استهزاء : به معنی استحقار و ابراز عیوب و نقایص دیگران به طریقه که بالای او بخندند اشکال مختلف دارد می تواند گفتاری باشد فعلی و یا هم نوشتاری و اصل درین کار خفت است.

^۱ - جامع البیان - م ۹ - ج ۱۵ - ص ۱۵۰ ، ۱۵۱ .

ارتباط استهزاء با شیطان در آیت زیر معلوم می شود^۱: {وَإِذَا لَفُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ }^۲

ترجمه: وقتی که (منافقان) با مؤمنان روبرو می‌گردند، می‌گویند: ما هم ایمان آورده‌ایم. و هنگامی که با رؤسای شیطان صفت خود به خلوت می‌نشینند، می‌گویند: ما با شما ایم و (مؤمنان را) مسخره می‌نماییم.

توضیحات:

اهل تاویل به معنی (انما نحن مستهزونون) اجماع دارند که مراد آن مسخره کردن است پس معنی کلام چنین می‌شود:

وقتی منافقین دست خالی به سوی دوست های منافق و مشرک بازگشتند گفتند: ما همراهی شما هستیم در اینکه محمد را تکذیب می‌کنید و هم چنان دشمن دشمنان شما و کسانی که اتباع او هستند، هستیم. ما دوست های محمد را درینکه گفتیم (ما به الله و به روز آخرت ایمان داریم) مسخره کردیم.

پس این اقرار شان به شیطان شان حقیقت گفتار آنها را که طلب رضایت اقایان شان بود هرگاه آنها را به استهزاء کنند آنها عمل می‌کنند.

استهزاء به معنی استخفاف آمده که گوینده اش را خفیف می‌سازد در مقابل محاطب. شیاطین زمانیکه در مقابل مسلمین به ایمان الله و آخرت اقرار کردن یک نوع برای خود خفیف معلوم شدند.^۳

^۱: روح المعانی - للأوسی - ج ۱ - ص ۲۵۵

^۲: سورة البقرة ، الآية ۱۴

^۳: جامع البيان - للطبری - م ۱ - ج ۱ - ص ۱۷۰ ، ۱۷۱

فصل چهارم

خطوات (نقشه ها) شیطان

و به سه مبحث تقسیم می‌گردد:

مبحث اول: معنی و مفهوم خطوات شیطان

مبحث دوم: ابزار و راه های نفوذ شیطان در نفس

و به دو مطلب تقسیم می‌گردد:

مطلب اول: ابزار شیطان در اغوای انسان

مطلب دوم: راه های نفوذ شیطان

مبحث سوم: خطوات منهجی شیطان

و به پنج مطلب تقسیم می‌گردد:

مطلب اول: زیبا جلوه دادن عمل زشت

مطلب دوم: فراموشاندن

مطلب سوم: تمنی و به آرزو انداختن

مطلب چهارم: ترسانیدن از فقر و مرگ

مطلب پنجم: نزع و لمس

خطوات (نقشه ها) شیطان

در پیشگاه فصل

این فصل، ستون فقرات و شاه بیت رساله می‌باشد، طوری‌که در آنچه گذشت به مظاهری پرداختیم که از لحاظ ولایت، بندگان، اصناف و صفات به شیطان تعلق دارد. اما حالا داخل حقیقتی می‌شویم که با آن بشر را گمراه می‌کند، و به پنهانی‌های نیرنگ‌های شیطان و آنچه که از شأن آن است که بندگان را در ریسمانش بیندازد، می‌پردازیم؛ همه‌ی اینها و جز آن در تعبیر قرآنی «خطوات شیطان» خلاصه می‌گردد، پس این خطوات چه است و آیا این خطوات در امور معینی که کتاب الله آنرا محدد کرده، منحصر می‌گردد، بلکه آیا علمای امت بر مفهوم این تعبیر و مواد آن اتفاق کرده‌اند؟ همه‌ی این پرسش‌ها و جز آن، با قوت خود را در این فصل در پیشگاه پژوهنده مطرح می‌کند و در خلال این فصل می‌کوشیم که حقایق قرآنی را بر شماریم و در سیاق آشکاری دور از تداخل و غموضی در این تعبیر که بیشتر سلف و خلف به آن دچار شدند، آنرا متجلی گردانیم.

خطوة بمعنای گام، قدم و جای پا آمده است چنانچه می‌گویند: "سار فی خطاه خطوة حاسمة" یعنی گام‌های قاطع در آن کار برداشت، و نیز می‌گویند: تقدم خطوة اتخذ" یعنی در پی او و بدنبال او رفت. ^۱ آمده است.

^۱- معجم المقاییس فی اللغة - لاین فارس - ص ۳۲۲ و ۳۲۳

مبحث اول

ابزارهای شیطان و راه های نفوذ او به نفس

بعد از بیان اینکه خطوات شیطان چیست و بیان خطر آن بر بشر، حالا به آن ابزاری که شیطان در القای این خطوات در نفس بکار می‌برد و انسان بر آن روان می‌کند، می‌پردازیم، و شیطان در این مورد میان خطاب پنهانی برای نفس که به آن احساس نمی‌شود جز از گوشه‌های پنهانی و میان سخن مستقیم صادر شده از شیاطین انسی یا از عده‌ی شیاطین جنی که خود را در هیئت انسان در می‌آورد با او سخن می‌گویند که نسبت به روش اول خیلی اندک است، انتقال می‌کند. سپس به مداخل و مکامن بشری که شیطان از خلال آن به نفس بشری تسلل می‌کند و او را به آنچه که می‌خواهد دچار می‌کند.

مطلب اول: ابزارهای شیطان در اغوا انسان

اول: وسوسه

الف: مفهوم وسوسه

واژه‌ی وسوسه مقترن با شیطان در قرآن سه‌بار آمده است، دو‌بار در داستان ابلیس همراه آدم و یک بار در وسوسه‌ی عام شیطان برای بشر. قبل از آنکه در تعریف وسوسه در نزد اهل علوم وارد شویم، معنای لغوی آنرا ذکر می‌کنیم
وسوسه در نزد اهل لغت:

۱- وسوسه به معنی صدایی پنهانی از باد.

۲- وسواس: صدای مزین.

۳- الوسوسة و الوسواس به معنی حدیث نفس، گفته شده: وسوست إليه نفسه. وسوس الرجل: با او سخن گفت، سخن پنهانی.

۴- وسوس: هرگاه کلامی بگوید که آشکارش نکند^۱.

و وسوسه در اصطلاح: عبارت از «القای پنهانی در نفس یا با صدای پنهانی که کسی جز آنکه بر وی القاء می‌شود، آنرا نمی‌شنود یا هم بدون صدا طوری که شیطان به انسان وسوسه میکند»^۱.

^۱اللسان العرب، ابن منظور، جلد ۶ صفحات ۲۵۴ - ۲۵۵.

دوم: خطاب صریح

این روش سوم است که شیطان از خلال آن صدای باطل و اغواء خود را میرساند. سخن صریح مباشر با الفاظ واضح است. این وسیله تقریباً میان شیاطین جنی و انسی، منعدم است مگر در بعض حالات نادر که شیطان جنی در شکل انسان ظاهر می‌گردد. از جمله این خطاب صریح سخنی است که خداوند در سیاق سخن از غزوه بدر، از آن خبر داده است: { وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ

الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَآتِ الْفِنْيَانَ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ^۲

ترجمه: (به یاد آور) زمانی را که اهریمن (با وسوسه‌های خود) اعمال‌شان را در جلو دیدگان‌شان می‌آراست و می‌گفت: امروز هیچ کس نمی‌تواند بر شما پیروز شود و من هم‌پیمان و یاور شما هستم. اما هنگامی که دو گروه (مؤمنان و کافران) همدیگر را دیدند (و رویاروی شدند) بر پاشنه‌های خود چرخید (و از عهد و پیمان خود دست کشید) و گفت من از شما بیزار و گریزانم. من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید. من از خدا می‌ترسم. چرا که خدا سخت کیفردهنده و مجازات‌کننده است.

از ابن عباس-رضی الله عنه- روایت است که گفت ابلیس در لشکری از شیاطین به صورت مردی از بنی مدلج یعنی سراقه بن مالک ابن جعشم آمد و همراهش بیرقی بود؛ پس شیطان گفت امروز هیچ کسی از مردمان بر شما پیروز نخواهد شد و من حامی شما هستم، و جبریل علیه السلام در مقابل ابلیس آمد، در حالی که دست ابلیس در دست یکی از مشرکین بود، پس آنگاه که جبریل را دید، دست خود را دور کرد و خودش و گروه اش به عقب برگشتند، مردی گفت ای سراقه تو حامی ما هستی، پس گفت من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید -و این وقتی بود که فرشته‌ها را دید- من از الله می‌ترسم و الله دارای عقاب شدید است^۳.

پس این بیانی از سنت نبوی آشکار می‌کند که ابلیس به چهره انسانی که در میان مشرکین معروف بود تغییر هیئت داد، تا اغوایش و فریبش عمیق و موکد باشد.

^۱بدائع الفوائد، ۲ جلد دوم صفحه ۲۵۰

^۲: الأنفال: ۴۸

^۳الدر المنثور، سیوطی، ج ۴، ص ۷۷ - ۷۸.

اما اغلب و اعم در این وسیله (خطاب صریح شیطان) این است که آن، اغوای جن برای جن و انسان برای انسان می‌باشد، پس در چنین حالتی خطاب مباشر و مستقیم آسانتر و سریعتر در حصول هدف می‌باشد – هرچند در قوت و تأثیرش بر نفس با وسوسه مساوی نیست.

مطلب دوم : راه های نفوذ شیطان در نفس

مردم در طبیعت‌ها و مشارب و راه‌های اندیشیدن شان و آنچه که آنها را جذب می‌کند، اختلافی بزرگی دارند؛ این با عقل در فتنه میفتد و آن دیگری با عاطفه جذب می‌گردد و سومی عشق به مال دارد و آن دیگر حب ظهور دارد و کسی عشق به جاویدانگی دارد، لذا ورودی‌های شیطان که از آن رهگذر بر نفس وارد شده و اغواش می‌کند، متعدد و مختلف می‌باشد و این ورودی‌ها را نقاط ضعف انسان می‌نامیم^۱. پس هر انسان و جن بر خیر و شر خوی گرفته است و بر خیر سرشته شده است، پس هرکسی خوی اش بر فطرت و سرشتش غلبه کرد، نقاط ضعفش بیشتر شده و به تعقیب آن ورودی‌های شیطان، اما هرکسی فطرتش بر خوی اش غالب شد – و آن با تمسک به دین الله می‌شود- مخزن شر در وی کم شده و زود خواهد بود که ورودی‌های شیطان در وی بسته گردد^۲.

ابن قیم^۳ در وصف این ورودی‌ها می‌گوید: « خداوند انسان را از میان آفریده‌هایش انتخاب کرد، پس وی را تکریم کرد و برگزید و او را محلی برای ایمان و توحید و اخلاص و محبت و رجاء گردانید، و با شهوت و غضب و غفلت و دشمنش ابلیس، وی را ابتلاء کرد ... پس او (شیطان) بر وی از درب‌هایی که از نفس و طبع انسان است وارد می‌گردد، پس نفسش با او میل می‌کند، زیرا شیطان از راهی وارد میشود که نفس دوست دارد، پس شیطان همراه با نفس و خواست انسان بر علیه انسان متفق می‌گردند و این سه با هم جوارح را برای قضای خواسته‌های خویش می‌انگیزند»^۴.

همانا علمایی که در این موضوع نوشته اند، در شمارش ورودی‌های شیطان بر نفس وسعت داند و از آنها کسانی آنرا به عدت معینی مشخص کردند، چه، غزالی آنرا به هشت ورودی رسانیده

۱ الحکم العطائیه شرح و تحلیل، محمد سعید رمضان البوطی، جلد سوم صفحه ۶۵

۲ الحکم العطائیه شرح و تحلیل، محمد سعید رمضان البوطی، جلد سوم صفحه ۷۱

۳ شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن ایوب زرعی مشهور به ابن قیم جوزی (۶۹۱ – ۷۵۱ هـ) از علمای حنبلی و شاگرد شیخ الاسلام ابن تیمیه میباشد، مشهورترین آثار وی طب القلوب، اعلام الموقعین، مدارج السالکین، الوابل الصیب و غیره میباشد. (به نقل از اعلام الزرکلی)

۴ الوابل الصیب، ابن قیم، ص ۲۱.

است^۱ و کسانی بر آن افزوده و کسانی کاسته است، و کسانی آنرا به حدی مشخص نکرده اند، بلکه گفته‌اند که همه بیماری‌های قلب را شامل می‌شود.

نگاه قرآنی:

این نگاه به ورودی‌های (مداخل) شیطان بود، نگاه گسترده و مفصل و فراخ، نگاهی متکی و منبثق از قرآن اما؛ قرآن آن قدر به تفصیل امور و دقائق آن نپرداخته بلکه به سخنان اندک با بار معنایی فراوان، بسنده کرده است، چه، قرآن کریم سه ورودی را برای گمراه شدن، تبارز داده است، یکی آن در شأن خود ابلیس و دو دیگر آن در حق آدم و حواء؛ آنچه در حق ابلیس است پس آن کبر می‌باشد و آنچه در حق آدم و حواء است، پس آن عشق به جاویدانگی و مُلک می‌باشد. پس این سه صفت (کبر، محبت جاویدانگی یا خلود و ملک و دارای)، مجمع هر صفت پلیدی است که بعد از آن می‌آید، پس همه آنچه علماء از نقاط ضعف و بیماری‌های قلب ذکر کرده اند، تحت همین سه، مندرج می‌گردد:

اول : کبر و عجب

این صفتی است که ابلیس پدر شیاطین به آن گرفتار شد، چه، وی عابد و زاهد بود و اما تکبر و خود بزرگ بینی او را فرا گرفت و این چیزیست حق سبحانه در آیاتی از کتاب خود آنرا بازگویی می‌کند: { وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ }^۲

ترجمه: و هنگامی (را یادآوری کن) که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده (بزرگداشت و خضوع، نه عبادت و پرستش) ببرید. همگی سجده بردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید، و (به خاطر نافرمانی و تکبر) از زمره کافران شد.

فضیل بن عیاض می‌گوید: « هرگاه ابلیس بر فرزند آدم بر یکی از این سه خصلت پیروز شد، می‌گوید دیگر چیزی نمی‌خواهم: خود شیفتگی، عمل خود را زیاد حساب کردن و فراموش کردن گناهانش، و این می‌رساند که این سه، در بگیرنده اوصاف عجب که رأس بدی در نزد فضیل است، می‌باشد، به گونه‌یی که ابلیس بعد از آن هر عیبی را که دوست دارد تضمین می‌کند. یعنی عجب در نزد وی اصل همه بلاها و فتنه‌ها است و فضیل در این مورد آنچه را که از عیسی

^۱ احیاء علوم الدین، غزالی، جلد ۳، صفحه ۹۶۰ و ما بعد آن.
^۲ البقره: ۳۴.

علیه السلام برایش نقل شده، ذکر می‌کند، آنگاه که گفت: «چقدر چراغهایی است که باد آنرا خاموش می‌کند و چقدر عباداتی است که آنرا عجب تباه می‌کند، چه، عمل صالح روشنی است و نور به تاریگی دگرگون می‌شود، آنگاه که باد عجب بر آن بوزد»^۱.

دوم: محبت جاویدانگی

این صفت دوم است که قرآن آنرا در معرض سخنش از آنچه که شیطان با آن آدم و همسرش را لغزاند، تبارز می‌دهد، پس آن یکی از ورودی‌هایی است که شیطان از آن طریق به آدم و همسرش علیهما السلام نفوذ کرد، خداوند می‌فرماید: { ... وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَکَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ }^۲

ترجمه: و گفت: خدایتان شما را از این درخت نهی نکرد جز برای اینکه مبادا (در بهشت) دو فرشته شوید یا عمر جاودان یابید.

طبری با سند خود از ابن اسحاق از شماری از اهل علم تخریج کرده که «آدم هنگامی که در بهشت داخل شد و آنچه از کرامت و آنچه که خداوند از آن به وی اعطا کرده بود را دید، گفت اگر اینکه جاویدانه باشد، پس شیطان آنرا غنیمت شمرد و بر وی از راه جاویدانگی وارد شد»^۳.

سوم: محبت مُلک

هر کسی در این زمین جاویدانگی را دوست داشت و از دوری آن رویگردان بود، در قلبش محبت آن و عشق تملک در آن و ترقی در مراتب ملک آنرا میراث میبرد، لذا شیطان از دریچه صفت دوم که بر قلب آدم نفوذ کرد، وی را از خلال محبت تملک در دنیا وسوسه کرد، خداوند می‌فرماید: { فَوَسَّسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةٍ الْخُلْدِ وَمَلِكٍ لَا يَبُلَى }^۴

ترجمه: سپس شیطان (به نیرنگ و حيله نشست و) آدم را وسوسه کرد (و بدو) گفت: آیا تو را به درخت جاویدانگی و ملک فناپذیر رهنمود کنم؟ (اگر از این درخت ممنوع بخورید، دیگر نمی‌میرید و سرمدی می‌شوید).

^۱العواتق، التألیف: محمد احمد الراشد (مؤلف). النشر: ط ۲۱ بیروت (لبنان): مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۸، صفحه ۵۰، با تصرف اندک.

^۲سوره الاعراف آیه ۲۰

^۳جامع البیان، طبری، جلد ۸ صفحه ۱۷۹.

^۴سوره طه آیه ۱۲۰

پس این ناتوانی نهفته در تمامی بشر می‌باشد، و بر آن خو گرفته اند و هرکس آنرا با عشق جاویدانگی و طول آرزو تغذیه کرد، بر نفس خود درهای شیطان را برای نبرد آن باز کرد و هرکسی آنرا با زهد در دنیا و عشق دیدار خدا مداوا کرد، پس بر شیطان آن درها را بسته و وی را خوار و ذلیل برگردانیده است.^۱

^۱-الشیطان وغایاته، وائل عمر البشیر، ۲۰۰۵ م الجامعة الاسلامیة غزة. ص ۱۳۴.

مبحث دوم

روش های شیطان

بعد از شناخت ماهیت خطوات شیطان و خطر آن بر انسان، در این مبحث این روش های که با آن شیطان دشمنان خود را به شکارگاه های خود جذب می کند و آنها در معصیتی پی معصیت واقع می کند تا اینکه خاتمه اش با کفر شود، آشنایی میابیم

مطلب اول: تزیین و تسویل (آسان سازی) باطل

تزیین باطل و تحسین آن در نفس انسان، از نخستین و خطرناکترین گامهای شیطان است، طوری که این آراستن راه خود بسوی قلب و عقل از گذر و سوسه ها میگیرد، پس آنرا حمل می کند و از گذر نقاط ضعف انسان وارد می گردد. کتاب عزیز و اثره های تزیین و تسویل را به عنوان یکی از منهج های شیطان به کار برده است، پس تزیین و تسویل در نزد اهل لغت چیست؟

اول : تزیین و تسویل از لحاظ لغوی

تزیین: زاء و یاء و نون، اصل صحیح است، بر زیبایی چیزی و و تحسین آن دلالت دارد، پس زین نقیض شین است، گفته می شود: زینتُ الشيءُ تزییناً یعنی چیز را آراستم آراستی و ازینت الأرض و از دانت، یعنی هرگاه زمین را گیاهانش زیبا کند.^۱ سول: سین، واو و لام اصلی است که بر نرمی و سستی در چیزی دلالت دارد، گفته می شود: سولَ یسول سولاً، اما سخن آنها (عرب) سولتُ له الشيءُ، یعنی آراسته و آسان کنم یک چیز را برای او.^۲

پس دو واژه -بر حسب لغت- بر یک معنی جمع میشود و آن: آراستن و آسان کردن معصیت برای فاعل آن است، هر چند که میان دو واژه تفاوت های وجود دارد. به هر حال، تسویل مرتبط با شیطان، یک بار در کتاب الله آمده است و آن در این سخن پروردگار: { إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ }^۳

ترجمه:

^۱ معجم المقاییس فی اللغة، ابن فارس، ص ۴۶۷.
^۲ معجم المقاییس فی اللغة، ابن فارس، ص ۴۹۸ - ۴۹۹.
^۳ سوره محمد آیه ۲۵

کسانی که بعد از روشن شدن (راه حقیقت و) هدایت، به کفر و ضلال پیشین خود برمی‌گردند، بدان خاطر است که شیطان کارهایشان را در نظرشان می‌آراید و ایشان را با آرزوهای طولانی فریفته می‌دارد.

از قتاده روایت است: «سؤل لهم: برایشان آراست و آسان ساخت»^۱ و از حسن بصری: «گناهان شان را برایشان آراست»^۲، پس سلف اینجا تسویل و تزیین را به اعتبار اینکه موادشان یکی است برابر دانسته اند و اما؛ هرگاه به مفسرین اهل لغت و بلاغت نگاه کنیم، در نزد آنها تفصیل زیادت بر این معنی میابیم، طاهر بن عاشور می‌گوید: «و تسویل: تسهیل و تزیین آنچه که بر حصول آن، نفس حریص است»^۳.

محورهای تزیین

و شیطان در تزیین عمل برای دشمنان خود بر دو محور اساسی عمل می‌کند و آنها: محبوب ساختن باطل به نفس و تنفیر از حق است. در قرآن زیادی از این مثالها که شیطان در آن کفر و باطل را برای دشمنان خود آراسته و آنها نیز از وی در آنچه که می‌خواهد پیروی کردند، آمده است، مانند قوم سبأ که آفتاب را می‌پرستند و خداوند می‌گوید که این عمل شنیع شان از تزیین شیطان است، خداوند به زبان هدهد می‌گوید: { وَجَدْتُمْهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ }^۴

ترجمه: من او و قوم او را دیدم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌برند، و شیطان اعمالشان را در نظرشان آراسته است و ایشان را از راه (راست) به در برده است، آنان (به خدا و یکتاپرستی) راهیاب نمی‌گردند.

پس شیطان آنچه را از کفر که در آن بودند، برایشان آراست و آنها را از راه توحید بازداشت.^۵

تزیین دنیا و تنفیر از حق

شیطان و سوسه‌هایش را به تنفیر از حق با شیوه محبوب ساختن دنیا به انسان بنا می‌کند، این عاد و ثمود است که خداوند برای ما در مساکن آنها و اینکه چگونه شیطان عشق دنیا را و چیز

^۱جامع البیان، طبری، ج ۲۶، ص ۷۲.

^۲النکت و العیون، ماوردی، ج ۵، ص ۳۰۳.

^۳التحریر و التتویر، ابن عاشور، ج ۱۲، ص ۲۳۸.

^۴سوره النمل آیه ۲۴

^۵نگاه: الجامع لآیات الأحکام، قرطبی، ج ۱۳، ص ۱۸۵.

های که احتوایشان کرده، را به آنها آراست، بیان میکند، خداوند می‌فرماید: { وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ
 تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ }^۱
ترجمه: (ما قبائل) عاد و ثمود را (نیز به گناهانشان گرفتیم و نابودشان کردیم) و خانه و
 کاشانه (ویران شده) ایشان (سر راه مسافرت شما است و) برای شما نمایان است. اهریمن اعمال
 (زشت و پلشت) ایشان را در نظرشان آراست و بدین وسیله ایشان را از راه (حق و حقیقت)
 بازداشت، در حالی که چشم بینا داشتند (و حق و باطل را در پرتو تبلیغ انبیاء از هم تشخیص
 می‌دادند).

و این آراستن دنیا به تنفیر از دین و اهل آن، رهبری می‌کند، خداوند می‌فرماید: { زُيِّنَ لِلَّذِينَ
 كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ
 يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ }^۲

ترجمه: حیات (عاریت و متاع) دنیوی برای کافران جلوه نمود و آنها اهل ایمان را فسوس و
 مسخره می‌کنند ولی مقام تقوا پیشگان روز قیامت برتر از کافران است، و خدا به هر که خواهد
 روزی بی‌حساب بخشد.

ابزارهای تزیین:

شیطان در تزیین باطل برای دشمنان خود تنها به تحسین امر در چشمان و عقلهای آنها بسنده
 نمی‌کند یا به تنفیر آنها از آنچه که با آن مخالف است و آن حق می‌باشد، بلکه آنرا با ابزارها و
 تأکیدکننده‌ها تقویت می‌بخشد و اینگونه برای قلب حقایق کوشش می‌کند. این ابزارها با ابلیس و
 ارتشش از آغاز این سفر اغواگرایانه پیوسته بوده و هست که بعضی از آنها را در ذیل بیان
 میکنیم:

اول: دروغ

بیان کردیم که تزیین همان تحسین چیزی در نفس می‌باشد و این تحسین یا برای تشویه تصویر
 چیز در نفس شنونده می‌آید، و آنرا مزین‌کننده‌ها بر اصلش بر می‌گردانند و این کار ویژه‌ی
 دعوتگران صادق است و یا تصویر حقیقی چیزی را بر خلاف آن دگرگون می‌کنند و این کار
 شیطان می‌باشد و این کار در درجه نخست بر دروغ بنا گردیده است، پس تزیین شیطان جز با

^۱: سوره عنکبوت آیه ۳۸

^۲: سوره البقره آیه ۲۱۲

دروغ نماید، پس این ابزارها روش شیطان در همه تزیینهایی است که انجام میدهد. مثال قرآنی موید این سخن می‌باشد آنگاه که شیطان جنگ با مسلمانان را در چشمان کفار مزین کرد، و این تزیین با دروغهایی صورت که نفوس آنها را به هیجان آورد، خداوند در حق مشرکین بدر می‌گوید: { وَإِذْ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ ... }^۱

ترجمه: (به یاد آور) زمانی را که اهریمن (با وسوسه‌های خود) اعمال‌شان را در جلو دیدگانشان می‌آراست و می‌گفت: امروز هیچ کس نمی‌تواند بر شما پیروز شود و من، همپیمان و یاور شما هستم. اما هنگامی که دو گروه (مؤمنان و کافران) همدیگر را دیدند (و رویاروی شدند) بر پائینه‌های خود چرخید (و از عهد و پیمان خود دست کشید) و گفت من از شما بیزار و گریزانم. من چیزی را می‌بینم که شما نمی‌بینید. من از خدا می‌ترسم. چرا که خدا سخت کیفردهنده و مجازات‌کننده است.

پس فحواى این تزیین دروغ و ورودی آن بر آنها خود شیفتگی و سبک‌شماری می‌باشد که نفس‌هایشان را فراگرفته بود، چه، خداوند آنها را در آیت پیش از آن چنین وصف میکند: { وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ }^۲ **ترجمه:** و مانند کسانی (از قریشیان) نباشید که بسیار مغرورانه و خودستایانه و برای خودنمایی کردن در برابر مردم (از شهر مکه به‌سوی میدان بدر) بیرون آمدند و (با نمایش مال و منال و قدرت و قوت خود) مردمان را از راه خدا باز می‌داشتند (و از دخول آنان به دین اسلام با تمام توان جلوگیری می‌نمودند). خداوند از آنچه می‌کردند آگاه است (و کیفر آنان را خواهد داد).

پس هنگامی که ابلیس خودشیفتگی آنها و سبک‌شماری آنها را دید از این باب بر آنها وارد شد و قدرت آنها را برایشان تزیین کرد، و آنها را با وسوسش در سینه‌های آنها نصیحت دروغ کرد و «برایشان آنچه را که می‌خواستند و عزم کرده بودند خوب نمایانید و آنها را تطمیع کرد که امروز کسی بر آنها پیروز نمیشود»^۳.

و هر جایی که در کتاب خدا چشم به تزیین شیطان بیافتد خواهد یافت که پرچم آن دروغ و تدلیس می‌باشد، و نخستین این دروغ، تزیین شیطان، خوردن از درخت را به آدم و همسرش می‌باشد، چه،

^۱سوره الانفال آیه ۴۸

^۲سوره الانفال آیه ۴۷

^۳تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۷، ص ۹۹.

آنها را خبر داد که آنها از خوردن آن نهی نشدند الا به خاطر ترس از این که آنها فرشته نشوند یا از شمار جاویدانگان نباشند^۱: { ... وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ }^۲

ترجمه: و گفت: پروردگارتان شما را از این درخت باز نداشته است، مگر بدان خاطر که (اگر از این درخت بخورید) دو فرشته می‌شوید، و یا این که (جاودانه می‌گردید و) از زمره جاویدانان (در این سرا) خواهید شد.

دوم: سوگند و وعده دروغ

بعد از اینکه شیطان برای انسان باطل را در قلبش مزین کرد و او را از حق متنفر ساخت، چه بسا این تزیین در قلب وی مکمل مستقر نمیشود، پس در نفس خود چیزی در مورد این تزیین میابد، پس شیطان در چنین حالات به ابزار دیگری از ابزارهای تزیین پناه میبرد و با آن شک را از این قلب وارد می‌کند، و این ابزار همان وعده دروغ و سوگند به خدا است.

و نخستین چیزی که از آن واقع شد، همان سوگند و قسم خوردن به الله برای آدم و همسرش برای راستی آنچه که برای آنها آراسته بود، است، همانا اینجا سوگند را به بخاطر شناخت حال آدم و همسرش از اینکه بر الله اعتماد کامل دارند، انجام داد، پس از این باب بر آنها وارد شد، خداوند میفرماید: { وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ }^۳ ، « (و قاسمهما) یعنی برای آنها به الله سوگند خورد که من برای شما از جمله نصیحتگرانم، زیرا من قبل از شما اینجا بوده ام و این مکان را می‌شناسم، و این از باب مفاعله است و هدف یکی از طرفها است»^۴.

اما وعده دروغ، پس سلاح شیطان در اهل دنیا و دوستداران آن است، و این وعده تنها دروغ نیست، بلکه آن فریب و نیرنگی برای کسی است که برآن واقع می‌گردد، چه، خداوند خداوند سبحانه و تعالی از ابلیس خبر داده است که او تمامی مردم را به دروغ و فریب وعده خواهد داد، و آنها را به کنه این وعده‌ها خبر داد، خداوند در سیاق خطابش به ابلیس، میگوید: { ... وَعَدْتُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا }^۵.

^۱: همان - ج ۷ صفحه ۱۰۰

^۲: سوره الاعراف آیه ۲۰

^۳: سوره الاعراف آیه ۲۱

^۴: تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر، ج ۶، ص ۲۷۳.

^۵: سوره الاسرا آیه ۶۴

مطلب دوم: فراموش گراندیدن ذکر الله

این یکی از روش های که شیطان و لشکرش او، زرع آنرا در قلب دشمنان خود نشانه گرفته، فراموش گرداندیدن حق و کوشش برای گرداندیدنش از حق هر قدر که امکان داشته باشد، می باشد، خداوند می فرماید: [اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ]^۱

ترجمه: شیطان بر آنان چیره گشته است (و با وسوسه های خود ایشان را از راستای راه بدر کرده است) و یاد خدا را از خاطرشان برده است. اینان حزب اهریمن هستند. هان! قطعاً حزب شیطان زیانکار و زیانبارند.

« (فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ): یعنی اوامر او را در عمل به طاعتش از یادشان برد، و گفته شده: زواجر او را در نهی از معصیتش از یادشان برد، و نسیان چه بسا به معنی غفلت می باشد و گاهی به معنی رها کردن می باشد و هردو آنها در اینجا محتمل است»^۲، پس این هدف شیطان است، فراموش کردن دشمنانش همه آنچه را که آنها را به راه رهایی از این دنیا پیوند می دهد.

و خداوند از استمرار نسیان و فراموشی بنده را تحذیر میدهد چون به غفلت تبدیل میشود که قلب را میمیراند، پیامبر صلی الله علیه وسلم را مخاطب قرار داده میگوید: [وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعُدَّ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ]^۳

« یعنی: اگر شیطان نهی ما را از نشستن با آنها و رویگرانی از آنها را در هنگام بحث و مجادله در آیات ما، از یادت برد، پس بعد از آنکه به یادت آمد، از نزد آنها برخیز و بعد از یادآوری ات با قوم ستمگار که در آنچه که نباید بحث و مجادله کنند، میکنند، ننشین»^۴.

مطلب سوم: آرزو و طول امید

شیطان برای جا به جایی در نفس، راه آرزو و تمنی کردن و بنای خواب هایی دروغین در نفس های انسانهای که در نفس هایشان راهی از طریق ورودی عشق جاویدانگی و مُلک میابد، در پیش میگیرد.

^۱: سوره المجادله آیه ۱۹

^۲: الجامع لآیات الأحكام، قرطبی، ج ۱۷، ص ۳۰۹.

^۳: سوره الانعام آیه ۶۰

^۴: جامع البیان، طبری، ج ۷، صفحه ۲۸۵.

تعداد زیادی از مردمان در جال این گام شیطانی افتیده‌اند، چون به دنیا عشق ورزیدند و برای آن و در آن چنان کار کردند که گویی جاویدانند و در مقابل عمل برای آخرت را رها کردند. بی گمان حق سبحانه و تعالی بیان داشته که این طول امل و تسویل از فعل شیطان می‌باشد، خداوند می‌فرماید: [إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ] [**ترجمه:** کسانی که بعد از روشن شدن (راه حقیقت و) هدایت، به کفر و ضلال پیشین خود برمی‌گردند، بدان خاطر است که شیطان کارهایشان را در نظرشان می‌آراید و ایشان را با آرزوهای طولانی فریفته می‌دارد.

«(و أملى لهم) یعنی شیطان آرزو و خواست‌هایشان را برایشان طولانی گردانید»^۲.

و شیطان – طوری که ذکر کردم- برای رسیدن به این غایت و تحصیل آن در قلب انسان، راه تمنی به باطل را پیروی می‌کند، چه او دنیا را در قلب بشر بزرگ جلوه می‌دهد و برایشان آنرا پیروزی بزرگ نشان میدهد تا در آن غرق گردند و در رشته‌یی از گام‌های به هم پیوسته گرفتار شوند تا اینکه منتهی به غفلت از پروردگار و کفر ورزیدن به الله و مردن درحالت کفر گردد زیرا این لعین وعده داده که دشمنان را با آن تباه کند، می‌گوید:

[وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِيَّتْهُمْ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ آدَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرَّتْهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا * يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا]^۳

ترجمه: حتماً آنان را گمراه می‌کنم و به دنبال آرزوها و خیالات روانشان می‌گردانم، و (ان گاه که بدین وسیله ایشان را فرماتبر خود کردم، هرچه را خواستم) بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان (اعمال خرافی انجام می‌دهند و از جمله:) گوشه‌های چهارپایان را قطع می‌کنند، و بدی‌شان دستور می‌دهم، و آنان آفرینش خدا را دگرگون می‌کنند (و حتی دین خدا را تغییر می‌دهند، و فطرت توحید را به شرک می‌آیند!) و هر که شیطان را به جای خدا سرپرست و یاور خود کند، به راستی زیان آشکاری کرده است. شیطان بدانان وعده‌ها می‌دهد و به آرزوها سرگرم می‌کند، و شیطان جز وعده‌های فریبکارانه بدی‌شان نمی‌دهد.

^۱:سوره محمد آیه ۲۵

^۲روح المعانی، آلوسی، ج ۱۴، صفحه ۱۱۲.

^۳:سوره النساء آیات ۱۱۹ و ۱۲۰

« آنها شیطان - دشمن قدیم خو - را فرا می‌خواند و از وی این گمراهی را استوحاء و استمداد می‌کنند، آن شیطانی که خداوند وی را لعنت کرده، کسی که به نیت خود در گمراه کردن فرزندان آدم جز مخلصین، تصریح کرده است و اینکه آنها را با آرزوهای دروغین، لذت دروغین، خوشبختی موهوم و در نهایت مطاف با تمنی نجات از حساب، می‌فریبید»^۱.

مطلب چهارم: ترسانیدن از فقر و مرگ

شیطان به برداشتن گام‌های مکارانه برای ناامیدی و گمراهی دشمنان خود، همچنان ادامه می‌دهد و یکی از این گامها ترساندن دشمنانش از فقر و مرگ می‌باشد، چه، شیطان برای تعمیق نقاط ضعف کار می‌کند، تا بر خواستگاه خود در قلب انسان برسد، پس او برای نمو عشق دنیا و ملک در قلب بنی بشر فعالیت می‌کند تا این نقاط ضعف به دشمنان انسان و اعوان شیطان تبدیل گردد و به هدفش در واقع ساختن به ارتکاب محرمات، بینجامد.

الف: ترساندن از فقر

خداوند می‌فرماید: [الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ]^۲

ترجمه:

شیطان شما را (به هنگام انفاق می‌ترساند و) وعده تهیدستی می‌دهد و به انجام گناه شما را دستور می‌دهد، ولی خداوند به شما وعده آمرزش خویش و فزونی (نعمت) می‌دهد. و خداوند (فضل و مرحمتش) وسیع (و از همه چیز) آگاه است.

« و وعد در اصل وضع آن در لغت، در خیر و شر شایع می‌باشد، اما در استعمال شایع پس وعد در خیر و ایعاد در شر میباشد حتی اینکه خلاف آنرا بر مجاز و تهکم حمل میکنند، و در اینجا در شر با نگاه بر اصل وضع استعمال گردیده، زیرا فقر چیزی است که انسان آنرا شر میدانند و از همین جهت شیطان آنها را صادقانه می‌ترساند و برایشان می‌گوید: از اموال خوب تان نفقه مکنید چون عاقبت این است که فقیر می‌گردید»^۳. سبب نزول آیت فوق برای تبیین این حقیقت مغروس (ترس از فقر) در نفس‌های بیشتر کسانی که با آن مبارزه نمی‌کنند، پس شیطان آنرا در آنها تعمیق می‌بخشد، آمده است. ابن جریر از عطاء تخریج کرده که گفت: « انسانی خرماي

^۱ فی ظلال القرآن، سید قطب، ج ۲، صفحه ۷۶۱.

^۲ آسوره البقره آیه ۲۶۸

^۳ روح المعانی، آلوسی، ج ۳، ص ۶۴.

فاسدی را در شاخچه (ذخیرگاه) که در مدینه آویزان می‌شد، آویزان کرد، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: « این چیست؟ بد کسی بوده که اینرا آویزان کرده» پس این ایت فوق نازل شد»^۱.

دوم: ترساندن از مرگ

این مرحله بر انسان سخت تر و بر شیطان آسانتر می‌باشد.

این مرحله (ترسانیدن از مرگ) نشأت گرفته از ورودی دوم است که قبلا ذکر کردم و آن محبت به جاویدانگی در این دنیا می‌باشد. از همین ورودی شیطان بر انسان نفوذ کرده و آنرا میترساند. اگر انسان با خدا پیوند نداشته باشد تا آخرین رمق حیات خود به آن (خلود در دنیا) چنگ میزند؛ انسان حتی اگر به شدیدترین فقر گرفتار شود، باز هم به زنده بودن در دنیا دل می‌بندد. خدوند از این معانی در سیاق آیات غزوه احد سخن گفته است، این آیات دارای معانی بزرگ می‌باشد که بر منافقین سخت تمام میشود خداوند در این آیات عقب افتادگان از جهاد را که به خاطر ترس از مرگ از جهاد اعراض کردند- رسوا و خوار گردانیده و بیان داشته که اجل محتوم در نزد پروردگارشان، قبل از این که بر این زمین بیایند، مشخص است:

[وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعِدَّةُ إِذْ تَحْسَبُونَهُمْ بَاذِنَةً حَتَّىٰ إِذَا قَتَلْتُمُوهُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأُممِ ثُمَّ وَعَصَىٰ ثُمَّ مِّنْهُ بَعْدَ مَا أَرَىٰ كُمْ مَّا تُحِبُّونَ مِّنْكُمْ مَّن يُرِيدُ لَدُنَّ يَا وَمِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ لَأَخْرَجَنَّكُمْ عَنْ صَرْفِكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ]^۲

ترجمه:

و در آن هنگام که آنان را (در آغاز جنگ اُحد) با کمک و یاری او از پای در می‌آوردید، خداوند به وعده خود (که پیروزی بود و بر زبان پیغمبر رفته بود) با شما وفا کرد، تا آن گاه که سستی کردید و در امر (ماندن در سنگرها و رهاکردن آنجاها) به کشمکش پرداختید و اختلاف ورزیدید، و پس از آن که آنچه را دوست می‌داشتید به شما نشان داد (که غلبه بر دشمن بود) نافرمانی کردید (و دو دسته شدید): دسته‌های از شما خواهان دنیا و دسته‌های خواستار آخرت (یعنی: رضایت‌الله و پاداش اخروی) گردید. پس (بر اثر فرار، دست) شما را از آنان بازداشت و

^۱ الدر المنثور، سیوطی، ج ۲، ص ۵۹.

^۲ سوره آل عمران آیه ۱۵۲

از ایشان منصرفتان گردانید (و بدین وسیله پیروزی شما به شکست انجامید) تا شما را بیازماید و (مؤمنان مخلص، از دیگران ممتاز و جدا شوند. و هنگامی که پشیمان شدید) شما را بخشید، و خداوند را بر مؤمنان نعمت و منت است.

و آیات در سخن از احد ادامه میابد و بر قضیه اجل و ترس از مرگ تمرکز میکند، پس با آیت پایانی که جمع کننده همه آن موارد است پایان میابد، آیتی که در آن قصری است که همه آن موارد را در خود گنجانیده است: [اِنَّمَا دَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ اَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوْنَ اِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ]^۱ یعنی چیزی که از شما بروز کرد اعم از ترس از مرگ آنگاه که برای نبرد بیرون شدید، تخلف از جهاد بخاطر ترس از مرگ، بازداشتن برادران تا از بیرون شدن برای جهاد، مسخره کردن شهداء کسانی که به گمان شما زندگی خود را ضایع کردند ... همه اینها تنها و حصراً از شیطان و به سبب و وسوسه ها و تسویل او بود، زیرا او کسی است که در قلب های تان حب دنیا را انداخته و از جدایی آن می ترساند تان.^۲

مطلب پنجم: نزع و مس

این ایستگاه اخیر در سلسله گامهای شیطان ما قبل از اکتساب گناه است، هرگاه چراگاه گامهای اول، نفس و قلب بود، پس چراگاه این گام مزدوج همان جسد میباشد، زیرا شیطان بعضی اوقات تسلط بر جسد انسان داخل شده و قیادت آنرا برای اینکه او را به گناه بکشاند قصد میکند. این گام و خطوه در دو مرحله مجسد میگردد، اول آن نسبت به دیگرش به جسد اخف میباشد:

اول : نزع

این واژه در کتاب خدا، در چهار جای آمده است^۳، همه اش مرتبط با شیطان است. نزع به معنی اینکه میان قوم فتنه افکنده شود، پس شماری، شماری را به فساد میان شان متحمل گرداند. و نزع بینهم از باب ینزع و ینزع نزعاً می آید که معنی اش: بر انگیخت و فاسد کردمی شود، بعضی بر علیه بعض دیگر بر انگیخت ... و نزع شبیهه و خز و طعن یعنی با نیزه زدن میباشد، نزع نزعاً با دست یا تیر او را زد^۴.

^۱: آل عمران آیه ۱۷۵

^۲: - التفسیر الكبير - للرازی - ج ۵ - ص ۸۳

^۳: - سورة الأعراف، الآیة ۲۰۰، سورة یوسف، الآیة ۱۰۰، سورة الإسراء، الآیة ۵۳، سورة فصلت الآیة ۳۶.

^۴: ص ۴۵۴. لسان العرب، ابن منظور، ج ۸،

ظاهرا از معنی لغوی نزع چنین برداشت می شود که معنی نزع تحریک و بر انگیزاند و بر انگیزتن نفس است که معرف به غضب و خشم میباشد، خداوند میفرماید:

[وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ^۱]

ترجمه: و اگر وسوسه‌ای از شیطان به تو رسید (و خواست تو را از مسیر منحرف و از هدف باز دارد) به خدا پناه ببر (و خویشتن را بدو بسپار). او شنوای دانا است (و همه چیز را می شنود و همه چیز را می داند و هرچه زودتر به فریادت می رسد).

«یعنی اگر از سوی شیطان نزعی به تو رسید یعنی ترا به غضب و خشم بر انگیزت که ترا از رویگردانی از جاهلین باز دارد و ترا حمل بر مجازات آنها کند، پس به خدا پناه ببر، میگوید از خداوند در مقابل نزع او حمایت بخواه، همانا وی شنوای دانا است»^۲.

مانند این آیت در سوره فصلت در سیاق دفع عداوت و خصومت و خشم با نرمی و سخن نیکو، آمده است آنجا که پروردگار میفرماید:

[وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ *
وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا دُوًّا حَظًّا عَظِيمٌ * وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ
بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ] ^۳

ترجمه: نیکی و بدی یکسان نیست. (هرگز بدی را با بدی، و زشتی را با زشتی پاسخ مگوی. بلکه بدی و زشتی دیگران را) با زیباترین طریقه و بهترین شیوه پاسخ بده. نتیجه این کار، آن خواهد شد که کسی که میان تو و میان او دشمنانگی بوده است، به ناگاه همچون دوست صمیمی گردد.

به این خوی (و خلق عظیم) نمی رسند مگر کسانی که دارای صبر و استقامت باشند، و بدان نمی رسند مگر کسانی که بهره بزرگی (از ایمان و تقوا و اخلاق ستوده) داشته باشند. هرگاه وسوسه‌ای از شیطان (در این مسیر) متوجه تو گردید (به هوش باش و در مقابل آن مقاومت کن (و خود را به خداوند بسپار (و به سایه لطف او پناه بر) که او بس شنوا و آگاه است (و تو را می پاید و محافظت می نماید).

^۱:سوره آل عمران آیه ۲۰۰

^۲جامع البیان، طبری، ج ۹، ص ۱۵۶.

^۳:سوره فصلت الآیات، ۳۶-۳۴

نزغ در سوره یوسف کاملا واضح شده است، آنگاه که یوسف علیه السلام بیان میدارد که آنچه از افسادی که میان او و برادرانش واقع شده، به سبب نزغ شیطان یعنی برانگیختن بعض برادران بر بعض میباشد، پروردگار می‌فرماید: [... وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ...]^۱

ترجمه: یوسف گفت: پدر! این تعبیر خواب پیشین (روزگار کودکی) من است! پروردگارم آن را به واقعیت مبدل کرد. به راستی خدا در حق من نیکیها کرده است، چرا که از زندان رهايم نموده است، و بعد از آن که شیطان میان من و برادرانم تباهی و جدائی انداخت، شما را از بادیه (شام به مصر) آورده است.

« یعنی شیطان با وسوسه اش که مانند برانگیختن است نزدیکی و محبت میان من و برادرانم را خراب کرد، طوریکه نزغ را میان وی و آنها تقسیم کرد و یکی از آن دو فریق را نگذاشت»^۲.

دوم: مس

این مرحله شدیدتر و خشن تر بر انسان است، به گونه‌یی که شیطان از سیطره آنی و ضعیف بر دشمنانش به سیطره قوی خصوصا بر جسم، انتقال میکند، همانا این مس در کتاب خدا در سه جای وارد گردیده که با شیطان پیوند دارد، و این موضوع (تسلط شیطان بر جسم انسان) باعث جدل زیادی میان علما بین نفی و اثبات آن بوده است که به صورت مبسوطی در کتب عقاید وجود دارد. این تیمیه میگوید: «دخول جن در بدن انسان به اتفاق ائمه اهل سنت و جماعت ثابت است، خداوند میفرماید: [اَلَّذِينَ يَأْكُلُونَ لُرَبُّوْا لَّا يَفْقَهُوْنَ اِلَّا كَمَا يَفْقَهُمُ الَّذِي يَخْبَطُهُ لَشَى طُنُّ مِنْ لَمَسِّ دَلِكْ بِاَنَّهُمْ قَالُوْا اِنَّمَا لَبِيْ غٍ مِثْلُ لُرَبُّوْا وَاَحَلَّ لِلّٰهِ لَبِيْ غٍ وَحَرَّمَ لُرَبُّوْا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَبِّهٖ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَاْمْرُهُ اِلَى لِلّٰهِ وَمَنْ عَادَ قَاوَلِ لِّكَ اَصْحَابُ لِنَارٍ هُمْ فِيْهَا خَالِدُوْنَ]^۳

ترجمه:

کسانی که ربا می‌خورند (از گورهای خود به هنگام دوباره زنده شدن، یا از مسیر خود در دنیا) برنمی‌خیزند مگر همچون کسی که (- بنا به گمان عرب‌ها -) شیطان او را سخت دچار دیوانگی

^۱: سوره یوسف، الآية ۱۰۰
^۲: نظم الدرر، بقاعی، ج ۴، ص ۹۹.
^۳: البقره آیه ۲۷۵

سازد (و نتواند تعادل خود را حفظ کند)؛ این از آن رو است که ایشان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند ربا است. و حال آن که خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است. پس هر که اندرز پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) دست کشید، آنچه پیشتر بوده (و سود و نزولی که قبلاً دریافت نموده است) از آن او است و سروکارش با خدا است؛ اما کسی که برگردد (و مجدداً مرتکب رباخواری شود) این‌گونه کسانی اهل آتشند و جاودانه در آن می‌مانند.

و در روایت صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده که «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مِنْ أَيْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ»^۱ یعنی شیطان چون خون در بدن انسان در گردش است و عبدالله بن احمد گفته: «برای پدرم گفتم: مردمانی می‌گویند: جن در بدن مصروع داخل نمی‌گردد، پس گفت: ای فرزندانم، آنها دروغ می‌گویند، او بر زبان وی سخن می‌گوید»^۲.

این مس دو گونه است، اول آن تأثیر نفسی و دوم آن تأثیر بدنی می‌باشد و قبل از آن که به این دو نوع بپردازیم، معنی لغوی مس را بیان می‌کنم تا معنای قرآنی را دریابیم:

المس: مسسته، أمسه مساً و مسيساً؛ او را لمس کرد، و المس یعنی چیزی را با دست بسودن و لمس کردن. و مسوا منها: یعنی از آن، آب بگیرد و وضو کنید، و المس یعنی جنون، و رجل ممسوس: مردی که نوعی دیوانگی دارد، و مُسَمِسَ الرجل، هرگاه مردی تخبط یا مس کرده شود، و مس المرأة و ماسها: یعنی بر زن وارد شد (همراه جماع کرد)^۳.

الف : مس نفسی

این نوع مس چیزی است که خداوند مثال آنرا با ایوب - علیه السلام - میزند، آنجا که می‌گوید: [وَادْكُرْ عَبْدًا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ]^۴

ترجمه: (ای محمد!) خاطر نشان ساز (سرگذشت) بنده ما ایوب را، بدان گاه که پروردگار خود را به فریاد خواند و گفت: اهریمن مرا دچار رنج و درد کرده است (و سخت زار و نزار و بیمارم).

«یعنی: آنگاه که الله را فریاد زد که من را شیطان با مشقت نفسی، خستگی و درماندگی، مس کرده است: از زیادی وساوسش و اغراءهایش و ابزارهای فریب و نیرنگش، تا به سوء ظن به

^۱: متفق علیه

^۲مجموع الفتاوی، ابن تیمیه، ج ۲۴، ص ۲۷۶.

^۳اللسان العرب، ابن منظور، ج ۶، ص ۲۱۶، ۲۱۷.

^۴:سوره ص آیه ۴۱

تو، و طعنه در حکمتت، به سبب آنچه از بلاء بر من در مال و اهل و جسمم نازل کردی،
بیندازد»^۱.

ب: مس جسدی

و آن چیزی است خداوند رد سخن خود آنرا بیان کرده است: [الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا
كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ...]^۲

ترجمه:

کسانی که ربا می‌خورند (از گورهای خود به هنگام دوباره زنده شدن، یا از مشی اجتماعی خود در دنیا) بر نمی‌خیزند مگر همچون کسی که (- بنا به گمان عرب‌ها -) شیطان او را سخت دچار دیوانگی سازد (و نتواند تعادل خود را حفظ کند)؛ این از آن‌رو است که ایشان می‌گویند: خرید و فروش نیز مانند ربا است. و حال آن که خداوند خرید و فروش را حلال کرده است و ربا را حرام نموده است. پس هر که اندرز پروردگارش به او رسید و (از رباخواری) دست کشید، آنچه پیشتر بوده (و سود و نزولی که قبلاً دریافت نموده است) از آن او است و سروکارش با خدا است؛ اما کسی که برگردد (و مجدداً مرتکب رباخواری شود) این‌گونه کسانی اهل آتشند و جاودانه در آن می‌مانند. «یعنی: شیطان او را در دنیا بی‌حس کرد، او کسی است که خفه اش میکند و دیوانگی بر وی وارد می‌گرداند ... از سعید بن جبیر روایت است، گفت: روز قیامت رباخوار دیوانه‌ی خفه شده، مبعوث بر انگیخته می‌شود. و از قتاده: ان خشکی و بی‌حسی است که شیطان از جنون وی را چنان میکند»^۳ امام رازی معنای تخبیط و پیوند آن با مس را تفصیل داده است چنانچه می‌گوید: معنای تخبیط همانا کوبیدن چیزی بصورت نامرتب و پراکنده می‌باشد و در مورد شخصی که در امری تصرف کند و راهیاب نشود گفته اند: انه یخبیط خبط عشواء یعنی او کورکورانه به بیراهه رفت. تخبیطه الشیطان: هرگاه شیطان عقل کسی را زایل نموده و به جنون مبتلا کند این تعبیر بکار می‌رود زیرا همخوانی با معنای کوبیدن نا متعادل دارد اما اگر شیطان کسی را به زوال عقل یا جنون بکشانند به " خبطه" تعبیر کرده اندگفته می‌شود: به خبطه من الجنون یعنی

^۱ معارج التفکر، میدانی، ج ۳، ص ۵۸۰.

^۲ سوره البقره آیه ۲۷۵

^۳ جامع البیان، طبری، ج ۳، ص ۱۳۲ - ۱۳۳.

در وجود او جرعه‌یی از جنون است، و مس بمعنای دیوانگی آمده است چنانچه گفته می‌شود: مس الرجل فهو ممسوس یعنی آن مرد را لمس کرد و در اثر آن به جنون مبتلا ساخت، در اصل بمعنای لمس کردن با دست آمده است گویا اینکه شیطان با دست خویش انسان را لمس ننوده و به جنون می‌کشاند از اینرو جنون و دیوانگی را مس تعبیر کرده اند چنانچه اگر با پایش کسی را بزند و بی حس کند به خطبه که معنای جنون را افاده می‌کند تعبیر می‌کنند اما فرق میان شان اینست که تخبیط بوسیله پا و مس با دست صورت می‌گیرد»^۱.

مس و خطوات

چه بسا برای بعضی جایگاه مس نسبت به خطوات پنهان میماند، خطوات طوری که شناختیم: چیزی است که شیطان با آن بر انسان تأثیر میگذارد و او را به ارتکاب معاصی و پیروی از آن، میکشاند و این چیزی است که با مس نیز با هر دو نوعش اگر بر انسان واقع گردد، انجام میشود. کسی که بر وی مس جسدی واقع شود، شیطان وی را از طریق جستجوی علاج آن به ارتکاب محرمات میکشاند. پس وی را به رمال و عراف و غیره سوق میدهد، تا در دام ضایع شدن نماز و عدم قبول آن چهل شبانه روز بیفتند، و هرگاه انرا تصدیق کند در دام بزرگتر که آن کفر به آنچه به محمد نازل شده است، میفتند.

^۱التفسیر الکبیر، رازی، ج ۷، ص ۷۷.

فصل پنجم

پیامدهای پیروی شیطان و وسایل مبارزه با آن

به دو مبحث تقسیم می شود

مبحث اول : پیامدهای پیروی شیطان

مطلب اول : پیامدهای پیروی شیطان در دنیا

مطلب دوم : پیامدهای پیروی شیطان در آخرت

مبحث دوم : وسایل مبارزه با شیطان

مطلب اول : وسایل جلوگیری از گام های شیطان و اهداف آن

مطلب دوم : وسایل مبارزه با شیطان و دوستی آن

فصل پنجم

پیامدهای پیروی شیطان و وسایل مبارزه با آن

مبحث اول

پیامدهای پیروی شیطان

سنت الهی و حکمت والای او تعالی بر این رفته است که نیکوکاران پاداش می دهد و بد کاران را (هر چند با تاخیر) به سزای کردار بد شان می رساند، و این نکته در سیاق آیه های که ما از قرآن کریم ذکر نمودیم خوبتر نمایان است. پس تمرد و سرکشی ، اغوا سازی و گمراهی، دنباله روی شیطان ودوستی آن، رفتن به مسیر گام های شیطان، افتادن در دام او و تمام آنچه که در این پژوهش ذکر نمودیم مقتضی آن پیامدی است که هواداران اش را در بر می گیرد و در پی آن مجازات می شوند ، برابر است که این پیامد زود باشد یا دیر، و برابر است که این پیامد در دنیا باشد و یا هم در آخرت. قبل از همه به پیامدهای پیروی شیطان در دنیا می پردازیم و بعدا به جزای که در آخرت برای شان داده می شود اشاره می نماییم .

مطلب اول : پیامدهای شیطان و پیروان آن در دنیا

خداوند برای ابلیس پدر شیاطین جزای دنیوی متفاوت از سایر شیاطین را در نظر گرفته است زیرا ابلیس منبع همه شر و بدی ها است. از روزی که امر الهی را مبنی بر سجده نکردن آدم ع زیر پا گذاشت خداوند مهر لعنت و غضب را بر جبین او زد و در روز حشر با این لکه طرد و نفرین وارد جهنم می گردد و این در بسیاری از آیات قرآنی در بیان داستان ابلیس و آدم ع یاد آوری گردیده است، از جمله قول خداوند متعال که می فرماید : { وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ } ترجمه : و تا روز جزا بر تو لعنت باشد. در آیه دیگر { قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ }^۲ ترجمه : فرمود نکوهیده و رانده از آن [مقام] بیرون شو

^۱ . سورة الحجر، الآية ۳۵ .
^۲ سورة الأعراف، الآية ۱۸ .

که قطعا هر که از آنان از تو پیروی کند جهنم را از همه شما پر خواهم کرد. و سایر آیت های قرآن کریم.

اما متباقی شیاطین جنی و انسی و پیروان شان در دنیا، خداوند آنها را به عواقب وخیم وعید داده است و این از قبیل ترتیب اسباب بر مسببات است نه از باب نزول لعنت و غضب بر بالای شان، زیرا تا زمانی که اینان روح در بدن دارند دروازه توبه برای همه شان باز است، و این پیامد های ناگوار قرار ذیل است:

بدبختی ها و خسارات دنیوی

شقاوت که ما از آن به بدبختی تعبیر می کنیم در قرآن کریم به دو معنی آمده است:

نخست شقاوت به معنی عام آن که تمام فرزندان آدم ع در نتیجه خروج پدر و مادر شان از بهشت آن را متحمل شده اند و دوم شقاوت به معنای خاص آن که مربوط به پیروان ابلیس است که پیامد دنباله روی شیطان چنین عذابی نصیب شان شده است.

شقاوت به معنای عام آن را خداوند در قرآن کریم در حالیکه آدم و همسر اش را خطاب می کند؛ می فرماید: { فَعَلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى }^۱، ترجمه: پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره بخت گردی.

یعنی متوجه باش ای آدم که ابلیس سعی می کند تا تو را از بهشت بیرون سازد پس تعب و خسته گی تو را در بر می گیرد و برای تهیه رزق و روزی در رنج و مشقت می آفتی، تو در بهشت به نعمت و آسایش به سر میبری که هیچ نوع تعب و دشواری و مشقت نیست^۲.

اما شقاوت به معنای خاص آن که نصیب شیطان و دوستان آن اند، این گروه کسانی اند که از منهج الله متعال روی گردانیده اید، و راه هدایت را ترک نموده اند، و به مسیر های شر و طغیان گام گذاشته اند، همیشه مکر می نمایند و در پی بیراه سازی و گمراه نمودن دیگران اند، این گروه کسانی اند خداوند متعال در سوره طه بعد از سیاق آیه قبلی ذکر نموده است { وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى }^۳ ترجمه: و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسور می کنیم.

^۱ سوره طه، الآية ۱۱۷.

^۲ تفسیر القرآن العظیم - لابن کثیر - ج ۹ - ص ۳۷۳.

^۳ سوره طه، الايتان ۱۲۴، ۱۲۳.

این بیانی از جانب الله متعال برای دو مسیری است که سوم ندارد ، یا راه هدایت الهی و یا راه ابلیس که پدر و مادر بشر را از بهشت بیرون ساخت و این کثیر این شقاوتی که در آیه ذکر شده است بیان می نماید (و من أعرض عن ذکری) یعنی کسی که مخالفت امر مرا و آنچه که بر پیامبرم نازل کرده ام نمود، از آن روی گردانید و به فراموشی سپرد برای او زندگی دشواری در دنیا است ، هیچ آرامش خاطر و فراخی صدر ندارد ، بلکه سینه اش تنگ و دلش سیاه است ، هر چند ظاهراً آراسته به نعمت و لباس و خوراک و مسکن زیبا بوده باشد اما قلباً در یک نا آرامی، حیرت و شک دور از یقین و هدایت بسر می برد ، همیشه در شک و تردد قرار دارد و این را زندگی تنگ و دشوار می گوید ... ابن عباس می فرماید : معیشت ضنک به معنای شقا و بدبختی است . و امام ضحاک می فرماید که به معنای عمل بد و رزق نا پاک است و این قول عکرمه و مالک بن دینار است^۱.

این همان شقاوت و بدبختی است که خداوند متعال به پیروان شیطان وعید داده است و صاحب تفسیر الظلال در وصف این این شقاوت - از چشم دید خود در عصر حاضر - می فرماید : کسی که هدایت الهی را دنبال می کند او در روی زمین از گمراهی و شقاوت به دور است، و کسی که در زندگی از خداوند متعال و رحمت او بریده باشد در تنگنا و سختی بسر می برد هر چند که مال و متاع فراوانی داشته باشد، تنگنای دوری از خداوند که آرامش و اطمینان به بار می آورد ، تنگنای حیرت و تشویش و شک، سختی حرص و طمع بی جا، و تاسف بر همه چیزهای که از دست می دهد، احساس آرامش قلبی فقط در جوار رحمت الهی وجود دارد، اعتماد کامل فقط در چنگ زدن به رسن قوی الهی است و این آرامش ایمانی زندگی انسان را طولانی می سازد و در آن عمق وسیع ایجاد می کند، و محرومیت از رحمت الهی بدبختی را بیار می آورد که به هیچ فقر و محرومیت مانند نیست^۲ .

این همان بدبختی و دشواری به معنای خاص آن است، اما زیان مندی و خسران که در سر راه شیطان و پیروانش قرار دارد خداوند در چندین آیه می فرماید : { وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرًا مُبِينًا }^۳ ترجمه : هر کس به جای خدا شیطان را دوست [خدا] گیرد قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است .

^۱ تفسیر القرآن العظیم - لابن کثیر - ج ۹ - ص ۳۷۷ .

^۲ فی ظلال القرآن - ج ۴ - ص ۲۳۵۵ .

^۳ سورة النساء - الآية ۱۱۹ .

و همچنان می فرماید: { اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ }^۱ ترجمه: شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است آنان حزب شیطانند آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند .

وجه استدلال: آیت متذکره دلالت واضح و آشکار در مورد خسران و زیان پیروان شیطان دارد که نبود آرامش قلبی و انواع مصایب و مشقت ها در دنیا و سوختن در آتش جهنم و انواع عذاب های اخروی نتیجه روگشتاندن به دستاتیر خدا است و پیروی از شیطان است ، چه خسران و زیان بزرگی؟!

اما بغوی این خسران را در دنیا تفسیر به خواری و ذلیل شدن می نماید: یعنی شیطان و پیروانش در دنیا و آخرت خوار و ذلیل می باشند^۲ و این خسران در نتیجهء اینکه شیطان را به عنوان پیشوا برگزیدند او امر وی را اطاعت و برایش اقتدا نمودند نصیب پیروان وی می گردد^۳ همان طوری که شیطان دوستان و پیروان خود را در لجنزار های شقاوت و بدبختی دچار می سازد و از نگاه جسمی آن ها را غرق معاصی می گرداند همین گونه عقل و روح پیروان خود را نیز به مکر و فریب آلوده ساخته و آنها را گول می زند. ازین رو پیروان شیطان همیشه در سردرگمی و شکسته گی روانی بسر می برند خداوند متعال چنین می فرماید: { قُلْ أَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَىٰ اثْبَاتًا قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأْمَرْنَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ }^۴ ترجمه: بگو آیا به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می رساند و نه زیانی و آیا پس از اینکه خدا ما را هدایت کرده از عقیده خود بازگردیم مانند کسی که شیطانها او را در بیابان از راه به در برده اند و حیران [بر جای مانده] است برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت می خوانند که به سوی ما بیا بگو هدایت خداست که هدایت [واقعی] است و دستور یافته ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم .

این سردرگمی و گیج بودن دربارهء حقیقت الوهیت پروردگار و روی آوردن به شرک بعد از هدایت ، و چنین عقب گرد شگرف از دین الهی و گیج بودن در وادی شک و حیرت بدون روی آوردن به وحدانیت الهی، این منظرهء زنده و پویای است که عمق سردرگمی پیروان شیطان را

^۱ . سورة المجادلة - الآية ۱۹ .

^۲ . معالم التنزيل - البغوی - ج ۵ - ص ۳۵۵ .

^۳ . التفسیر المنیر - ج ۵ - ص ۲۷۷ .

^۴ . سورة الأنعام - الآية ۷۱ .

نمایان می سازد که اینان قلب خود را میان معبود واحد و معبودان متعدد تقسیم کرده اند و چطور در وادی شک و تردید بسر می برند، و احساس خود را میان هدایت و گمراهی پراکنده ساخته اند، این منظره آشکار از مخلوق بدبختی است که سرپای شان را شیطان احاطه نموده است و این گونه به سرگردانی و سرگیچی حیران کننده بسر می برند نمی دانند کدام سو بروند و کدام گروه را بپذیرند، در واقع به شکنجه روانی آغشته اند که تعبیر آن دشوار می نماید.

و هر بار که آیات فوق را بخوانیم این منظره را می توان تصور کرد حالات مردمی را که دین خدا را شناختند و لذت ایمان را چشیدند ولی بعداً مرتد گردیدند و در اثر فشارهای خوف و طمع شیطانی به عبادت معبودان باطل روی آوردند، و اینگونه فریب خوردند و گیج شدند و اینجاست که در می یابیم که این حالت چی معنی میدهد و این شکنجه به چی معناست.^۱

این نص طولانی را از صاحب الظلال آوردم که این حالت گول خوردن، گیج شدن و سردرگمی را زیبا به تصویر کشیده است و این حالتی است تا زمانی که پیروان شیطان به مسیر وی گام بگذارند با چنین وضعیتی گرفتار اند و نیت شیطان ازین گول زدن رسیدن به هدف اساسی اش که عبارت از مرگ بی ایمان است؛ می باشد. و قصد شیطان ازین گول زدن و گیج ساختن همانا گمراه سازی انسان و بیرون ساختن وی از دایره دین مبین اسلام است.^۲ اینک به برخی از پیام های دنیوی پیروی از شیطان را شماره وار ذکر می کنیم :

۱- جلوگیری از رشد معنوی انسان (آل عمران آیه ۳۶ و ۳۷)

۲- به تباهی کشانیدن جامعه انسانی (یوسف آیه ۱۰۰)

۳- تزیین نابهنجاری های اخلاقی و اجتماعی (آل عمران ۱۰۵)

۴- شبه افکنی (زخرف آیه ۶۱)

۵- ایجاد انجمن های سری توطئه (مجادله آیه ۱۰)

۶- اختلاف و دو دستگی خانوادگی (بقره ۲۰۸)

۷- افزایش حیوانات حرام گوشت (بقره ۱۶۸)

۸- گسترش بی تقوایی (اعراف ۲۶)

۹- فجور (انعام ۱۲۱)

۱۰- دروغگویی (شعرا ۲۲۱)

^۱ فی ظلال القرآن - لسید قطب - ج ۲ - ص ۱۱۳۱، ۱۱۳۲ .

^۲ إصابة السهام - لمحمود السبکی - ص ۱۰۷ .

۱۱- دنیا طلبی (اعراف ۱۷۵)

مطلب دوم : خسارات اخروی

عذاب بزرگ، عذابی که وخیم و دردناک است، منظره روز محشر از این عاقبت وخیم خبر می دهد : گردهمایی ابلیس و پیروان آن در روز محشر، بیزاری جستن گمراه کننده گان از کسانی که گمراه شان کرده اند، جاویدانه گی ابلیس و پیروانش در آتش جهنم .

اول : پیروان شیطان در روز محشر با او یکجا حشر می شوند :

همان گونه که در دنیا هم رکاب شیطان بودند و گام به گام با او پیش رفتند، فریفته زندگی دنیا شدند و بر فطرت غیر اسلام فوت کردند، بعد از آن در نتیجه چنین عملکرد همه شان با ابلیس یکجا در اطراف آتش جهنم روز محشر گردهم می آیند و این نکته را خداوند با قسم در قرآن

کریم یاد می کند { فَوَرَبِّكَ لَنَحْضُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًا^۱

ترجمه : پس به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت سپس در حالی که به زانو درآمده اند آنان را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد.

خداوند متعال با قسم یاد کرد که شیطان و پیروانش را در روز محشر در اطراف آتش جهنم حشر خواهیم کرد. { ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثًا } عوفی از ابن عباس نقل می کند : یعنی نشسته ، مانند آیه { وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً^۲ } امام سدی^۳ می فرماید : بمعنای ایستاده. و از ابن مسعود نیز چنین روایت شده است.^۴

دوم : بیزاری جستن ابلیس از پیروانش در روز قیامت :

این عادت گمراه کننده گان و اغوا گران است – هر چند که این خصلت شان را در دنیا مخفی دارند – ولی در روز محشر چهره اصلی شان نمایان می گردد ، شیاطین و طاغی ها در آن روز کلماتی از زبان شان بیرون می شود که در دنیا هرگز پیروان خود را به آن خطاب نکرده اند ولی در روز محشر بیزاری خود را اعلان نموده و از پیروان به دور می روند، خداوند این لحظات را چنین در قرآن کریم ترسیم نموده است : { إِذْ نَبَرَأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا

^۱ سورة مريم – الآية ۶۸ .

^۲ سورة الجاثية – الآية ۲۸ .

^۳ - اسماعیل بن عبدالرحمن السدی تابعی ، محدث و مفسر صاحب تفسیر سدی می باشد در سال ۱۲۷ هـ وفات کرده و در کوفه زندگی می کرد- تهذیب الکمال – جلد ۳ صفحه ۱۳۲

^۴ تفسیر القرآن العظیم – لابن کثیر – ج ۹- ۲۷۸.

العَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ^۱ ترجمه : آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند و عذاب را مشاهده کنند و میانشان پیوندها بریده گردد.

امام سدی می فرماید : آنهای که از شان پیروی صورت می گرفت شیاطین هستند از انسان های بیزاری می جویند^۲ . و اینجاست که پیروان گمراه حسرت می خورند و از خداوند می خواهند که برای شان شناس دهد تا از کسانی که آنها را گمراه نموده اند؛ انتقام گیرند. اما افسوس { وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَّبَرًا مِّنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ }^۳ ترجمه : و پیروان می گویند کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنان بیزاری می جستیم این گونه خداوند کارهایشان را که بر آنان مایه حسرتهاست به ایشان می نمایاند و از آتش بیرون آمدنی نیستند.

آنچه که پیروان شیطان را در روز محشر بیشتر متاثر می سازد و به حسرت و ندامت وا می دارد سخنان ابلیس به صدای بلند در جمع آنان است که می فرماید : من از شما بیزار هستم توان گناهان تان را خود تان می پردازید و مه در دنیا بالای شما جبر و اکراهی نداشتم جز اینکه دعوت کردم و شما هم پذیرفتید، مرا ملامت نکنید بلکه نفس های خود تان را سزاوار ملامتی بدانید. خداوند در این مورد می فرماید : { وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَّ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلَوْلَا أَنفُسُكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ } ترجمه : و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می گوید در حقیقت خدا به شما وعده داد وعده راست و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابت نمودید پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می دانستید کافر آری ستمکاران عذابی پردرد خواهند داشت.

یعنی زمانیکه همه چیز نهایی شد بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ داخل شدند امام مقاتل می فرماید : منبری در میان دوزخ گذاشته می شود و ابلیس بر آن بلند می شود و کفار در اطرافش جمع می شوند و ابلیس چنین به سخنرانی می پردازد : خداوند به شما وعده حق و

^۱ سورة البقرة - الآية ۱۶۶ .

^۲ تفسير القرآن العظيم - لابن أبي حاتم - ج ۱ - ص ۲۷۸ .

^۳ سورة البقرة - الآية ۱۶۷ .

^۴ سورة الإبراهيم - الآية ۲۲ .

راستین داد و من وعدهء میان تهی دادم که آن را خلاف نمودم من کافر شدم به آنچه که شما بدان شرک ورزیده اید و از آن بیزار هستم^۱.
دخول شیطان و دوستانش به آتش جهنم :

و این پایان نا امید کننده ورنج آوری است که خداوند حین سجده نکردن ابلیس به آدم ع همهء مخلوقات را از آن بر حذر نمود، خداوند شیطان را مخاطب قرار داده فرمود: { قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْعُومًا مَذْحُورًا لِمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ }^۲ ترجمه: هرآینه جهنم را از تو و از هر کس از آنان که تو را پیروی کند از همگی‌شان خواهم انباشت.

این قسمی از جانب الله متعال است که الله متعال قسم خورده است هرکسی از فرزندان آدم ع از شیطان پیروی کند و فرمانبرداری وی را نماید جهنم را از ایشان (پیروان و رهروان شیطان) پُر خواهم ساخت^۳ و این هشدار الهی چندین مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است { وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ }^۴ ترجمه: و قطعاً وعده گاه همه آنان دوزخ است.

و قرآن کریم پیروان شیطان را آگاه ساخته است که دنباله روی شیطان پایان تلخ و نا امید کنندهء دارد، خداوند می فرماید: { أُولَئِكَ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ }^۵ ترجمه: و چون به آنان گفته شود آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید می گویند [نه] بلکه آنچه که پدرانمان را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم آیا هر چند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فرا خواند).

یعنی آیا پیروی شیطان را بدون دلیل می نمایند! و اگر چه باور های شان استوار بر خواهشات نفسانی بوده باشد و شیطان با زینت افزایی و ارونه آنها را به سوی جهنم فراخوان دهد، اما الله متعال آن ها را به سوی نجات و ثواب و خوشبختی فرا میخواند^۶.

همین گونه الله متعال منظرهء ورود ابلیس و دوستانش به جهنم، ندامت و حسرت آنها را و اینکه پشیمانی شان فایدهء ندارد؛ را در آیه های قرآن کریم ۹۴-۱۰۲ سوره الشعراء بیان فرموده است. همان طوری که انسان های محرم در دنیا با شیطان یکجا بوده اند و در آخرت نیز با ایشان یکجا حشر می شوند سرنوشت ابدی شان نیز یکسان است دوزخ ابدی جزای همهء شان می باشد

^۱ معالم التنزیل - للبعوی - ج ۳ - ص ۳۷۵ .

^۲ سورة الأعراف - الآية ۱۸ .

^۳ جامع البیان للطبری - م ۵ - ج ۸ - ص ۱۷۸ .

^۴ سورة الحجر - الآية ۴۳ .

^۵ سورة لقمان - الآية ۲۱ .

^۶ التفسیر المنیر للرحیلی - ج ۲۱ - ص ۱۶۰ .

{ فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ }^۱ ترجمه : و فرجام هر دوشان آن

است که هر دو در آتش جاوید می مانند و سزای ستمگران این است.

اهل توحید ، کسانی که شیطان در صدد فریب دادن شان بود ولی گول شیطان را نخوردند و از جاده توحید و ایمان بیرون نشدند، اینان مسیر شان در آخرت با شیطان یکی نیست بلکه نصیب شان رحمت الهی است، هر چند که گاهی در اثر وسواس شیطان لغزش های داشته اند اما در ورطه گمراهی شیطان نیافتاده اند و برعکس در دنیا همیشه اهل رجوع و توبه بوده اند اگر گناهی از شان سر می زد خیلی زود استغفار و طلب بخشش می نمودند و اگر بخاطر سزای بعض گناهان به دوزخ بروند اما از پیروان شیطان شمرده نمی شوند زیرا بازگشت و ماوی اصلی شان بهشت الهی است .

عمده ترین زیان های اخروی را می شود در چند نکته خلاصه کرد:

۱- چنانچه قبلا به تفصیل گذشت ، آتش دوزخ ، كمثل الشيطان از قال للانسان اكفر فلما كفر
فی النار خالدین فیها.

۲- عذاب الهی ، یا ابت انی اخاف ان یمسک ..للشیطان اولیاء

۳- تعذیب همه امت های پیرو شیطان بلا استثنی: تالله لقد ارسلنا الی امم من قبلک والیهم عذاب الیم .

^۱سورة الحشر - الآية ۱۷.

مبحث دوم

وسایل مبارزه با شیطان

سوال اصلی در این پژوهش این است که چی گونه می توان با رهنمایی قرآن کریم به وسایل وقایوی و محافظتی دست پیدا کرد که از وسواس و تلوث شیطان نجات یافته و به مسیر او گام ننهاد؟

حکمت الهی بر این رفته است که هیچ دردی را نمی دهد مگر اینکه دوا و تداوی آن را نیز به بشر آماده می سازد تا در روز محشر انسان های بهانه نیارند که برای ما پیامبر و دعوتگری نفرستاده بودی. ازین رو خداوند متعال شیطان را برای ما معرفی کرده و از افتادن در دام و رفتن به مسیر وی ما را بر حذر داشته و وسایل نجات از وسواس و فریب شیطانی را برای ما بیان نموده است.

و از خلال آیه های قرآن کریم که در مباحث گذشته ذکر نموده ایم در یافتیم که مرض های شیطانی که ابلیس انسان ها را به آن آلوده می سازد به دو نوع است:

مرض خفیف و سبک، که همواره با انسان ملازمت دارد حتی گاهی به سلوک و عادت نیز تبدیل می شود که نتیجه آن گام گذاشتن در مسیر شیطان و افتتید در گودال شوم وی است .

مرض خطرناک و شدید ، که صاحب خود را به شرک و کفر مبتلا می سازد و او را گمراه ، سرکش، نافرمان و متمرّد بیار می آورد و این نکته را در بحث ما که به اسم شیطان و دوستان وی بود به خوبی درک نمودیم .

مرض اول نیاز به تداوی سبک و آسان دارد و به وسیله دوامداری که وی را از مسیر شیطانی دور داشته باشد علاج می شود. و این سطح ابتدایی وسایل می باشد.

مرض دوم که نیازمند تداوی قوی و وسیله محکم می باشد سطح دوم و پیشرفته از وسایل را تشکیل می دهد .

مطلب اول : وسایل وقایوی از دام های شیطان

این وسایل سطح ابتدایی برای مرض های شیطانی است، در سطح ابتدایی معمولاً وسواس و اغوا سازی شیطان مخفی و پیچیده بوده که حتی شخص نمی داند چطور به دام وی افتیده است در واقع همان گام های زینت افزایی و وعده های دروغین همراه با ترس و مس می باشد، در گام بعدی افتیدن در گرداب اهداف شوم وی که هرچند سبب خروج فرد مومن از ملت اسلام نگردد ولی به

مرور زمان از جادهء راست (صراط المستقیم) بیرون اش می سازد و در سطح پیشرفته از امراض مزمن قرار می گیرد تا جای که فرد به گمراهی گرویده و عاشق گناه و فریفتهء معصیت می گردد .

ما در این مطلب دنبال بیان مسایلی هستیم که شخص را از مبتلا شدن به چنین امراض حفاظت می نماید و مانع پیشرفت مرض های شیطانی در روح و روان وی می گردد . در واقع سرایت این مرض در بدن مانند امراض ظاهری بوده که همیشه نیازمند تداوی و استفاده از وسایل و قیوی است که هر لحظه بدن انسان را تهدید می نماید . و تا زمانیکه انسان روح در بدن دارد از وی دست بردار نمی شود .

و این نکته را از خلال بیان این وسایل خوبتر درک خواهیم کرد .

اول : پناه جستن به الله متعال

استعاذه که در عربی به معنای پناه جستن می آید در واقع انسان از وسواس شیطان به سوی الله متعال پناه می جوید و به قول امام طبری: معنای أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ همین است که شخص از وسواس شیطانی و از ضرری که ابلیس به دین و ایمان وی می رساند به سوی الله متعال پناهنده می شود و برای رفتن در مسیر مستقیم از وی کمک و یاری می جوید^۱ و هرگاه آثار وسواس شیطانی در قلب انسان نمایان شد وی به الله متعال پناه می برد زیرا شیطان و رحمان هر دو در قلب یک انسان نمی تواند حضور داشته باشد با یاد نام الله متعال و پناه جستن به ذات حق شیطان و وسواس او از قلب بیرون می گردد و هدف از نزول سوره های الناس والفلق نیز همین است که انسان از شر وسواس خناس و سایر پدیده های شوم شیطانی به خداوند متعال پناه ببرد . ازین رو رسول گرامی (صلی الله علیه سلم) به تلاوت این سوره مداومت می نموده و اصحاب خود را نیز بر تلاوت این دو سوره توصیه می فرمود^۲ دوام همیشه گی این دوا :

استعاذه و پناه جستن به ذات الهی در قرآن کریم در سیاق استمراریت و همیشه گی ذکر شده است زیرا در برابر وسوسه های شیطانی مداومت نمودن بر استعاذه از کارساز ترین شیوهء دفع وسوسه شیطان و نجات از اغوا سازی شوم وی است . خداوند می فرماید : ﴿وَمَا يَنْزَعُكَ مِنْ

^۱ جامع البیان للطبری - ج ۱ - ص ۶۱ .
^۲ التحریر والتتویر - لابن عاشور - ج ۳۰ - ص ۶۲۵ .

الشَّيْطَانُ نَزَعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ^۱ ترجمه : و اگر از شیطان و سوسه ای به تو رسد به خدا پناه بر زیرا که او شنوای داناست .

و همچنان در سوره فصلت آیه ۳۶ ، سوره اعراف آیه ۲۰۱ ، سوره نحل آیه ۹۸ و در سایر آیه های دیگر خداوند این نکته را تاکید کرده است و این آیه ها به اسلوب و روش شرط آمده است (إما ، إذا) که لزوم شرط افادهء لزوم فعل را می نماید، یعنی هرگاه انسان احساس نمود که شیطان وی را وسواس می نماید و به سوی نزع و مس می کشاند به پروردگار خود متوسل شود و به او پناه جوید زیرا وی وسواس و همزات شیطانی را از انسان دفع می نماید ، و همین طور آیات دیگری نیز به صیغهء استمرار و مداومت آمده است، خداوند متعال می فرماید : {وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ (۹۷) وَأَعُوذُ بِكَ رَبَّ أَنْ يَحْضُرُونُ} ^۲ ترجمه : و بگو پروردگارا از سوسه های شیطانها به تو پناه می برم * و پروردگارا از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می برم .

و همین طور سوره های الناس و الفلق و آیه ۳۶ سوره آل عمران و سایر آیات قرآن کریم متوجه می شویم بر صیغه مضارع آمده است که افادهء استمرار و همیشه گی را در حدوث فعل می نماید.

خطاب الهی در این آیه ها چنین که همیشه یاد الله متعال را نما و از ذکر او غافل مباش و بنا بر قول ابن قیم رح زمانی وسواس شیطانی در دل تو رخنه می کند که قلب تو خالی از ذکر الله متعال بوده باشد پس بهترین وسیلهء زدودن شیطان و وسواس او از قلب بنده، یاد الله متعال و پناه جستن بر او به طور همیشه و استمرار است^۳

قرآن کریم اماکن استعاذه و جاهای که در افتادن به آن به الله متعال پناه ببریم ؛ را برای ما بیان کرده است که قرار ذیل می باشد :

حین تلاوت قرآن کریم^۴

در حالت غضب و قهر^۵

زمانیکه بنده دچار وسواس زیاد می شود^۱

^۱ سورة الأعراف - الآية ۲۰۰ .

^۲ سورة المؤمنون - الآية ۹۸/۹۷ .

^۳ الوابل الصيب لابن القيم - ص ۵۰ .

^۴ سورة النحل - الآية ۹۸ .

^۵ سورة الأعراف - الآية ۲۰۰ .

پناه جستن نوزاد از شر شیطان^۲

و این از مهم ترین حالاتی است که بنده از شر شیطان به خداوند متعال پناه ببرد و شاید حالات مهم تر ازین چهار نیز وجود داشته باشد ولی به شکل عمومی این چهار حالت در قرآن کریم ذکر شده است که بقیه حالات را نیز شامل می گردد.

استعاذه در زمان تلاوت قرآن کریم در واقع پناه جستن به خداوند از شر شیطان در حین انجام طاعت حق ، و همین طور در حالت قهر و غضب و لحظه افتیدن در گناه می باید به خداوند پناه برد . و استعاذه در حق نوزاد برای حفظ او از شر شیطان و برکت در رزق و روزی وی از سوی الله متعال می باشد . پس قرآن کریم در ضمن بیان حالات و اماکن متذکره این چهار نکته اساسی را اشاره کرد (طاعت ، معصیت ، غضب ، رزق و روزی) که اکثر سلوک و رفتار بنده را پوشش می دهد .

و همین طور حالات پناه جستن به الله متعال از شر شیطان را در سنت نبوی نیز در می یابیم که خلاصه آن را ذکر می نمایم :

استعاذه در زمان داخل شدن به بیت الخلاء^۳

استعاذه در حین همسر داری^۴

استعاذه در شنیدن آواز خر^۵

استعاذه بخاطر فرزندان و خانواده^۶

استعاذه در حین خواب و بیدار شدن^۷

یادداشت کوتاه بر این دوا :

عده استعاذه (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم) را بر زبان می خوانند و و ظاهرا به الله متعال پناه می جویند و فکر می کنند که از وسواس شیطانی رهایی پیدا می کنند ولی هیچ گونه تاثیری را حس نمی کنند ، بدین معناست که اینان مفهوم استعاذه را به شکل اساسی درک نکرده اند ، و تاثیر اساسی استعاذه را زمانی می توان مشاهده کرد که زبان و قلب بنده هر دو به شکل یکسان

^۱ سورة الأعراف - الآية ۲۰۱ .

^۲ سورة آل عمران - الآية ۳۶ .

^۳ صحیح البخاری - کتاب الدعوات - باب الدعاء عند الخلاء - ج ۶۳۲۲ ص ۵۳۲ .

^۴ صحیح البخاری - کتاب الوضوء - باب : التسمية على كل حال وعند الوقاع - ج ۱۴۱ ص ۱۵ .

^۵ صحیح البخاری - کتاب بدء الخلق - باب خیر مال المسلم - ج ۳۳۰۳ ص ۲۶۷ .

^۶ صحیح البخاری - کتاب احادیث الأنبياء - باب النسلان فی المشی - ج ۳۳۷۱ ص ۲۷۴ .

^۷ صحیح ابن حبان - کتاب الزينة والتطيب - باب ذکر الشيء الذي إذا قاله المرء عند استيقاظه حديث شماره ۵۰۳۳ - ج ۱۲ - ص ۳۴۳ .

از شر شیطان به خداوند متعال پناه بجوید . و همان طوری که زبان و قلب اش به ذکر الله متعال تازه است در راستای بجا آوردن اوامر الهی و اجتناب از نواهی اش نیز کوشا بوده است . پس استفاده از استعاذه و پناه جستن به الله متعال به گونه‌ای باشد که به مثابه سلاح برنده و قوی در زدودن وسواس شیطانی مفید قرار گیرد .

دوم : ذکر الله متعال

این سلاح ربانی تنها به لفظ استعاذه خلاصه نمی شود بلکه به دایره‌های بزرگ ازین می انجامد زیرا هر کلمه‌ای که رحمت الله متعال و خیر و برکت را از جانب وی به سوی بنده‌ها سرازیر می سازد از ذکر الهی به شمار می رود و پنهانی ذکر و یاد خدا در شریعت اسلامی وسیع بوده و الفاظ آن بی شمار است مانند " تسبیح ، تهلیل ، حمدگفتن ، تکبیر ، حوقله ، استغفار و غیره " پس این کلمات تماماً الفاظ و مقوله‌های است که معنای استعاذه را افاده می کنند . زیرا این کلمات پناه جستن به ذات حق را و جلب حمایت وی را به بنده مساعد می سازد و هدف اصلی شیطان را که همانا فراموش ساختن ذکر و یاد الهی می باشد؛ در نطفه خنثی می سازد . خداوند متعال می فرماید : { اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ }^۱ ترجمه : شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است . وجه استدلال : آیه فوق دلالت دارد که هر ذکر مسنون‌ه‌ای که باشد وسواس شیطان را از قلب بنده دور می سازد و برای بنده اطمینان قلبی و آرامش خاطر به بار می آورد .

سوم : سخن حق و نیکو

شیطان همیشه دنبال نقاط ضعیف انسان‌ها است، اکثراً از زبان انسان‌های استفاده می کند و بر زبان شان الفاظ پوچ و رکیک را می آورد و در نتیجه آتش قهر و غضب را که منجر به خشونت در میان انسان‌های می شود شعله ور می سازد، و الله متعال برای علاج این مرض دوا می پسندیده را گذاشته که عبارت از گشادن زبان به سخن حق و قول نیکو می باشد ، الله تعالی می فرماید : { وَفَلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا }^۲ ترجمه : و به بندگانت بگو آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می زند زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است .

^۱ سورة المجادلة - الآية ۱۹ .

^۲ سورة الإسراء - الآية ۵۳ .

خداوند متعال بنده های مومن خود را امر می نماید که در برخورد ها و گفتگو های شان کلام نیک و سخن حق بگویند و اگر از سخن نیکو دوری جستند شیطان با آوردن سخنان زشت در زبان شان سبب خشونت و عملکرد ناپسند در میان شان می گردد و بحث را به دشمنی و عداوت می کشاند زیرا شیطان دشمن آدم ع و اولاده او است و ازین جهت رسول خدا (صلی الله علیه سلم) نمایان ساختن نوک کارد و چاقو را به سوی برادر مسلمان ما نهی کرده است زیرا شیطان سبب نزاع و خصومت در میان انسان ها می گردد^۱

و اینکه خداوند به قول حق و سخن نیکو فرمان داده است برای دفع نزاع شیطان است، چنانچه می فرماید: { خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ* وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ } ترجمه: گذشت پیشه کن و به [کار] پسندیده فرمان ده و از نادانان رخ برتاب* و اگر از شیطان وسوسه ای به تو رسد به خدا پناه بر.

ازین رو منهج نبی کریم صلی الله علیه و سلم چنین بود که در هیچ جا نکتهء برای شک و شبهه باقی نمی گذاشت و برای زدودن شبهه از مردم واقعیت ها را بیان می نمود شبی با یکی از همسران شان از جای می گذشت که در مسیر راه با دو نفر از انصار برخورد نمود و برای شان گفت این خانم همسر من است، آن دو شخص فرمودند ما به تو هیچ شکمی نداریم یارسول الله، اما پیامبر گرامی (صلی الله علیه سلم) توضیح داد که شیطان در شریان های خون انسان در حرکت است و امکان دارد در قلب شما چیزی از شک و شبهه را بیافکند^۲

همان گونه که انسان مومن ملزم به گفتن سخن حق و قول نیکو است به دوری از سخنان باطل و قول زشت نیز امر کرده شده است، الفاظ رکیک و میان تهی و سخن بی مفهوم سبب می شود تا دریچهء شر به سینه انسان از سوی شیطان گشوده شود پس نگه داشتن زبان از حرف های پوچ و سخنان باطل یکی از اوامر الهی است چی بسا نبرد های خانمان سوزی با یک سخن ناسنجیده در میان قبایل عرب و مردمان قدیم آغاز شده که نتیجه اش ویرانی و تباهی جوامع بوده است^(۴).

سوم: دوری از تمام فرآورده های شیطان

۱ صحیح البخاری - کتاب الفتن - ح ۷۰۷۲ - ص ۵۹۰ .

۲ سورة فصلت - الآیة ۳۴-۳۶ .

۳ صحیح البخاری - کتاب فرض الخمس - باب: ما جاء فی بیوت أزواج النبی صلی الله علیه وسلم - حدیث شماره ۳۱۰۱ - ص ۲۵۰ .

۴ مجلة هدی الإسلام - منافذ الشیطان الی صدر الانسان - العدد الاول - محرم - صفر ۱۴۱۲ هـ .

بعد از اینکه بنده به سلاح الهی آراسته گردید باید از فرآورده های شیطانی چون گناه و معاصی دور بجوید زیرا هرکسی به شیطان نزدیک او را آلوده می سازد ، بعضی از آن فرآورده ها را ذکر می کنیم :

دوری از تهمت و گناه :

شیطان همیشه انسان های گناه کار و تهمت زننده را به سوی خود می کشاند و با جا گرفتن به لانه های این انسان ها در ادامه این مسیر کمک و یاور شان می گردد ، خداوند می فرماید: { هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلُ الشَّيَاطِينُ * تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ * يُفْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ }^۱ ترجمه : آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی فرود می آیند * بر هر دروغزن گناهکاری فرود می آیند * که [دزدانه] گوش فرا می دارند و بیشترشان دروغگویند.

هرکسی که به کفایت و غیب گویی مصروف بود و به افک و گناه آلوده بود شیطان به آن ها روی می آورد ، و گناه و افک دو در بزرگی است که همه معاصی را در تحت خود دارند. افک تهمت بستن و دروغ گفتن را گویند که این خود منشأ تمام کفر و عناد و جدال باطل را تشکیل می دهد و اثم تمام آنچه که نفس آدمی را خدشه دار می سازد و انسان نمی خواهد دیگران از آن اطلاع یابند که این خود منشأ همه رازلت ها و فحشا و منکرات می باشد.

پس سخن حق و قول نیکو تیغ برنده است که هر انسان بخاطر نابود ساختن وسواس شیطانی و پلان های شوم ابلیس با آن ملبس بوده باشد. و انسان جز به رجوع به پروردگار و توبه به درگاه او و پناه بردن به قلعه توحید و ایمان الهی نمی تواند از شر افک و اثم رهایی یابد .

چهارم : دوری از رفیقان و یاران بد

بنده مومن بعد از اینکه خود را به سلاح سخن نیک و قول حق آراسته نموده و از به زبان آوردن الفاظ زشت و رکیک اجتناب ورزید می باید از دوستان و یارانی که رفاقت شان سبب فاسد شدن عقل و قلب وی می گردد دوری جوید و خود را با این اسلحه مجهز سازد، زیرا تاثیر رفیق در زندگی انسان هویدا است چی بسا از کسانی که بخاطر رفیقان بد و یاران نا به کار با نا امیدی کامل راهی دوزخ الهی شده اند ، و چنین وضعیتی را قرآن کریم ترسیم نموده است، خداوند متعال می فرماید {وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَا

^۱ سورة الشعراء - الآية ۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴.

لِيُنْتَبَى لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا {ترجمه : و روزی است که ستمکار دستهای خود را می گزد [و] می گوید ای کاش با پیامبر راهی برمی گرفتم.

بدون در نظر داشت اینکه مشخصاً آیه فوق بالای کی نازل شده است اگر به اعتبار عموم لفظ قرآنی نگاه کنیم هر کسی که با رفیقان بد و یاران سوء همراه شد سرنوشت تلخ و تاریک نصیبش می شود و از ندامت و پشیمانی زیاد انگشت های خود را دندان میگیرد ولی با آنهم بی فایده است.

و این نکته را خداوند متعال در آیه های بی شماری تذکر داده است. به ویژه در چنین زمانه فساد و عصر پر آشوب آراسته بودن به این سلاح از نیاز های مبرم به شمار می رود. سلاح رفاقت و دوستی با افراد مومن و با تقوی و دوری از یاران بد و شریر که وجود شان باعث تلوث فضای اخوت و برادری می گردد. و چی زیباست که همهء افراد جامعهء اسلامی در یک چنین فضای وحدت و همدلی بسر ببرند زیرا وحدت اسلامی مایهء قوت و اختلاف و چند دستگی سبب ضعف و فتور در جوامع می گردد.

در حدیثی آمده است : *إنما مثل الجلیس الصالح والجلیس السوء كحامل المسک ، و نافع الکیر فحامل المسک : اما ان یحذیک ، و اما ان یتباع منه ، و اما ان تجد منه ریحا طیبیة، و نافع الکیر : اما ان یحرق ثیابک ، و اما ان تجد منه ریحا خبیثة .*^۱

ترجمه : همانا مثال همنشین صالح و همنشین بد مثال حامل مسک و آهنگر است، حامل مسک (عطر فروش) یا به تو از عطرش می بخشد و یا خودت از وی می خری و یا اینکه از او بوی خوش به مشامت خواهد رسید، آهنگر یا لباست را می سوزاند و یا بوی بد از وی خواهی یافت. همنشین صالح به خیر دعوت می کند اما همنشین بد زهر کشنده است ، مدام در حال تشویق به ارتکاب معاصی اند و به هر کسی که با آنها همنشینی گزیند دروازه های شر و فساد را روی وی باز می کند و به همنشینان خود انواع گناهان را تزیین کرده و زیبا جلوه می دهد و به هر فسادی که در مخیله انسان هم نبوده یاد آورد می شود و اگر کسی نیت توبه داشته باشد او را باز می دارد.

^۱ . سورة الفرقان – الآية ۲۷-۲۸ .
^۲ -صحیح البخاری، باب المسک - شماره حدیث (۵۰۳۴)

مطلب دوم : وسایل مبارزه با شیطان

در بحث های گذشته یاد آور شدیم که شیطان عبارت از هر موجود سرکش و نافرمان که از او امر الهی سرباز زند، می باشد و دوستان شیطان کسانی اند که به مسیر وی گام نهد، می باشد. برای مبارزه با شیطان و دوستان اش و مرض های که از سوی ایشان انتشار می یابد نیاز است که شریعت الهی با جمله شعایر آن برپا گردد و با هرکسی که گرایش به سوی شیطان و دوستی او دارد مبارزه صورت گیرد که اینک وسایل این مبارزه را بیان می داریم :

اول : توبه

اولین قدم برای مقابله با شیطان، پاکسازی خود از آلودگی هایی است که شیطان در انسان ایجاد کرده است. بهترین چیزی که گناهان را می شوید، از نظر قرآن، توبه است. دل را باید از زنگارها زدود تا نور الهی بتواند در آن جای گیرد. نخستین اقدامی که شیطان به واسطه آن آدم را به لغزش کشاند، با توبه جبران شد: (فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ)^۱ ترجمه: پس آدم از سوی پروردگارش کلماتی دریافت کرد، (وبا آن کلمات توبه کرد)، پس خداوند لطف خود را بر او بازگرداند. همانا او توبه پذیر مهربان است. چون آدم از غذایی که نباید بخورد، چشید و از آن همه نعمت و رفاه محروم شد، متوجه اشتباه خود گردید. او در اثر پشیمانی و ندامت، کلماتی را از خداوند دریافت کرد و به وسیلهی آن کلمات، توبه نمود.

کلمات توبه، همان جمله ای است که در سوره ی اعراف آمده است:

«رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ»^۲ ترجمه : خدایا! ما به خود ستم کردیم و اگر تو ما را نیامرزی و مورد رحمت قرار ندهی، حتماً از زیانکاران خواهیم بود. ۱- همچنان که توفیق توبه از خداست، باید چگونگی و راه توبه را نیز از خداوند دریافت کنیم. "مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ"

۲- قبول توبه و ارائه ی راه آن، از شئون تربیت و ربوبیت خداست. «مِنْ رَبِّهِ»

^۱: سوره البقره آیه ۳۷

^۲: سوره الاعراف آیه ۲۳

۳- این همه لطف و قبول توبه، تنها کار خداست. (هُوَ)

۴- اگر توبه واقعی باشد، خداوند آن را می پذیرد. (وَ التَّوَابُ)

۵- اگر توبه را شکستیم، باز هم خداوند توبه را می پذیرد. (هُوَ التَّوَابُ)

۶- عذر پذیری خدا همراه با رحمت است، نه عتاب و سرزنش. «التَّوَابُ الرَّحِيمُ»

دوم: بیزاری جستن از شیطان و ایمان آوردن به ذات رحمان

خداوند می فرماید که بیزاری از شیطان و ایمان به ذات اقدس وی در واقع به مثابه یک وسیله و رسن محکم و قوی است که با چنگ زدن به آن هرگز از مسیر حق به بیراهه نمی روید و به کسانی که اراده نجات و طلب سلامتی دارند، این وسیله قوی ترین سلاح به شمار می رود، { فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَأِثْقَامَ لَهَا }^۱ ترجمه: پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست.

پس اولین گام برای مبارزه با شیطان بیزاری جستن از دوستی با وی و روی آوردن به سوی الله متعال و ایمان به ذات اقدس او تعالی می باشد، زیرا ایمان قلعه محکم و آهنین است که بنده را از افتادن در لغزش های شرک و کفر حفاظت می کند.

شیطان همواره در صدد وسواس سازی انسان است تا در قول و عمل و عبادت وی شرک را دخیل بسازد و اخلاص و ایماننداری انسان را نابود سازد و هر زمانی که در این راستا موفق شد بالای انسان تسلط می یابد و اراده مقاومت را در او ضعیف می سازد. مگر انسان های مخلص و اهل ایمان و تقوی که همیشه با خدای خود در ارتباط هستند و از وسواس شیطانی به او پناه می برند خداوند به اخلاص و تقوی اینان نگریسته از شر شیطان محفوظ شان می دارد { إِيَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ } ترجمه: مگر آن بندگان پاکدل تو را.^۲

و بعد از وسیله ایمان، توکل بر خداوند و طلب کمک از الله متعال در حمایت از ایمان و تقوی وسیله دوم برای مبارزه با شیطان به شمار می رود که انسان همیشه معیت و همراهی الله متعال را از وی بخواهد و هر جا با توکل به ذات او تعالی بسر ببرد.

^۱ سورة البقرة - الآية ۲۵۶.

^۲ سورة الحجر - الآية ۴۰.

سوم : مبارزه در برابر اولیاء الشیطان

بعد از اینکه انسان با سلاح ایمان و تقوی آراسته شد و ارتباط خود را با الله متعال به شکل اساسی قایم نمود شیطان بیشتر از قبل بالای وی هجوم می آورد و میخواهد انسان را به گمراهی بکشاند، اینجاست که برای دفع وسواس و خنثی سازی پلان های شوم شیطان هرچه عاجل دست بکار شد و با دوستان وی وارد نبرد گردید.

هرگروهی از خود پیروان و رهروانی دارد که در مسیر برآورده سازی اهداف آن گروه تلاش می کنند ، خداوند می فرماید : { الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا }^۱

ترجمه : کسانی که ایمان آورده اند در راه خدا کارزار می کنند و کسانی که کافر شده اند در راه طاغوت می جنگند پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است. مومنان در مسیر طاعت الهی و حصول رضای وی تلاش می ورزند و کارزار و مبارزه می کنند و کافران در راه طاعت شیطان مبارزه می نمایند اما الله متعال فرمود با دوستان شیطان وارد نبرد شوید زیرا مکر شیطان ضعیف است.^۲

چهارم : شناخت دسایس شیطان

خداوند متعال می فرماید : { أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ }^۳ ترجمه : ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست * و اینکه مرا بپرستید این است راه راست. خداوند متعال بعد از اینکه راه های شیطان را برای ما بیان نمود و در قرآن کریم از گام گذاشتن به سوی آن مسیر بر حذر مان داشت در پایان ضمن یک هشدار شدید به شیوه نیک برای ما می فهماند که از جادهء راست و صراط المستقیم که همانا راه حق است منحرف نشوید ، و هرکسی که در این مسیر الهی رفت بی گمان از راه شیطان به دور خواهد شد، پس بیان راه شیطان و کشف پلان های وی و همچنان رهنمایی به سوی راه حق از سوی او تعالی مبارزه با شیطان و دوستان وی را آسان تر می سازد .

^۱ سورة النساء - الآية ۷۶.

^۲ تفسير القرآن العظيم - لابن كثير - ج ۴ - ص ۱۶۰ .

^۳ سورة يس - الآية ۶۰-۶۱.

همان گونه که دکتور سلیمان الأشقر می فرماید : مسلمان باید راه ها و اهداف و شیطان را بشناسد و از پلان های وی دیگران را آگاه سازد ، همان طوری که قرآن کریم بیان نموده است و رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه سلم) این مسوولیت را به دوش داشته است و صحابه کرام به شکل درست اش پیش برده است ما نیز مسوولیت داریم نه تنها گول شیطان را نخوریم و به وسواس زرق و برق وی فریفته نشویم بلکه باید دیگران را نیز از پلان های خطرناک وی آگاه سازیم و از اینکه شیطان چطور در صدد وسوسه سازی و فاسد ساختن عقل و روح انسان ها است همه را برحذر داریم^{۱۰}

پس انسان هرگز از دشمن کینه توز که گمراهییش را آرزو دارد جدا نیست، دشمنی که برای بی آبرو کردن آدمی و گمراه ساختن وی به انواع حيله ها دست می زند. از اینرو آدمی ضرورت دارد تا حد توان شیطان و وسوسه اش را شناخته و در صدد مراقبت و هشیاری برآمده و با پناهندگی به خدای تعالی از شر شیطان و وسوسه هایش در امان باشد. و شاید همین شیوه در افشا سازی پلان های شیطان موثر ترین راهکار بوده باشد که من در خلال این پژوهش کوتاه خواستم به اندازه توان بالایش کار کنم و مسایل را با استناد به آیه های قرآن کریم، احادیث نبوی و اقوال علمای کرام توضیح دهم تا چراغ روشنی در راستای بینایی و آگاهی در مورد شیطان و گام های او بوده باشد .

^{۱۰} عالم الجن و الشیطان - سلیمان الأشقر - ص ۱۶۱ .

نتایج بحث

در ختم این بحث به نتایج ذیل رسیدیم :

۱- لفظ شیطان و الفاظ مرادف آن (طاغوت، ابلیس) ۱۸۰ بار در کتاب الله متعال آمده است که به اهمیت موضوع دلالت می کند .

طاغوت به سبب تمرد و تعدی اش اخص ترین خصوصیت الهی را که حاکمیت و تشریح می باشد به خود اختصاص داده است . در بین شیاطین ، شیاطین انسی و جنی وجود دارد که شیاطین جنی از آتش اما شیاطین انسی از گل افریده شده اند .

۲- دشمنی شیطان با انسان و جنیات صالح از زمانی آغاز شد که در اثر تکبر و خود بزرگ بینی از امر خدا سرپیچی کرد و از سجده نمودن به انسان خود داری کرد و در برابر خداوند طغیان نمود و رانده شد .

۳- پیامبران الهی چون پرچم داران نخستین دعوت الهی اند از اینرو در صف اول این معرکه در برابر شیاطین قرار دارند .

۴- اتباع شیطان در دنیا و آخرت فراوان اند . کفار، مشرکین، منافقین، جادوگران و فالبین ها، و خرافات گرایان همه از اتباع شیطان اند .

۵- تعبیر قرآنی خطوات شیطان، زیبایی بلاغی خاصی دارد که نقشه های مکارانه و تدریجی شیطان را به ما نشان می دهد . که در قدم نخست از یک منکر شروع شده و آرام آرام انسان را به دایره کفر می کشاند .

۶- نفس انسان اولین میدان معرکه شیطان است اگر کسی در اصلاح آن موفق شد و از وسوسه های شیطان جان سالم به در برد می تواند بسوی رستگاری گام نهد و اما اگر درین میدان شکست خورد زیان می کند .

۷- روانشناسان غربی مردم را چنان ذهنیت می دهند که گویا وسوسه از خصوصیات طبیعی نفسی انسانها بوده و مقاومت در برابر آن عمل غیر طبیعی است اما حقیقت اینست که وسوسه اراده انسان را سلب ننموده بلکه یک پدیده عارضی است که با پناه جستن به خدا دفع می شود .

۸- کبر و حب جاویدانه بودن و دارائی ، کمینگاهای ضعیفی در نفس اند که شیطان ازین طریق به نفس انسان داخل می شود .

۹- خطرناکترین دام شیطان تزئین باطل برای دشمنانش می باشد. و شیطان از ابزار وعده های کاذبانه به این منظور استفاده می کند.

۱۰- فراموشی حق و بندگی الله و مشغول سازی مردم به تفریح های عبث از جمله دام های شیطانی می باشد و شیطان دشمنان خود را از ناحیه فقدان چیزی که دوست دارند می هراساند چنانچه در هنگام انفاق از فقر، در هنگام جهاد از مرگ و امثالهم .

۱۱- غضب یکی از خطوات (نقشه های) شیطان می باشد که در سه مرحله تمثیل می شود از همز (غضب نرم) ، نزع (پیشانی ترشی که شدت غضب را نشان می دهد) و (الاز) که تعصب کور کورانه است ختم می شود .

۱۲- مس (لمس) شیطان در کتاب الله به دو صورت ثابت شده است : اول مس نفسی یا برانگیختن و اضطراب نفسی تا اینکه انسان را به جنون می کشاند و دوم مس جسدی که از بیخیالی و بی بند و باری حاصل می شود.

۱۳- شیطان شکل اول از اشکال مس عمل می کند پس به شکل گسترده در ایجاد فشار بالای نفوس دشمنان خود ازین حربه استفاده می کند .

اهدافی که شیطان در برابر انسان دارد به دو نوع بوده عامه و فرعی که به نتایج ذیل می توان رسید :

۱- هدف عمومی شیطان که واداشتن انسان به نافرمانی از خداوند متعال می باشد اغلباً از یک لغزش کوچک انسان شروع شده و بصورت گام به گام انسان مسلمان را تا مرز کفر و ناامیدی می کشاند.

۲- ترویج فحشا و منکرات، منع از نماز و عبادت پروردگار، قتل ناحق ، فرار از میدان جهاد در برابر دشمنان خدا، بخل، آلوده ساختن فطرت انسانی در تمام شئون حیاتی، همه و همه ابزاری اند که شیطان برای فاسد سازی و فروپاشی جوامع سالم بشری در پی تحقق آن است و در آخرت نیز انسان را به دوزخ سوق می دهد.

عواقب پیروی و متابعت شیطان در دنیا و آخرت نتایج شوم ذیل را در بردارد:

۱- مشقت، سختی، غم و اندوه و انواع شقاوت های دنیوی و اما پیروان شیطان طوریکه در دنیا با او یکجا بودند در روز آخرت نیز با او حشر می شوند و حسرت خورده، از شیطان اعلام بیزاری می کنند که در نهایت همه در دوزخ یکجا می شوند.

- ۲- انسان می تواند با شیوه وقایوی با ذکر خداوند و پناه جستن به او تعالی خود را از شر شیطان نجات بدهد.
- ۳- شیطان در رگ های انسان مثل خون جریان دارد که بعضی اوقات در موقع مناسب وسوسه می کند.
- ۴- سخن حق و انجام کار های نیک سلاح قوی در مواجهه با شیطان می باشد. هرگاه زبان انسان از گفتن حق و سائر جوارح از کردن کار نیک بازماند انسان در لغزش قرار گرفته و دست به جرایم میزند.
- رفاقت با افراد ناصالح از حربه های خطرناک شیطان اند.
- ۵- از جمله بهترین و پاکترین ابزار در مبارزه با شیطان کشف پلان ها و دام های شان و بیان کردن آن به مردم طوریکه در کتاب الله و احادیث نبوی (صلی الله علیه وسلم) آمده است و به شکلی که علمای بزرگ در زمان خود این رسالت را انجام داده اند، می باشد.

پیشنهادهای باحث

- ۱- دانشمندان امت اسلامی و انانی که در بعد تربیة نسل ها و تعیین مناہج تحصیلی شان کار می کنند به داستان آدم و ابلیس توجه خاص بکنند، زیرا در این سوره به روش خاص قرآنی که ریشه دشمنی ابلیس و لشکریانش با آدم و فرزندانش عمیقاً طرح شده است، اهمیت بسزایی دارد. زیرا درک عمیق از این دشمنی انسان ها را وادار می سازد تا از شر و مکائد شیطان و لشکریانش بر حذر بوده باشند و در تمام مراحل زندگی گام های شان را هوشمندانه بردارند تا در دام ابلیس نیفتند.
- ۲- دانشمندان و مفکرین اسلامی در پژوهش های تحقیقاتی شان بالای نصوص قرآنی این نکته را خاطر نشان ساخته اند که پرستش شیطان به مفهوم قرآنی آن در جهان امروزی در میان انسان ها عام شمول گردیده است. پس اصطلاحات قرآنی از قبیل شیطان و امثالهم باید بکار برده شوند و افراد متدین و مسلمان از استعمال این اصطلاحات خجالت نکشند.
- ۳- اصطلاح گام های (خطوات) شیطان که در مورد آن توضیحات مفصل دادیم نشان می دهد که شیطان بصورت تدریجی انسان را بر پرتگاه سقوط سوق میدهد پس هیچ گاه نباید اسباب گناه و پیش درآمد معصیت را خفیف بشماریم.
- ۴- مطالعه کتب تزکیوی برای هر مسلمان نیاز است خصوصاً برای دانشجویان علوم اسلامی و شرعیات که برای دیگران الگوی تدین اند.
- ۵- شیطان شناسی باید به عنوان یک پروژه برای طلاب العلم و سایر دانش آموزان در مراکز علمی با تدویر سیمینار ها براه انداخته شود، دسایس و نقشه های شوم شیطان و مسایل تزکیه و مبارزه با آن از نیاز های مبرم جامعه ماست که بطور شگفت آوری تغییرات مثبت بالای تمام شئون زندگی ما می داشته باشد.
- ۶- دانش آموزان علوم اسلامی با درک رسالت ایمانی خویش باید در جهت تنویر افکار عامه کمر همت ببندند و مردم را از عواقب شوم و خطرناک رفتن به نزد فالبین ها، جادوگرها که باعث فروپاشی خانواده ها و تباهی جامعه میشوند و جز خشنودی شیطان و نارضایتی رحمن خیری در پی ندارد جدا آگاهی بدهند.

فهرست آیات قرآنی

سوره البقره

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ	۲۵۶	۲۱	سوره البقره
۲	وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ	۳۴	۳۵	سوره البقره
۳	وَلَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ	۲۰	۴۳	سوره البقره
۴	لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ	۱۶۸	۷۲	سوره البقره
۵	وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ	۳۴	۸۲	سوره البقره
۶	زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنْ	۲۱۲	۸۶	سوره البقره
۷	الشَّيْطَانِ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ	۲۶۸	۹۱	سوره البقره
۸	الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ	۲۷۵	۹۵	سوره البقره
۹	الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ	۲۷۵	۹۷	سوره البقره
۱۰	وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ	۲۵۷	۱۰۲	سوره البقره
۱۱	فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ	۳۶	۱۰۷	سوره البقره
۱۲	يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ	۱۶۸ و ۱۶۹	۱۱۱	سوره البقره
۱۳	وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ	۱۰۲	۱۱۴	سوره البقره
۱۴	وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ	۱۰۲	۱۳۲	سوره البقره
۱۵	وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ	۱۴	۱۴۲	سوره البقره
۱۶	إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ	۱۶۶	۱۵۱	سوره البقره
۱۷	وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا	۱۶۷	۱۵۱	سوره البقره

سوره البقره	١٦٢	٣٧	فَتَلَقَى آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ	١٨
سوره البقره	١٦٣	٢٥٦	فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ	١٩

آل عمران

سوره	صفحه	شماره آيه	متن آيه	شماره
آل عمران	٥٥	٣١	قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...	١
آل عمران	٦٧	١٧٥	إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ	٢
آل عمران	٦٩	١٧٥	إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ	٣
آل عمران	٩٢	١٥٢	وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُم بِآيَاتِهِ	٤
آل عمران	٩٣	١٧٥	إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ	٥
آل عمران	٩٤	٢٠٠	وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ	٦
آل عمران	١٢١	١٥٥	إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ	٧

سوره النساء

سوره	صفحه	شماره آيه	متن آيه	شماره
نساء	٢٢	٥١	أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ	١
نساء	٢٣	٦٠	أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا	٢
نساء	٢٤	٧٦	الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ك	٣
نساء	٢٧	١١٧	إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا	٤
نساء	٢٨	٥١	أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ	٥
نساء	٣٩	٧٦	إِنْ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا	٦
نساء	٤١	١٢٠	وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا	٧
نساء	٦٠	١١٨	لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَا تَخْذَنْ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا	٨

نساء	٩٠	١١٩ و ١٢٠	وَلَا ضِلَّانَهُمْ وَلَا مِئْيَبَهُمْ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَبْتَكُنَّ	٩
نساء	١٠٣	١١٦ و ١١٧	إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ	١٠
نساء	١٢٣	٣٧	وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ	١١
نساء	١٢٥	٣٨	الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ	١٢
نساء	١٢٩	١١٩	وَلَا ضِلَّانَهُمْ وَلَا مِئْيَبَهُمْ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَبْتَكُنَّ آدَانَ	١٣
نساء	١٤٧	١١٩	وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا	١٤

سوره المائده

سوره	صفحه	شماره آيه	متن آيه	شماره
مائده	٥١	٦٧	يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ	١
مائده	٥٩	٤٩	وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ	٢
مائده	١٠٩	٦٠	قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِنْ ذَلِكَ مَثْوِيَّةً عِنْدَ اللَّهِ	٣
مائده	١١٢	١٠٣	مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ	٤
مائده	١١٨	٩١	إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ	٥
مائده	١١٨	٢٧ الى ٣٠	وَائْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا	٦
مائده	١٣٣	٩١	إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ	٧
مائده	١٣٤	٩٠	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ	٨

مأثده	١٣٥	٩٠	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ	٩
مأثده	١٣٦	٩٠	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ	١٠

سوره الانعام

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
١	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ	١١٢	٢٥	الانعام
٢	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنَّ	١١٢	٤٨	الانعام
٣	وَقَالَ أُولِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ	١٢٨	٥٧	الانعام
٤	وَأِنْ نُّطِيعَ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ	١١٦	٥٩	الانعام
٥	وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ	١٢٨	٦٣	الانعام
٦	وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ	١٢١	٦٥	الانعام
٧	وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ	١٢١	٦٥	الانعام
٨	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ	١١٢	٧٣	الانعام
٩	وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ	١١٢	٧٨	الانعام
١٠	وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ	١٢١	٧٨	الانعام
١١	وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ	٦٠	٨٩	الانعام
١٢	قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا	٧١	١٤٨	الانعام

سوره الاعراف

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
١	إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ	٢٧	٣٤	الاعراف
٢	قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ	١٢	٤٣	الاعراف
٣	قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ	١٦، ١٧	٤٥	الاعراف

الاعراف	٤٦	٢٢	فَلَمَّا دَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا	٤
الاعراف	٥٤	٣٠	فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ	٥
الاعراف	٦٠	١٧	ثُمَّ لَا تَعِيَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ	٦
الاعراف	٦٢	١٧٩	وَأَقْدَرْنَا لِحَبَتِهِمْ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ	٧
الاعراف	٧٦	٢٠	فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا	٨
الاعراف	٨٢	٢٠	وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أ	٩
الاعراف	٨٨	٢٠	وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إ	١٠
الاعراف	٨٨	٢١	وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ	١١
الاعراف	١٠٤	١٦	قَالَ فِيمَا أُغْوِيَنِي لِأَفُغِدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ	١٢
الاعراف	١٢٦	٣١	يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ	١٣
الاعراف	١٣٧	٢٠	فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِهِمَا	١٤
الاعراف	١٣٨	٢٧	يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ	١٥
الاعراف	١٤٥	١٨	قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ	١٦
الاعراف	١٥٢	١٨	قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا لَمَنْ تَبِعَكَ	١٧
الاعراف	١٥٦	٢٠٠	الشَّيْطَانِ نَزَعَ فَأَسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ	١٨
الاعراف	١٦٢	٢٣	رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ	١٩

سوره الانفال

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
١	وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ	٤٨	٤٠	الانفال

٢	وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَنَا	٤٨	٧٩	الانفال
٣	وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَنَا	٤٨	٨٧	الانفال
٤	وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ	٤٧	٨٧	الانفال

سوره التوبه

شماره	متن آيه	شماره آيه	صفحه	سوره
١	اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ	٥٩	٦٠	توبه

سوره يونس

شماره	متن آيه	شماره آيه	صفحه	سوره
١	قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلَقَاءِ نَفْسِي	١٥	٥٠	يونس
٢	أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ	٦٢ و ٦٣	٥٤	يونس

يوسف

شماره	متن آيه	شماره آيه	صفحه	سوره
١	قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَيَّ	٥	٤٦	يوسف
٢	وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ	١٠٣	٥٩	يوسف
٣	وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي	١٠٠	٩٥	يوسف
٤	قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَيَّ	٥	١٣٢	يوسف

ابراهيم

شماره	متن آيه	شماره آيه	صفحه	سوره
١	وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ	٢٢	٤١	ابراهيم
٢	قَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ	٢٢	٦٨	ابراهيم
٣	وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ	٢٢	١٥١	ابراهيم

الحجر

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	لَمْ أَكُنْ لَأَسْجُدَ لِبَشَرٍ	۳۳	۳۶	الحجر
۲	وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ	۳۵	۳۸	الحجر
۳	إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ	۴۲	۶۸	الحجر
۴	وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ	۳۵	۱۴۵	الحجر
۵	أُولُو كَانِ الشَّيْطَانِ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ	۴۳	۱۵۲	الحجر

النحل

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ	۳۶	۲۴	النحل
۲	فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ	۹۸	۳۷	النحل
۳	إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ	۹۸ و ۱۰۰	۶۸	النحل

اسراء

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	أَأَسْجُدُ لِمَنْ خُلِقْتَ طِينًا	۶۱	۳۶	اسراء
۲	قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ	۶۲	۳۸	اسراء
۳	وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا	۸۱	۳۹	اسراء
۴	قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ	۶۲، ۶۳	۴۴	اسراء
۵	وَعِدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا	۶۴	۸۸	اسراء
۶	قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنِ أَخَّرْتَنِي	۶۲	۱۰۲	اسراء
۷	وَاسْتَفْزِرْ مِنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ	۶۴	۱۲۲	اسراء
۸	مَعْلُومَةٌ إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا	۲۹	۱۲۵	اسراء
۹	وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا	۲۶ و ۲۷	۱۲۶	اسراء

اسراء	١٣١	٥٣	وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ	١٠
اسراء	١٣٩	٦٤	وَاسْتَفْزِرْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ	١١

الكهف

سوره	صفحه	شماره آيه	متن آيه	شماره
كهف	١٢٢	٤٦	الْمَالِ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا	١

مريم

سوره	صفحه	شماره آيه	متن آيه	شماره
مريم	٣٢	٦٨	فَوَرَّبِّكَ لَنُحْشِرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ	١
مريم	٣٧	٤٤	يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ	٢
مريم	٣٧	٤٦	قَالَ أَخْرُجْ مِنْهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا	٣
مريم	٥٤	٤٤	يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ	٤
مريم	١٥٠	٦٨	فَوَرَّبِّكَ لَنُحْشِرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ	٥

سوره طه

سوره	صفحه	شماره آيه	متن آيه	شماره
طه	٣٨	٢٤	اذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى	١
طه	٣٨	٨١	لَوْ مِنْ طَبِيبَاتٍ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطَعُوا	٢
طه	٧٦	١٢٠	فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ	٣
طه	٧٧	١٢٠	وَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ	٤
طه	٨٣	١٢٠	فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ	٥
طه	١٠٨	١١٧	عَلَى شَجَرَةٍ الْخُلْدِ وَمَلِكٌ لَا يُبْئَى	٦
طه	١٤٦	١١٧	فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا	٧
طه	١٤٦	١٢٣، ١٢٤	يُخْرِجَنَّكَ مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى	٨

الحج

سوره	صفحه	شماره آيه	متن آيه	شماره
حج	٤٩	٥٢	وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ	١
حج	٦٤	٣	وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ	٢

النور

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	إِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ	۵۰ و ۴۹	۱۱۰	نور
۲	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ	۲۱	۱۱۵	نور

الفرقان

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي	۲۷ و ۲۸	۱۶۰	فرقان

الشعراء

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيَاطِينُ	۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴	۱۶۰	شعراء

النمل

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ و	۲۴	۸۵	نمل
۲	وَجَدْتَهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ و	۲۴	۱۰۶	نمل

القصص

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا	۱۵	۱۲۰	قصص

العنكبوت

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَعَادًا وَتَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ	۳۸	۸۶	عنكبوت
۲	وَعَادًا وَتَمُودَ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ	۳۸	۱۰۵	عنكبوت

سوره روم

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ	۳۰	۱۳۰	روم

لقمان

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	فَلَا تَعْرَبْكُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَلَا يَعْزَبْكُمْ	۳۳	۶۶	لقمان
۲	وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ	۲۳	۱۰۸	لقمان

السجده

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا	۱۳	۶۳	سجده

سبا

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ	۴۹	۳۹	سبا
۲	وَلَقَدْ صَدَقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا	۲۰	۶۱	سبا

الفاطر

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا	۶	۴۳	فاطر
۲	إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ	۶	۴۶	فاطر
۳	خداوند میفرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ	۶ و ۵	۴۷	فاطر
۴	إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا	۶	۱۰۷	فاطر

یس

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	لَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا	۶۲	۶۳	یس
۲	أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ	۶۱ و ۶۰	۱۶۴	یس

الصافات

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ	۷	۲۸	صافات
۲	احشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ	۲۲	۳۳	صافات
۳	إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ	۶۵ و ۶۴	۳۵	صافات

ص

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ	۷۶	۳۶	ص
۲	قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ	۷۵	۳۶	ص
۳	وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ	۷۸	۳۸	ص
۴	قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي	۷۶	۴۴	ص
۵	وَأذْكَرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ	۴۱	۹۶	ص
۶	قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُعَوِّبَهُمْ أَجْمَعِينَ	۸۲	۱۰۲	ص

٧	قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغَوِّيَهُمْ أَجْمَعِينَ	٨٢	٤٥	ص
---	---	----	----	---

زمر

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
١	وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا	١٧	٢٤	زمر

فصلت

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
١	وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعِ بِالَّتِي	٣٤ الى ٣٦	٩٤	فصلت
٢	خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ	٣٤ و٣٥	١٥٩	فصلت

زخرف

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
١	وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُفِضَ لَهُ شَيْطَانًا	٣٦	٣٠	زخرف
٢	وَأَنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أ	٣٧	٣١	زخرف
٣	حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُفِضَ لَهُ شَيْطَانًا	٣٨	٣١	زخرف
٤	وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُفِضَ لَهُ شَيْطَانًا	٣٦ و٣٧	١٠٦	زخرف

الجاثية

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
١	وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً	٢٨	١٥٠	الجاثية

محمد

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
١	إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا	٢٥	٨٤	محمد
٢	الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ	٢٥	٩٠	محمد

الحجرات

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ	۲۶&۲۷	۳۴	الحجرات

ق

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمُ مَا تُوسْوُسُ بِهِ	۱۶	۷۸	ق

النجم

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ وَمَنَاةَ	۲۰	۴۹	النجم
۲	وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا	۳ و ۴	۵۰	النجم

سوره المجادله

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ	۱۹	۸۹	المجادله
۲	سَنَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ	۱۹	۱۴۸	المجادله
۳	اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ	۱۹	۱۵۸	المجادله

حشر

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ	۱۶	۴۱	الحشر

حاقه

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا	۴۶ الى ۴۸	۵۰	الحاقه

جن

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ	۶	۵۸	الجن

النازعات

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	أَذْهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ	۱۷ الى ۲۲	۲۲	النازعات
۲	فَأَمَّا مَنْ طَغَىٰ * وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا	۳۷ الى ۳۹	۳۹	النازعات

سوره علق

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ	۶	۳۸	العلق

سوره الناس

شماره	متن آیه	شماره آیه	صفحه	سوره
۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ	۶و۵	۷۶	الناس
۲	يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ	۵	۷۷	الناس
۳	مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ * الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ	۶و۵	۷۶	الناس

فهرست أحاديث نبوي

شماره	طرف حديث	صفحه
١	لا صلاة بعد صلاة العصر حتى تغرب الشمس	٣٥
٢	لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبة من خردل من الكبر	٣٦
٣	إن الشيطان يجري من ابن آدم مجرى الدم	٩٦
٤	من عاد لي ولياً فقد بارزني بالمحاربة - أو فقد أذنته بالحرب	٥٤
٥	إن الشيطان قعد لابن آدم بأطرقه فقعد له بطريق الإسلام	١٠٤
٦	من أتى عرافاً فسأله عن شيء لم تقبل له صلاة أربعين ليلة	١١٧
٧	اجتنبوا السبع الموبقات ، قالوا : يا رسول الله وما هن ؟	١٢١
٨	أمرنا بأن نفعل ما أحل الله من فطر المخلوقات	١٢٨
٩	المراء في القرآن كفر	٦٦
١٠	انا زعيم بببيت في ربض الجنة لمن ترك المراء	٦٦
١١	كل مسكر خمر و كل مسكر حرام	١٣٥
١٢	إن الدنيا حلوة خضرة وإن الله مستخلفكم	١٣٨

فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
۱	ابو اسحاق زجاج (۸۵۷-۹۲۳) (ابو اسحاق ابراهيم بن سري بن سهل)	۶۷
۲	ابو عبدالله جعفر بن محمد بن صادق متولد سال ۸۳ معروف به امام صادق	۷۳
۳	ابو علی حسن بن احمد بن عبدالغفار بن محمد بن سليمان بن أبان نحوی	۶۷
۴	اسماعيل بن عبدالرحمن السدي تابعی	۱۵۰
۵	الحارث بن أسد بن عبد الله المحاسبي البصري كنيته أبو عبد الله	۱۲۸
۶	الحسن بن صالح بن حي ، وهو حيان بن شَفَى الهمداني ، ثقة فقيه عابد	۱۳۸
۷	إبراهيم بن سويد النخعي الكوفي الأعور ، مشهور ثقة	۱۱۹
۸	أبو الأعلى المودودي	۱۴۱
۹	بالی عبدالسلام وحید، عالم و داعی مصری	۱۱۳
۱۰	سيرة بن الفاكهه ، ويقال بن أبي الفاكهه ، ويقال بن أبي الفاكهه ، وابن أبي الفاكهه	۱۰۴
۱۱	شیخ احمد مصطفی مراغی فرزند محمد بن عبدالمنعم مراغی متولد ۱۸۸۳ م متولد	۷۴
۱۲	شیخ محمد عبده در سال ۱۲۶۶ ه.ق در مصر متولد گردیده	۷۳
۱۳	شیخ محمد متولی شعرای از مبلغان معروف مصری است	۷۴
۱۴	عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي مشهور به ابن سعدی	۵۸
۱۵	مالك بن انس بن مالك بن انس بن الحارث بن عَیْمان بن خُثَیل بن عمرو بن الحارث الأصبحي مشهور به مالك ابن انس (۹۳ - ۱۷۹ ه.ق)	۲۱
۱۶	محمد الطاهر بن عاشور: رئیس المفتین المالکین بتونس و شیخ جامع الزيتونة وفروعه بتونس. مولده ووفاته ودراسته بها	۴۷
۱۷	محمد بن زياد معروف به ابن الأعرابي أبو عبد الله ، علامة بود در علم اللغة ، از كوفة ، سال وفات ۲۳۱ هـ -	۲۶
۱۸	محمد رشید رضا، متولد سال ۱۸۶۵ م از اصلاح طلبان	۷۳
۱۹	يعقوب بن اسحاق ابو يوسف بن السكيت	۷۲

فهرست مصادر ومراجع

- ١- إبليس ، عباس محمود العقاد ، دار نهضة مصر للطبع - الفجالة ، بدون تاريخ .
- ٢- أحكام القرآن ، أبو بكر أحمد بن علي الرازي الجصاص ، المتوفى سنة ٣٧٠ هـ ، ضبط نصه وخرج آياته عبد السلام محمد علي شاهين ، ، دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م .
- ٣- أحكام القرآن ، أبو بكر محمد بن عبد الله المعروف بابن العربي ، المتوفى سنة ٥٤٣ هـ ، تحقيق علي محمد البيجاوي ، دار الجيل - بيروت ، طبعة جديدة فيها زيادة شرح وضبط وتحقيق ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م .
- ٤- إحياء علوم الدين ، الإمام أبو حامد محمد بن محمد الغزالي ، المتوفى سنة ٥٠٥ هـ دار الوثائق - القاهرة ، الطبعة الأولى ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م .
- ٥- الأدب المفرد ، الإمام محمد بن إسماعيل البخاري ، المتوفى سنة ٢٥٦ هـ علق عليه الألباني ، دار الصديق ، الطبعة الثانية ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م .
- ٦- إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم ، قاضي القضاة الإمام أبو السعود محمد بن محمد العمادي ، المتوفى سنة ٩٥١ هـ ، دار إحياء التراث العربي - بيروت ، الطبعة الرابعة ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م .
- ٧- الأساس في التفسير ، سعيد حوى ، دار السلام للطباعة والنشر- القاهرة ، الطبعة الثالثة ١٩٩١ م.
- ٨- إصابة السهام فؤاد من حاد عن سنة خير الأنام ، للشيخ محمود محمد أحمد خطاب السبكي ، بدون تاريخ.
- ٩- أضواء البيان في إيضاح القرآن بالقرآن ، محمد الأمين بن محمد المختار الجكني الشنقيطي الموريتاني المالكي ، المتوفى سنة ١٣٩٣ هـ ، وتكلمته لتلميذه عطية محمد سالم ، طبعة جديدة منقحة ومصححة اعتنى بها الشيخ صلاح الدين العلايلي ، دار إحياء التراث العربي - مؤسسة التاريخ العربي - بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م .
- ١٠- الأعلام ، خير الدين الزركلي ، دار العلم للملايين - بيروت ، الطبعة الخامسة م م ١٩٨٠ م - تعداد اجزا : ٨ جلد .

- ١١- إغاثة اللفان من مصائد الشيطان ، الإمام شمس الدين محمد بن أبي بكر بن قيم الجوزية ، المتوفى سنة ٧٥١ هـ ، حققه وكتب هوامشه محمد تحامد الفقي ، دار الكتب العلمية - بيروت ، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م .
- ١٢- إلى الذين أسرفوا على أنفسهم ، عائض بن عبد الله القرني ، دار ابن حزم ، الطبعة الأولى ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م .
- ١٣- أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير ، أبو بكر جابر الجزائري ، الطبعة الثانية ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م .
- ١٤- الاتجاهات الفكرية المعاصرة ، المستشار علي جريشة ، دار الوفاء للطباعة والنشر والتوزيع ، الطبعة الثالثة ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م
- ١٥- البحر المحيط في التفسير ، محمد بن يوسف الشهير بأبي حيان الأندلسي الغرناطي ، المتوفى سنة ٧٥٤ هـ ، طبعة جديدة بعناية صدقي محمد جميل ، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع ، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م .
- ١٦- بروتوكولات حكماء صهيون ، ترجمة وتقديم الأستاذ عباس محمود العقاد ، مكتبة ابن سينا للنشر والتوزيع - القاهرة ، بدون تاريخ .
- ١٧- بصائر ذوي التمييز في لطائف الكتاب العزيز ، مجد الدين محمد بن يعقوب الفيروز ابادي ، المتوفى سنة ٨١٧ هـ ، تحقيق الأستاذ محمد علي النجار ، المكتبة العلمية - بيروت ، بدون تاريخ .
- ١٨- بينات الحل الإسلامي وشبهات العلمانيين والمغتربين ، الدكتور يوسف القرضاوي ، مكتبة وهبة - القاهرة ، ١٩٨٨ م .
- ١٩- التحرير والتنوير ، الأستاذ الإمام الشيخ محمد الطاهر بن عاشور ، دار سحنون للنشر والتوزيع - تونس ، بدون تاريخ .
- ٢٠- تزكية النفس ، الدكتور محمد عبد القادر أبو فارس ، دار الفرقان - عمان ، الطبعة الأولى ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م .
- ٢١- التعريفات ، محمد عبد الرؤوف المناوي ، المتوفى سنة ١٠٣١ هـ ، تحقيق محمد رضوان الداية ، دار الفكر المعاصر - بيروت - دمشق ، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ .
- ٢٢- تفسير الشعراوي ، محمد متولي الشعراوي ، راجعه أحمد عمر هاشم ، دار الكتب - القاهرة ، الطبعة الأولى ١٩٩١ م .

- ٢٣- تفسير القرآن الحكيم المسمى بتفسير المنار ، محمد رشيد رضا ، دار المعرفة للطباعة والنشر بيروت، الطبعة الثانية .
- ٢٤- تفسير القرآن العظيم ، الحافظ عماد الدين أبو الفداء إسماعيل بن كثير الدمشقي ، المتوفى سنة ٧٤٧ هـ ، تحقيق مصطفى السيد محمد ومحمد السيد رشاد ومحمد فضل العجاوي وعلى أحمد عبد الباقي ، مؤسسة قرطبة ومكتبة أولاد الشيخ للتراث الطبعة الأولى ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م .
- ٢٥- تفسير القرآن العظيم ، عبد الرحمن بن محمد بن إدريس الرازي ابن أبي حاتم ، المتوفى سنة ٣٢٧ هـ ، تحقيق أسعد محمد الطيب ، إعداد مركز الدراسات والبحوث بمكتبة نزار الباز ، مكتبة نزار الباز - مكة المكرمة ، الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م .
- ٢٦- التفسير الكبير (مفاتيح الغيب) ، الإمام فخر الدين محمد بن عمر الرازي الشافعي ، المتوفى سنة ٦٠٤ هـ ، منشورات محمد علي بيضون - دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة الأولى ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م .
- ٢٧- تفسير المراغي ، أحمد مصطفى المراغي ، دار الفكر للطباعة والنشر - بيروت ، ١٩٤٥ م .
- ٢٨- التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج ، الأستاذ الدكتور وهبة الزحيلي ، دار الفكر المعاصر - بيروت ، دار الفكر - دمشق ، بدون تاريخ .
- ٢٩- تقريب تهذيب الكمال ، أحمد بن حجر العسقلاني ، المتوفى سنة ٨٥٢ هـ ، دار العاصمة للنشر والتوزيع ، الطبعة الأولى ١٤١٦ هـ .
- ٣٠- تلبيس إبليس ، للإمام أبي الفرج عبد الرحمن الجوزي ، المتوفى سنة ٥٩٧ هـ ، حققه وعلق عليه أيمن صالح شعبان ، دار الحديث - القاهرة ، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م .
- ٣١- تنوير الأذهان من تفسير روح البيان ، للشيخ إسماعيل حقي البروسوي ، المتوفى سنة ١١٣٧ هـ ، اختصار خادم الكتاب والسنة الشيخ محمد علي الصابوني ، دار القلم - دمشق ، الطبعة الأولى ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م .
- ٣٢- تهذيب تهذيب الكمال ، أحمد بن حجر العسقلاني ، المتوفى سنة ٨٥٢ هـ ، دار المعرفة - بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م .

- ٣٣- التوجيه الإسلامي للشباب ، من بحوث مؤتمرات مجمع البحوث الإسلامية ، الدين وحماية الشباب من الانحراف السلوكي والفكري ، الأستاذ محمد خلف الله أحمد ، الشركة المصرية للطباعة والنشر ، ١٣٩١ هـ - ١٩٧١ م .
- ٣٤- تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان ، العلامة الشيخ عبد الرحمن بن ناصر السعدي ، المتوفى سنة ١٣٧٦ هـ ، دار الحديث - القاهرة ، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م .
- ٣٥- الثبات عند الممات ، للإمام أبي الفرج عبد الرحمن بن علي الجوزي ، المتوفى سنة ٥٩٧ هـ ، حققه علي مخطوطتين ومطبوعتين المعتصم بالله أبو هريرة مصطفى بن علي بن عوض ، دار الجيل - بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م .
- ٣٦- جامع البيان عن تأويل آي القرآن (تفسير الطبري) ، الإمام أبو جعفر محمد بن جرير الطبري ، المتوفى سنة ٣١٠ هـ ، اعتنى بتصحيحه وفهرسته مكتبة التحقيق والإعداد العلمي بدار الأعلام ، دار ابن حزم - دار الأعلام ، الطبعة الأولى ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م .
- ٣٧- الجامع لأحكام القرآن ، أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي ، إعداد المكتب الثقافي ، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع ، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م .
- ٣٨- الجواب الكافي فيمن سأل عن الدواء الشافي - الدواء والدواء ، للإمام ابن قيم الجوزية المتوفى سنة ٧٥١ هـ ، اعتنى به وراجعاه عبد الكريم الفضيلي ، المكتبة العصرية بيروت ، ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م .
- ٣٩- الجواهر في تفسير القرآن الكريم المشتمل على عجائب بدائع المكونات وغرائب الآيات الباهرات ، طنطاوي جوهري ، المكتبة الإسلامية ، الطبعة الثالثة ، ١٩٧٤ .
- ٤٠- الحجاب ، أبو الأعلى المودودي ، دار التراث العربي للطباعة والنشر - ميدان المشهد الحسيني - القاهرة ، بدون تاريخ .
- ٤١- حزب الله في مواجهة حزب الشيطان ، المهندس وائل عثمان ، تقديم فضيلة الشيخ محمد متولى الشعراوي ، الطبعة الثالثة بدون تاريخ .

- ٤٢- الدر المنثور في التفسير المأثور ، الإمام عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي المتوفى سنة ٩١١ هـ ، ضبط النص وتصحيحه وإسناد الآيات ووضع الحواشي والفهارس بإشراف دار الفكر ، دار الفكر ، ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م .
- ٤٣- دراسات في القصص القرآني - مقاصده وأغراضه ودفع الشبهات عنه ، عبد المنعم القصاص ، دار الطباعة المحمدية - القاهرة ، ١٩٩٢ م .
- ٤٤- درة الناصحين في الوعظ والإرشاد ، عثمان بن حسن بن أحمد الشاكر الخويري ، دار إحياء الكتب العربية ، عيسى البابي الحلبي وشركاؤه ، بدون تاريخ .
- ٤٥- روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني ، العلامة أبو الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي ، المتوفى سنة ١٢٧٠ هـ ، قرأه وصححه محمد حسين العرب بإشراف هيئة البحوث والدراسات في دار الفكر ، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت ، بدون تاريخ .
- ٤٦- زاد المسير في علم التفسير ، الإمام جمال الدين أبو الفرج عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي البغدادي ، المتوفى سنة ٥٩٧ هـ ، المكتب الإسلامي - دار ابن حزم الطبعة الأولى الجديدة ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م .
- ٤٧- سلسلة الأحاديث الصحيحة ، محمد ناصر الدين الألباني ، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع ، الطبعة الثانية ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م .
- ٤٨- سنن النسائي بشرح السيوطي وحاشية السندي ، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي النسائي ، دار البشائر الإسلامية ، الطبعة الثانية ١٩٨٦ م .
- ٤٩- شبهات حول الإسلام ، محمد قطب ، دار الشروق - بيروت ، الطبعة الحادية عشرة ١٩٧٨ م .
- ٥٠- شبهات وأباطيل حول تعدد زوجات الرسول ، محمد علي الصابوني ، المؤلف - بيروت ، ١٩٨٠ م .
- ٥١- شرح العقيدة الطحاوية ، علي بن علي بن محمد بن أبي العز الحنفي ، حققه وراجعته جماعة من العلماء وخرج أحاديثه محمد ناصر الدين الألباني ، المكتب الإسلامي ، الطبعة الثامنة ١٤٠٤ هـ - ١٩٧٤ م .
- ٥٢- الصارم البتار في التصدي للسحرة والأشرار ، وحيد عبد السلام بالي ، مكتبة الصحابة جدة ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ .

- ٥٣- صحيح ابن حبان ، محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي ، المتوفى سنة ٣٥٤ هـ ، تحقيق شعيب الأرنؤوط ، مؤسسة الرسالة - بيروت ، الطبعة الثانية ١٤١٤ هـ - ١٩٩٣ م .
- ٥٤- صحيح الجامع الصغير وزيادته ، محمد ناصر الدين الألباني ، المكتب الإسلامي ، الطبعة الثالثة ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م .
- ٥٥- صحيح سنن الترمذي ، محمد ناصر الدين الألباني ، مكتبة المعارف للنشر والتوزيع الطبعة الثالثة ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م .
- ٥٦- صحيفة علي بن أبي طلحة عن ابن عباس في تفسير القرآن الكريم ، اعتنى بها وحققها وخرجها راشد عبد المنعم الرجال ، مكتبة السنة ، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ - ١٩٩١ م .
- ٥٧- طبقات المفسرين ، أحمد بن محمد الداودي ، تحقيق سليمان بن صالح الخزي ، مكتبة العلوم والحكم - السعودية ، الطبعة الأولى ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م .
- ٥٨- عالم الجن والشياطين ، الدكتور عمر سليمان عبد الله الأشقر ، دار النفائس للنشر والتوزيع - عمان ، الطبعة العاشرة ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م .
- ٥٩- العوائق ، محمد أحمد الراشد ، مؤسسة الرسالة - بيروت ، الطبعة الثانية عشرة ١٩٨٨ م .
- ٦٠- غرائب وعجائب الجن كما يصورها القرآن والسنة ، للشيخ القاضي بدر الدين بن عبد الله الشبلي ، تحقيق وتعليق إبراهيم محمد الجمل ، مكتبة القرآن - القاهرة ، بدون تاريخ .
- ٦١- فتح الباري بشرح صحيح البخاري ، الإمام الحافظ أحمد بن علي بن حجر العسقلاني المتوفى سنة ٨٥٢ هـ ، راجعه قصي محب الدين الخطيب ، رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه محمد فؤاد عبد الباقي ، دار الريان للتراث - القاهرة ، الطبعة الأولى ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٦ م .
- ٦٢- الفرقان بين أولياء الرحمن وأولياء الشيطان ، أحمد بن عبد الحليم بن تيمية ، رئاسة إدارة البحوث العلمية - السعودية ، بدون تاريخ .
- ٦٣- الفقه الإسلامي وأدلته ، الدكتور وهبة الزحيلي ، دار الفكر - دمشق ، الطبعة الثالثة ١٤٠٩ هـ - ١٩٨٩ م .

- ٦٤- في ظلال القرآن ، بقلم سيد قطب ، دار الشروق ، الطبعة الشرعية الثالثة عشرة ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م .
- ٦٥- كتاب العين ، أبو عبد الرحمن الخليل بن أحمد الفراهيدي ، المتوفى سنة ١٧٥ هـ ، دار إحياء التراث العربي ، بدون تاريخ .
- ٦٦- الكتاب المقدس ، كتب العهد القديم والعهد الجديد ، دار الكتاب المقدس في الشرق الأوسط .
- ٦٧- الكشف عن حقائق التنزيل وعيون الأقاويل في وجوه التأويل ، أبو القاسم جار الله محمود بن عمر الزمخشري الخوارزمي ، المتوفى سنة ٥٣٨ هـ ، دار المعرفة - بيروت .
- ٦٨- لباب النقول في أسباب النزول ، العلامة جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطي المتوفى سنة ٩١١ هـ ، خرج أحاديثه أبو عبد الله محمود بن الجميل ، مكتبة الصفا ، الطبعة الأولى ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٢ م .
- ٦٩- لسان العرب ، أبو الفضل جمال الدين محمد بن مكرم بن منظور الأفرقي ، المتوفى سنة ٧١١ هـ ، دار الفكر للطباعة والنشر - بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٠ هـ - ١٩٩٠ م .
- ٧٠- مجمل اللغة ، لابن فارس ، المتوفى سنة ٣٩٥ هـ ، تحقيق زهير عبد المحسن سلطان مؤسسة الرسالة ، الطبعة الثانية ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م .
- ٧١- مجموع فتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية ، جمع وترتيب الفقير إلى الله عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي الحنبلي وساعده ابنه محمد وفقهما الله ، مكتبة ابن تيمية لطباعة ونشر كتب السلفية ، بدون تاريخ .
- ٧٢- محاسن التأويل ، محمد جمال الدين القاسمي ، وقف على طبعه وصححه ورقمه وخرج آياته وأحاديثه وعلق عليه خادم الكتاب والسنة محمد فؤاد عبد الباقي ، دار إحياء الكتب العربية ، بدون تاريخ .
- ٧٣- المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز ، الإمام أبو محمد عبد الحق بن غانم بن عطية الأندلسي ، المتوفى سنة ٥٤٦ هـ ، تحقيق عبد السلام عبد الشافي محمد ، طبعة محققة عن نسخة أيا صوفيا - إسطنبول رقم ١١٩ ، منشورات محمد علي بيضون

- لنشر كتب السنة والجماعة ، دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م .
- ٧٤- المحيط في اللغة ، كافي الكفاة صاحب بن عباد ، تحقيق محمد حسن آل ياسين ، عالم الكتب - بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م .
- ٧٥- مختار الصحاح ، الإمام محمد بن أبي بكر الرازي ، دار الفكر - بيروت ، بدون طبعة .
- ٧٦- مختصر زوائد مسند البزار على الكتب الستة ومسند أحمد ، الحافظ أحمد بن حجر العسقلاني ، المتوفى سنة ٨٥٢ هـ ، تحقيق صبري عبد الخالق أبو ذر ، مؤسسة الكتب الثقافية ، الطبعة الأولى ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م .
- ٧٧- مدارج السالكين بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين ، الإمام أبو عبد الله شمس الدين محمد بن بكر بن القيم ، دار الكتاب العربي للطباعة - بيروت ، ١٩٧٢ م .
- ٧٨- المرأة المسلمة (رسائل) المرأة بين دعاة الإسلام وأدعياء التقدم ، الدكتور عمر سليمان الأشقر خرج أحاديثه وراجعها محمد ناصر الدين الألباني ، دار الجيل - بيروت الطبعة الثانية ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م .
- ٧٩- المستخلص في تركية الأنفس ، سعيد حوى ، دار القيس - بيروت ، الطبعة الأولى ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م .
- ٨٠- المستدرک على الصحيحين ، محمد بن عبد الله أبو عبد الله الحاكم النيسابوري ، المتوفى سنة ٤٠٥ هـ ، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا ، دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م .
- ٨١- مسند أحمد ، الإمام أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني ، المتوفى سنة ٢٤١ هـ ، مؤسسة قرطبة - القاهرة ، بدون تاريخ .
- ٨٢- المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي ، محمد الفيومي ، المطبعة العلمية ، الطبعة الأولى ١٣١٥ هـ .
- ٨٣- معارج التفكير ودقائق التدبير ، عبد الرحمن حسن حبنكة الميداني ، دار القلم - دمشق ، الطبعة الأولى ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م .

- ٨٤- معالم التنزيل في التفسير والتأويل ، أبو محمد الحسين بن مسعود الفراء البغوي ،
المتوفى سنة ٥١٠ هـ ، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع ، إعادة النشر ١٤٠٥
هـ - ١٩٨٥ م .
- ٨٥- المعجم الكبير ، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني ، المتوفى سنة ٣٦٠
هـ ، حققه حمدي بن عبد المجيد السلفي ، مكتبة العلوم والحكم - الموصل ، الطبعة
الثانية ١٤٠٤ هـ - ١٩٨٣ م
- ٨٦- المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الكريم ، محمد فؤاد عبد الباقي ، دار الحديث -
القاهرة ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م .
- ٨٧- معجم المقاييس في اللغة ، أبو الحسين أحمد بن فارس بن زكريا ، المتوفى سنة ٣٩٥
هـ ، حققه شهاب الدين أبو عمرو ، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع ، الطبعة
الثانية ١٤١٨ هـ - ١٩٩٨ م .
- ٨٨- المعلوم من واجب العلاقة بين الحاكم والمحكوم ، أسئلة أجاب عليها فضيلة الشيخ
عبد العزيز بن باز ، (د.ن.) للطباعة والنشر - فلسطين ، ١٩٩٦ م .
- ٨٩- مفاتيح الخير والشر ، سلمان نصيف الدحوح ، دار البشائر الإسلامية - بيروت -
لبنان ، الطبعة الأولى ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م .
- ٩٠- المفردات في غريب القرآن ، أبو القاسم حسين بن محمد المعروف بالراغب
الأصفهاني ، المتوفى سنة ٥٠٢ هـ ، تحقيق وضبط محمد سيد كيلاني ، دار
المعرفة - بيروت ، بدون تاريخ .
- ٩١- مكانة السنة في بيان الأحكام الإسلامية والرد على ما أثير من شبهات حول حجيتها
وروايتها ، علي الخفيف ، مجلة الأزهر - القاهرة ، ١٩٩٩ م .
- ٩٢- من كنوز القرآن السحر في القرآن العظيم ، عبد المنعم الهاشمي ، دار ابن حزم -
بيروت ، الطبعة الثانية ١٤١٩ هـ - ١٩٨٩ م .
- ٩٣- مناهل العرفان في علوم القرآن ، محمد عبد العظيم الزرقاني ، دار الفكر - بيروت
الطبعة الأولى ١٤١٦ هـ - ١٩٩٦ م .
- ٩٤- مواظ للإمام سفيان الثوري ، قام بجمعها صالح أحمد الشامي ، المكتب الإسلامي ،
الطبعة الأولى ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م .

٩٥- مواظ للإمام مالك بن دينار ، قام بجمعها صالح أحمد الشامي ، المكتب الإسلامي ، الطبعة الأولى - ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م .

٩٦- نحو علم نفس إسلامي ، الدكتور حسن محمد الشرقاوي ، تقديم الدكتور عبد الحلیم محمود والدكتور مصطفى محمود ، مؤسسة شباب الجامعة - الإسكندرية ، ١٩٨٤م .

٩٧- نظم الدرر في تناسب الآيات والسور ، برهان الدين أبو الحسن إبراهيم بن عمر البقاعي ، المتوفى سنة ٨٨٥ هـ ، خرج آياته وأحاديثه ووضع حواشيه عبد الرزاق غالب المهدي ، دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة الأولى ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥م .

٩٨- النكت والعيون (تفسير الماوردي) ، أبو الحسن علي بن محمد بن حبيب الماوردي المصري ، المتوفى سنة ٤٥٠ هـ ، راجعه وعلق عليه السيد بن عبد المقصود بن عبد الرحيم ، دار الكتب العلمية - بيروت ، مؤسسة الكتب الثقافية - بيروت ، بدون تاريخ .

٩٩- الوابل الصيب من الكلم الطيب ، أبو عبد الله شمس الدين محمد بن أبي بكر بن أيوب ابن سعد بن خريز بن مكي الدمشقي ابن قيم الجوزية ، المتوفى سنة ٧٥١ ، مطابع المختار الإسلامية - القاهرة ، الطبعة الخامسة ١٤٠٠

رسانه ها

١٠٠- مجلة هدى الإسلام، العدد الرابع ، السنة الرابعة ، ربيع الآخر ١٤٠٦ هـ - كانون الأول ١٩٨٥ م .

١٠١- مجلة السنة ، العدد ٩ - ١٠ ، ١٤١١ هـ - ١٩٩١ م .

١٠٢- مجلة الأزهر العدد ٥ - ٦ ، جمادى الأولى - جمادى الآخرة ١٤٠٣ هـ - فبراير مارس ١٩٨٣ م .

١٠٣- مجلة منبر الإسلام ، العدد ٢ ، السنة ٥٦ ، صفر ١٤١٨ هـ - يونيو ١٩٩٧ م .

١٠٤- مجلة البيان ، العدد ١٦٢ ، السنة السادسة عشرة ، صفر ١٤٢٢ هـ - مايو ٢٠٠١ م .

١٠٥- <http://www.contemporarywriters.com/authors/?p=auth٨٧#top>

١٠٦- <http://welfare.nashiri.net/durkheim.htm>

١٠٧- www.aklaam.net/ency/encfroid.htm

The Summary

The thesis is a Subjective study of Plans and Goals of the Devil in the light of Qur'an.

This research is composed of five chapters and several topics and parts which discuss the specific stuff related to the devil in the light of Quran.

In the first chapter, the main topics are: definition of the word “devil “ and its synonym and devil in the Qur'an and the classification of the devil and its characteristics.

The Second chapter focuses on basis of Iblis and his followers' animosity and the severity of their animosity and how devil's guardianship and worship are achieved, and who are friends and relatives of Satan, have been discussed.

The third chapter deals with Literal and rhetorical Quranic interpretation of "Satan's footsteps/strategies " later on, there are discussions on ports and way of Devil entering into the human or addressing man and the devil's plans and also there some topics concentrates on the Devil traps the Holy Qur'an has expressed to us.

The fourth chapter deals with Satan's objectives, in two categories: ١):

General Objective ٢): Subsidiary Objectives with following conclusions: Satan wants to disseminate prostitution and vengeance among the people who will eventually lead them to disbelief, or turn people away from God and slave them, and eventually, turn them away from Jannah and put into hell.

In chapter five, the consequences of following Devil both in this world and in the hereafter and also Detection and prevention tools are discussed and explored.



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Tafseer and Hadith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

The Satan, His Aims and footsteps
A Quranic subjective study
A Master's thesis

Student: Ahmad Fawad Raadmanish
Supervisor: Dr. Fasihullah Abdulbaqi

Year: 2020



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Tafseer and Hadith



Islamic Republic of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

The Satan, His Aims and footsteps
A Quranic subjective study
A Master's thesis

Student: Ahmad Fawad Raaumanish
Supervisor: Dr. Fasihullah Abdulbaqi

Year: 2020